وزارت معارف

تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف هفتم

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش.



سرود ملی

دا وطن افغانستـان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولـو کور دی
د پښتـون او هـزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هېـواد به تل ځلیږي
په سینـه کې د آسیـا به
نوم د حق مـو دی رهبـر

دا عـزت د هـر افغان دی
هر بچی یې قهرمـان دی
د بـلـوڅـو د ازبکـو
د تـرکمنـو د تـاجکـو
پـامیـریـان، نـورستـانیـان
هـم ایمـاق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکـه زړه وي جاویـدان
وایـو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحيم



وزارت معارف

تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف هفتم

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ ش.

مشخصات کتاب

مضمون: تعلیم و تربیهٔ اسلامی

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیم و تربیهٔ اسلامی نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: هفتم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپخانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

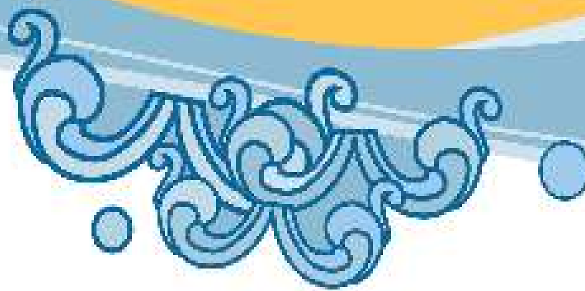
در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست



درس اول

شناخت علم حدیث

حدیث شریف مصدر دوم شریعت اسلامی می‌باشد.

پس لازم است بدانیم که کدام علم از سنت پیامبر گرامی ما بحث می‌کند؟

تعریف، موضوع و غرض علم حدیث

تعریف علم حدیث

حدیث در لغت سخن و هر چیز جدید را گویند.

و در اصطلاح عبارت از علمی‌است که در آن از قول، فعل و تقریر رسول الله ﷺ از لحاظ متن و سند بحث می‌شود.

موضوع علم حدیث

گفتار، کردار و تقریر رسول الله ﷺ است.

غرض علم حدیث

متابعت و پیروی رسول الله ﷺ می‌باشد که موجب سعادت دارین می‌گردد.



شاگردان به صورت گروهی و به همکاری استاد در بارۀ تفاوت بین موضوع و غرض علم حدیث باهم مباحثه نمایند.

آشنایی با برخی از اصطلاحات علم حدیث

۱- **تقریر:** مقصد از تقریر آن است که یک و یا چند تن از اصحاب کرام کاری را انجام

داده و یا سخنی گفته باشند و پیامبر اکرم ﷺ پس از آگاهی در مورد آن سکوت اختیار کرده باشد.

۲- صحابی: صحابی کسی است که رسول الله ﷺ را دیده و به ایشان ایمان آورده و در حالت ایمان فوت کرده باشد.

۳- تابعی: تابعی کسی است که در حالت اسلام با صحابی ملاقات کرده و در همین حالت وفات کرده باشد.

بخش‌های حدیث: حدیث دو بخش دارد.

الف - متن: متن، عبارت از الفاظی است که از گفتار، کردار و یا تقریر آن حضرت ﷺ حکایت کند.

ب _ سند: عبارت است از سلسلهٔ نام‌های راویان حدیث.



شاگردان به صورت گروهی اصطلاحات درس را از یکدیگر بپرسند.

انواع حدیث

حدیث به اعتبار تعداد راوی‌ها و مشهورترین آن‌ها بر سه نوع تقسیم می‌گردد: ۱-متواتر، ۲-مشهور و ۳-آحاد.

۱- حدیث متواتر

حدیثی است که تعداد راوی‌های آن آنقدر زیاد باشد که اتفاق آن‌ها بر دروغ محال و غیر ممکن باشد.

شرایط حدیث متواتر

الف - تعداد راوی‌های آن زیاد باشد.

ب - اتفاق آن‌ها بر دروغ محال باشد.

ج - تعداد راوی‌های آن در همه مراحل (طبقات) از حد تواتر کم نشود.

۲ ـ حدیث مشهور: حدیثی را گویند که درعهد صحابه کرام راویان آن کم باشد و درعهد تابعین به شهرت رسیده باشد و راویان آن به حدی باشند که اتفاق آن‌ها بر کذب ممکن نباشد.

۳ـ حدیث آحاد

حدیثی است که آن را یک شخص و یا دو شخص و یا حتی بالاتر از آن روایت کرده باشد؛ ولی به درجۀ حدیث مشهور نرسیده باشد و یا اینکه تمام شرایط حدیث مشهور در آن نباشد.



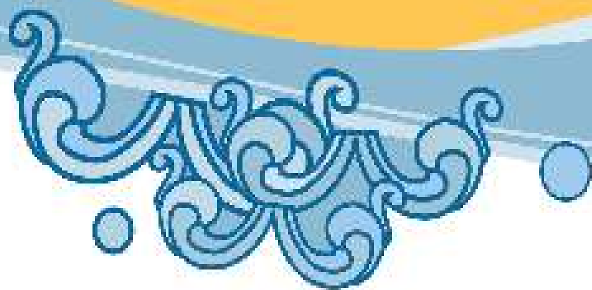
شاگردان تفاوت‌های حدیث متواتر را با حدیث مشهور و آحاد به شکل گروهی، توضیح دهند.



۱- تعریف، موضوع و غرض علم حدیث را بیان کنید.
۲- حدیث متواتر را تعریف نموده شرایط آن را بیان کنید.
۳- حدیث مشهور و حدیث آحاد را بیان کنید.



شاگردان تعریف لغوی و اصطلاحی علم حدیث را و اینکه صحابی و تابعی به چه کسانی اطلاق می‌شود؟ در کتابچه‌های شان نوشته کرده و تمرین کنند.



درس دوم

تدوین حدیث

در درس اول علم حدیث و اقسام آن را یادگرفتیم. آیا می‌دانید احادیث نبوی چطور جمع و نوشته شده است؟

مرحلهٔ اول

اصحاب بزرگوار، در دوران حیات رسول خدا همهٔ سخنان، افعال و تقریرهای ایشان را فرا گرفته به آن عمل نموده و بر آن استدلال می‌کردند و بعضی از اصحاب کرام نیز آن را می‌نوشتند. اما بعد از وفات رسول خدا ﷺ، صحابهٔ کرام به این امر پی بردند که باید احادیث نبوی جمع و تدوین شود تا از آن حفاظت به عمل آید. بدین خاطر بعضی از اصحاب کرام به این فکر افتادند که احادیث پیغمبر ﷺ را بنویسند و با خود نگهدارند. پس مرحلهٔ اول جمع آوری احادیث پیغمبر اکرم ﷺ در زمان صحابهٔ کرام بعد از وفات رسول خدا آغاز شد.



شاگردان در مورد آغاز تدوین حدیث و فواید آن باهم بحث کنند.

مرحلهٔ دوم: تدوین احادیث به شکل رسمی

هنگامی که حضرت عمربن عبدالعزیز رحمه الله در سال ۹۹ هجری قمری خلیفه مسلمانان شد، تصمیم گرفت احادیث نبوی را جمع کند. ایشان از این اقدام، دو مقصد داشتند:

۱- جلوگیری از راه یافتن دروغ در احادیث نبوی

هنگامی که فتوحات اسلامی توسعه یافت و مردم از ادیان مختلف به اسلام مشرف گردیدند، این خطر احساس شد که گروه‌های گمراه در احادیث نبوی دست بزنند و از خود احادیث دروغین بسازند.

۲- جلوگیری از ضایع شدن احادیث

با گذشت زمان و به سبب شهادت و وفات صحابهٔ کرام این خطر احساس گردید که احادیث پیامبر اکرم ﷺ از بین برود.

از این رو خلیفهٔ مسلمانان عمر بن عبدالعزیز رحمه الله به والیان خود از جمله محمد بن عمروبن الحزم، والی مدینهٔ منوره وظیفه سپرد که به همکاری عالم مشهور آن زمان، محمد بن شهاب الزهری احادیث نبوی را جمع کنند و به شکل کتاب در بیاورند. این کار تنها به مدینه خلاصه نمی‌شد؛ بلکه علمای دیگر در مکه، عراق، کوفه و بصره نیز در آن سهم گرفتند.

بعد از آن سلسلهٔ جمع آوری، تألیف و نوشتن احادیث نبوی دوام یافت و در این عرصه کتب بزرگی تألیف گردید که مشهورترین آن‌ها قرار ذیل است:

شماره	نام کتاب	نام مؤلف و تاریخ تولد	تاریخ وفات
۱	صحیح البخاری	ابوعبدالله محمدبن اسماعیل بخاری (رح) ۱۹۴هـ	۲۵۶ هـ
۲	صحیح مسلم	مسلم بن حجاج نیشاپوری (رح) ۲۰۴ هـ	۲۶۱ هـ
۳	جامع ترمذی	محمد بن عیسی ترمذی (رح) ۲۰۹ هـ	۲۶۹ هـ
۴	سنن ابوداوود	سلیمان بن اشعث سجستانی (رح) ۲۰۲ هـ	۲۷۵ هـ
۵	سنن ابن ماجه	ابو عبدالله محمد بن یزیدقزوینی (رح) ۲۰۹ هـ	۲۷۳ هـ
۶	سنن نسایی	احمدبن شعیب نسایی (رح) ۲۱۵ هـ	۳۰۳ هـ

ارزیابی

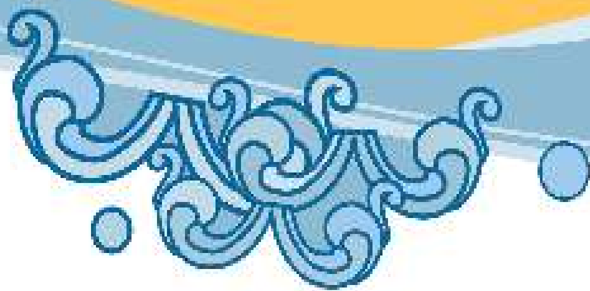
۱- آیا تدوین احادیث در زمان پیغمبر ﷺ وجود داشت؟

۲- تدوین علم حدیث در زمان کدام خلیفه آغاز شد؟

۳- کتب مشهور حدیث را نام بگیرید؟

کارخانه گی

معلومات خود را در مورد تدوین علم حدیث و علمای مشهور آن بنویسید.



درس سوم

نیت و اخلاص

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ يَقُولُ: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَتَزَوَّجُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ.» متفق علیه

آشنایی با راوی

نام او عمر، نام پدرش خطاب و کنیهٔ ایشان ابوحفص و لقبش فاروق می‌باشد. خلیفهٔ دوم مسلمانان بود و (۳۰) سال قبل از بعثت متولد شده و در سال ششم نبوت، ایمان آورده است. توسط او دعوت اسلامی و مسلمانان تقویت یافتند.

در دوران خلافت عمر فاروق رضی الله عنه شام، مصر، فلسطین، بیت المقدس و عراق فتح شد.

در سال بیست وسوم هجری از طرف یک غلام مجوسی به نام ابولؤلؤ درحال امامت نماز صبح به سن ۶۳ سالگی به شهادت رسید و در پهلوی پیامبر اکرم ﷺ به خاک سپرده شد.



شاگردان در بارهٔ خلفای راشدین و بخصوص درباره شخصیت عمر رضی الله عنه به شکل گروهی مباحثه نمایند.

معنای برخی کلمات

النِّيَّاتِ:	جمع نیت = قصد و اراده		
نَوَى:	نیت کرد		
امْرَأَةٍ:	زن		
امْرِئٍ:	شخص (مرد باشد یا زن)		
يُصِيبُهَا:	آن را به دست می‌آورد	هَاجَرَ	هجرت کرد

معنای حدیث

از حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که می‌فرمایند: از آن حضرت صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند: «تمام اعمال به نیت بسته‌گی دارد (نه چیزی دیگر) و یقیناً برای هر فرد همان چیزی است که آن را نیت کرده است. اگر یک شخص به خاطر (رضا و خشنودی) الله و رسولش هجرت کند، پس هجرتش برای الله و رسول اوست و اگر هجرتش به خاطر به دست آوردن دنیا باشد آن را به دست می‌آورد و یا اگر هجرتش به منظور ازدواج با زنی باشد، در واقع هجرتش به خاطر همان چیزی است که آن را نیت کرده است.

معنی و هدف نیت

نیت در لغت به معنای قصد و اراده می‌باشد و مراد از نیت در حدیث فوق همان هدف و مقصدی است که انسان جهت به دست آوردن آن کاری را انجام می‌دهد. و هدف از آن تمییز عبادت از عادت می باشد.

حکمت حدیث

در جامعه‌یی که افراد آن به کارهای نیک تظاهر می‌کنند؛ ولی در باطن نیت و ارادهٔ خلاف آن را دارند، فریب، دروغگویی و نفاق در آن انتشار می‌یابد.

ولی بر عکس در جامعه‌یی که افراد آن کارهای نیک را به منظور رضای خداوند جل جلاله انجام می‌دهند، صداقت، پاکی، صمیمیت و اعتماد مستحکم می‌گردد، پس لازم است مسلمانان به خلوص نیت در کارها برای کسب رضای خداوند تشویق شوند.



شاگردان با کمک استادشان ضررهای ریا و منافع اخلاص را به صورت گروهی بیان نمایند.

فواید حدیث

۱ـ اهمیت نیت: عملی نزد الله‌ﷻ مقبول و با ارزش است که با نیت کسب رضای خداوندﷻ همراه باشد.

۲ـ ضرر ریا: هر عملی که به خاطر ریا انجام یافته، نه تنها در نزد خداوند قابل قبول نیست، بلکه گناه نیز شمرده می‌شود.

۳ـ هجرت

هجرت کردن از مکهٔ مکرمه به مدینهٔ منوره کار بسیار دشوار و خطرناک بود و یکی از علایم مسلمانان متعهد و صادق شمرده می‌شود، ولی بازهم اجر و ثواب آن به نیت ارتباط دارد. اگر هجرت به منظور کسب رضای خداوندﷻ باشد ثواب دارد، اما اگر به خاطر کسب امور دنیوی باشد اجر و ثواب ندارد.



۱ـ ثواب اعمال به چی چیزی مربوط و منوط می باشد؟

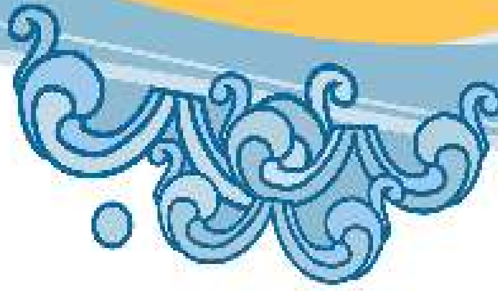
۲ـ ترجمهٔ حدیث را بیان کنید.

۳ـ ضرر ریا و خود نمایی چیست؟



۱ـ حدیث این درس را با ترجمهٔ آن بنویسید.

۲ـ این عبارت حدیث را حفظ نمایید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِءٍ مَا نَوَى»



درس چهارم

خير خواهی

عن أبي حَمزَةَ أنسِ بنِ مالك رضي الله تعالى عنه خادِمِ رسولِ الله ﷺ عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لا يُؤمِنُ أحدُكُمْ حتَّى يُحِبَّ لأخيه ما يُحِبُّ لنفسه.» متفق عليه

آشنایی با راوی

انس بن مالک انصاری یک صحابی جلیل القدر بوده و به مدت ده سال خدمتگزاری رسول الله ﷺ را کرده است و از علمای فقیه صحابه کرام می‌باشد.

پیامبر اکرم ﷺ در حق ایشان دعا کرده بود که عمرت زیاد و مال و اولادت پر برکت شود و جنت نصیبت گردد. ایشان در سال ۹۳ هجری رحلت کرده‌اند.

معنی برخی عبارات

لا يُؤمِنُ أحدُكُمْ: مؤمن (کامل) نمی‌شود یکی از شما.

حتَّى يُحِبَّ لأخيه: تا این‌که بپسندد برای برادر خود.

ما يُحِبُّ لنفسه: آنچه می‌پسندد برای خودش.

معنی حدیث

از حضرت انس رضي الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «هیچ شخصی از شما مؤمن راستین نمی‌شود تا زمانی که برای برادرش همان چیزی را بپسندد که برای خودش می‌پسندد.»

حکمت حدیث

جامعه‌یی که افراد آن خیر اندیش و خیرخواه باشند و همه در تلاش نیکی به یکدیگر زنده‌گی کنند و منافع عامه در آن رعایت گردد و هیچ‌گاه منافع عامه را قربانی منافع شخصی ننمایند، از هر حیث یک جامعهٔ قوی و نیرومند می‌باشد.

ولی اگر افراد آن خودخواه و در پی منافع خود و ضرر دیگران باشند، در این صورت در

چنین جامعه‌یی دشمنی، کینه و حسد جاگزین می‌گردد. پس لازم است احساس خیر اندیشی و نفع رساندن به دیگران در بین مسلمانان زنده شود و همه به این کار تشویق گردند و از خود خواهی و منفعت طلبی و ضایع کردن منافع عامه به خاطر منفعت شخصی نهی شوند.



شاگردان فواید خیرخواهی و ضررهای خود خواهی را به صورت گروهی بیان نمایند.

فواید حدیث

۱- دوری از خودخواهی: انسان خود خواه که، منافع خود را در ضرر دیگران می‌جوید، مسلمان (کامل) نیست.

۲- کمال ایمان: ایمان یک مسلمان زمانی کامل می‌شود که برای دیگران نیز خیراندیش باشد.

۳- مؤمن برادر مؤمن است: ارتباط یک مسلمان با مسلمان دیگر قوی‌تر از برادری نسبی می‌باشد.

۴- تأکید بر خیرخواهی: پیغمبر اکرم ﷺ در این حدیث مسلمانان را با واضح ترین الفاظ به خیرخواهی دعوت نموده و از خود خواهی منع کرده است.



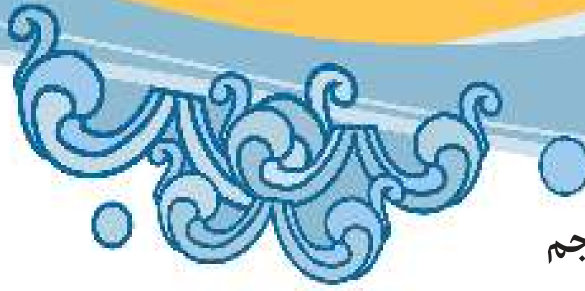
۱- دربارهٔ فواید حدیث معلومات بدهید.

۲- مقصد از خیر خواهی به دیگران چیست؟ آن را در ضمن مثالی بیان کنید.



۱ـ در مورد اهمیت خیرخواهی یک مقاله پنج سطری بنویسید.

۲ـ حدیث شریف را که خوانده اید حفظ نمایید.



درس پنجم

مسؤولیت مسلمان در برابر مسلمانان دیگر

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ التَّقْوَى هَاهُنَا (وَ يُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ) بِحَسْبِ امْرِئٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمِ. كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِرْضُهُ.» رواه مسلم

آشنایی با راوی

اسم مبارکش عبدالرحمن بن صخرالدوسی و لقبش ابوهریره بود و در سال هفتم هجری مسلمان گردید.

او مدت زیادی در خدمت رسول الله ﷺ بود و به همین خاطر از هر کسی احادیث زیادتری را روایت کرده است. این صحابی بزرگوار در پرهیزگاری و تقوا مشهور و صاحب ذکاوت بالایی بود و در سال ۵۸ هجری وفات یافت.

معنی برخی کلمات

۱- **لَا يَظْلِمُهُ:** بر او ظلم نمی‌کند.

۲- **وَلَا يَخْذُلُهُ:** او را بی یار و یاور رها نمی‌کند.

۳- **وَلَا يَحْقِرُهُ:** او را سبک و حقیر نمی‌شمارد.

۴- **التَّقْوَى:** پرهیزگاری

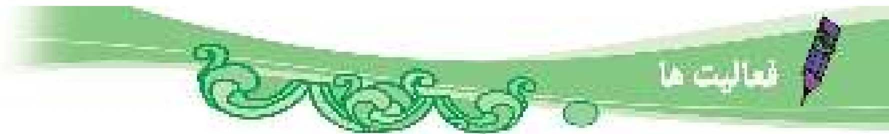
۵- **بِحَسْبِ امْرِئٍ:** بس است برای یک انسان

۶- **عِرْض:** ناموس، عزت و آبرو

معنی حدیث

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«مسلمان برادر مسلمان است، نه خود بر او ظلم می‌کند و نه او را (در وقت مظلوم بودنش) بی یار و یاور رها می‌کند، و نه او را تحقیر می‌کند، (راوی حدیث حضرت ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید که در این وقت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به سینهٔ خود اشاره کرده سه بار فرمودند) تقوا در اینجاست، برای بدی شخص همین کافی است که برادر مسلمان خود را تحقیر کند. خون، مال و آبروی هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است.»



شاگردان در مورد مفهوم حدیث شریف باهم مباحثه نمایند.

حکمت حدیث

برادری، همکاری، احترام به یکدیگر، خودداری از ظلم و اجتناب از تجاوز بر نفس، مال و آبروی دیگران و دفاع از مظلومین و ترس از خداوند جل جلاله اساسات عمدهٔ یک جامعهٔ سالم می‌باشد که بدون آن نظم جامعه و آرامش مردم ممکن نمی‌باشد. بناء پیغمبر صلی الله علیه وسلم در عبارات جوامع الکلم مفاهیم و مطالب وسیع فوق را بیان نمودند.

فواید حدیث

۱- **اخوت اسلامی:** مسلمان برادر مسلمان دیگر است البته مردان با دیگران برادر و زنان با دیگران خواهر پنداشته می‌شوند، پس وقتی که برادر و خواهر شدند لازم است تمام حقوق و وجایبی را که برادران و خواهران در مقابل یکدیگر دارند حتی المقدور رعایت نمایند.

۲- **تحریم ظلم:** ظلم به معنای تلف کردن حق است و شامل هر گونه تجاوز و تصرف ناحق می‌شود، و ظلم به هر نوع و بهانه‌یی که باشد حرام است.

۳- **دفاع از مظلوم:** مسلمان نباید برادر مسلمانش را در وقت مظلومیت، تنها بماند، بلکه لازم است با او کمک کند.

۴- **منع تحقیر:** توهین و تحقیر دیگران حرام می‌باشد.

۵- **احترام به دیگران:** مسلمان باید دیگران را احترام نماید تا آن‌ها نیز وی را احترام کنند.

۶-تقوای واقعی تقوای باطنی است: چون اگر در باطن خوف خداﷻ نباشد تمام کارهای انسان به ریا و نفاق تبدیل می‌شود.

۷- بزرگ‌ترین شر: عبارت است از توهین و تحقیر برادر مسلمان.

۸- تحریم تجاوز بر نفس دیگران: تمام انواع تجاوز بر نفس مانند: قتل، تعذیب، لت و کوب و جنگ در جامعهٔ اسلامی حرام می‌باشد.

۹- تحریم تجاوز بر مال دیگران: هر نوع تجاوز بر اموال، حقوق و منافع دیگران در جامعهٔ اسلامی حرام می‌باشد.

۱۰- تحریم تجاوز بر آبرو و عزت دیگران: در جامعهٔ اسلامی آبرو، عزت و عفت انسان‌ها مصون است و هر نوع تجاوز بر آن حرام می‌باشد.



۱- مسلمانان چه مسئولیت‌هایی در برابر یکدیگر دارند؟

۲- عبارات ذیل را تکمیل نمایید:

«اَلْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا .... وَلَا .... وَلَا يَحْقِرُهُ »

« كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ..................... وَ..................... وَعِرْضُهُ.»

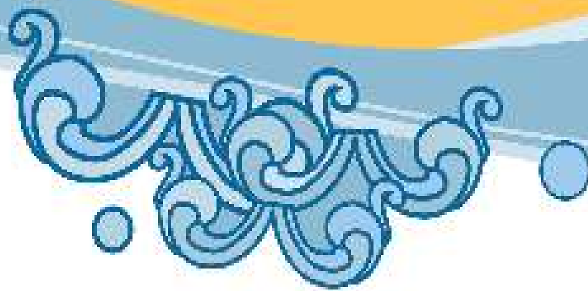


۱ـ حدیث این درس را با ترجمهٔ آن بنویسید.

۲ـ عبارات ذیل را حفظ کنید:

«اَلْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ»

« كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِرْضُهُ»



درس ششم

اخلاق نیکو

عَنْ النَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ الْبِرِّ وَالْإِثْمِ؟ قَالَ: «الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ، وَكَرِهْتَ أَنْ يَطَّلِعَ عَلَيْهِ النَّاسُ» رواه مسلم

آشنایی با راوی

اسم اش نواس، اسم پدرش سمعان و از راویان شام بود و در مدینهٔ منوره اقامت داشت. ایشان هفده حدیث را از پیامبر اکرم ﷺ روایت نموده و در سال (۵۰) هجری وفات یافته است.

معني برخی کلمات

۱- الْبِرّ: نیکی
۲- حُسْنُ الْخُلُق: اخلاق نیکو
۳- اَلْإِثْم: گناه
۴- مَا حَاکَ فِی نَفْسِک: آنچه در دلت شک پیدا کند.
۵- كَرِهْتَ: بد بدانی
۶- يَطَّلِع آگاه شود

معنی حدیث

حضرت نواس بن سمعان رضي الله عنه می‌گوید که از رسول الله ﷺ در بارهٔ نیکی و گناه پرسیدم. آنحضرت ﷺ فرمودند: «نیکی اخلاق نیکو را گویند و گناه آن است که در دلت خدشه ایجاد کند و تو نخواهی که مردم از آن آگاه شوند.»



شاگردان جهت آشنایی بیشتر با اخلاق نیکو، مثال‌هایی از سیرت پیامبر اکرم ﷺ ارائه کنند.

حکمت حدیث

تعالیم پیامبر اکرم ﷺ سطح تربیتی فرد مسلمان را چنان بالا می‌برد که دل و ضمیرش کاملا پاک و آراسته می‌شود و هر حرکت او بخشی از اخلاق نیکو را تمثیل می‌کند و رفته رفته چنان انگیزه و نیروی داخلی در او ایجاد می‌شود که بدون هیچ گونه فشار بیرونی از ارتکاب هر گونه اعمال زشت خود داری می‌کند و هیچگاه به این فکر نمی‌افتد که با حیله و نیرنگ خود را از چنگ قانون و نظام حکومت برهاند.

فواید حدیث

۱- **نیکی:** بخش عمدۀ نیکی داشتن اخلاق خوب است، زیرا خوشخویی دوستی و اتفاق را به بار می‌آورد و بدخویی دشمنی و اختلاف را.

۲- **گناه چیست؟** هر کاری که نفس پاک از آن شرم کند و نخواهد که مردم از آن آگاه شوند، گناه است.

۳- **گناه فطرتاً مبغوض است:** گناه چنان عمل بدی است که حتی مرتکب آن نیز نمی‌خواهد افشا شود.



شاگردان در مورد اخلاق نیک و اخلاق بد و اضرار آن باهم بحث و گفت‌گو نمایند.



۱- ترجمه و راوی حدیث فوق را بیان نمایید.

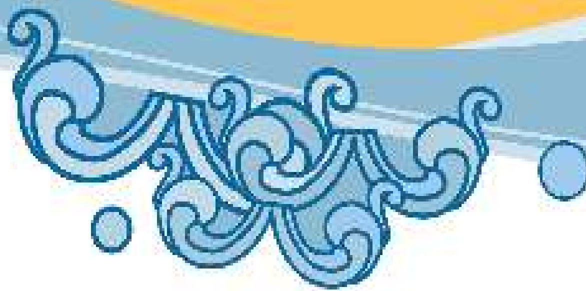
۲- معنای کلمات ذیل چیست؟

البر: حسن الخلق: والاثم: ماحاک فی نفسک:

۳- نقش اخلاق را در اصلاح جامعه بیان کنید.



حدیث درس فوق را با ترجمۀ آن در کتابچه‌های خود بنویسید.



درس هفتم

شفقت و ترحم

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، ارْحَمُوا مَنْ فِي الأَرْضِ، يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ» رواه ابوداود و الترمذی

آشنایی با راوی

اسم راوی عبدالله، اسم پدرش عمرو، و اسم جدش العاص می‌باشد. او و پدرش هر دو صحابی بودند. عبدالله عالم و فاضل و از قاریان مشهور قرآن‌کریم بود، از رسول الله ﷺ احادیث زیادی روایت نموده و در سال ۶۵ هجری دار فانی را ترک گفته است.

معنی برخی کلمات

۱- **الرَّاحِمُونَ:** رحم کننده‌گان
۲- **ارْحَمُوا:** ترحم و مهربانی کنید
۳- **يَرْحَمْكُمْ:** بر شما رحم می کند.
۴- **مَنْ فِي الأَرْضِ:** کسی که در زمین است
۵- **مَنْ فِي السَّمَاءِ:** ذاتی که در آسمان است

معنی حدیث

از حضرت عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: خداوند جل جلاله رحمت خاص خود را شامل حال رحم کننده‌گان بر مخلوقش می‌سازد. شما بر مخلوق زمینی (همهٔ زنده جان‌ها) رحم کنید تا ذاتی که در آسمان است بر شما رحم کند.»

حکمت حدیث

ترحم و دلسوزی یکی از مهم‌ترین پایه‌های اخلاقی است و رشتهٔ مستحکمی است که همهٔ موجودات را به یکدیگر پیوند داده، به کمک و غمخواری وا داشته و از سنگدلی و بی‌رحمی و تجاوز به حقوق دیگران باز می‌دارد. از سوی دیگر ترحم بر مخلوقات الهی انسان را از قهر و غضب خداوند جل جلاله در امان نگه می‌دارد و در نتیجه زنده‌گی همهٔ موجودات با آرامش و اطمینان سپری می‌گردد.

پس هرگاه افراد یک جامعه نسبت به یکدیگر دلسوز و مهربان باشند، کارها به آسانی پیش می‌رود، مشکلات حل می‌شود و دشمنی‌ها وکینه‌ها جایش را به دوستی و محبت می‌دهد.

فواید حدیث

۱- رحمت: از صفات خاص خداوند است، هر قدر از این صفت در وجود بنده‌ای باشد، به همان اندازه مستحق رحمت الهی می‌شود.

۲- گستردگی مفهوم ترحم: مفهوم ترحم و دلسوزی در تعالیم پیامبر اکرم ﷺ به حدی گسترده است که همهٔ موجودات را در بر می‌گیرد.

۳- ترغیب به ترحم: خداوند متعال نزول رحمت خود را مشروط به ترحم بر مخلوقاتش ساخته است.



شاگردان مثال‌هایی از ترحم بر زنده جان‌ها را که به نظر شما ضروری پنداشته می‌شود و بعضی از مردم آن را مراعات نمی‌کنند به صورت انفرادی ذکر کرده و باهم بحث کنند.



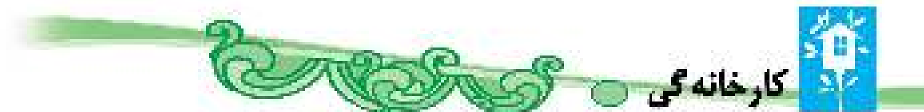
۱- حدیث درس را ترجمه کنید؟

۲- معنای کلمات ذیل را بنویسید:

الراحمون: ارحموا: یرحمکم: من فی الارض: من فی السماء:

۳- احکام مستفاد از حدیث را بیان نمایید.

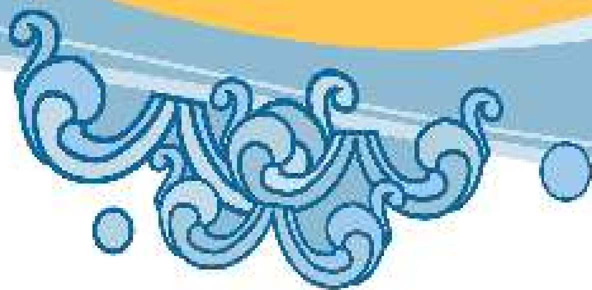
۴- حکمت حدیث را توضیح دهید.



۱- عبارت ذیل را حفظ نمایید:

الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ

۲- دربارهٔ دلسوزی و مهربانی یک مقالهٔ مختصر بنویسید.



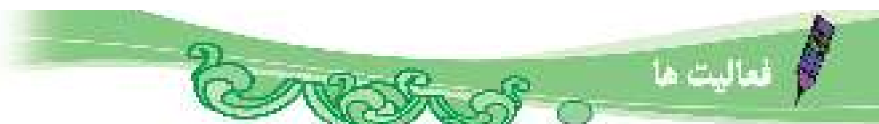
درس هشتم

طهارت (پاکیزه‌گی)

پاکیزه‌گی در دین مقدس اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است، دانشمندان همواره به مردم توصیه می‌نمایند که: خود و محیط زیست خود را پاک نگاه دارند.
پس طهارت وپاکیزه‌گی در اسلام چگونه است؟ و چه اهمیتی دارد؟

طهارت در لغت پاکیزه‌گی را گویند.

و در اصطلاح فقهاء عبارت است از دور ساختن بی وضویی و یا نجاست.



۱- چند شاگرد به نوبت شرایط نماز را که قبلا خوانده اند نام بگیرند.
۲- یک شاگرد دیگر از این جمله شرایطی را مشخص نماید که به طهارت ارتباط داشته باشد.

دلیل مشروعیت: پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرماید: (اَلطُّهُورُ شَطرُ الاِیمَانِ)[مسلم ۱۱ ۲۰۳]
ترجمه: نظافت جزء ایمان است.
مفهوم حدیث شریف این است که طهارت در اسلام آنقدر جایگاه بلند دارد که مستقیما با ایمان رابطه دارد، پس اگر کسی می‌خواهد که ایمانش کامل باشد باید به نظافت خود و محیطش توجه زیاد نماید.

اقسام طهارت یا پاکیزه‌گی

پاکیزه گی دو قسم است:

۱- پاکیزه‌گی حکمی: پاک شدن از بی وضویی بزرگ (جنابت) و یا کوچک، به نام پاکیزه‌گی حکمی یاد می‌شود.
۲- پاکیزه‌گی حقیقی: پاک شدن از هر نوع نجاست، به معنی پاکیزه‌گی حقیقی است.

طریقه پاک شدن: راه پاک شدن از نجاست حکمی‌غسل، وضوء یا تیمم است، اما برای پاک شدن از نجاست حقیقی باید از آب پاک و تمیز استفاده شود.

فعالیت ها

شاگردان مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سوال وجواب باهم تکرار نمایند.

آداب قضای حاجت (رفتن به بیت الخلاء)

کسی که می‌خواهد برای قضای حاجت برود باید آداب ذیل را رعایت کند:

۱ - باید از دید مردم پنهان شود.

۲ - باید جایی را انتخاب کند که قطره‌های ادرار بر خودش نپرد، تا بدن و لباسش به نجاست آلوده نشود.

۳ – قبل اَزِ داخل شدن در بیت الخلاء باید این دعا را بخواند: «اللّٰهُمَّ إِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الخُبُثِ وَ الخَبَائِثِ».

۴ – در سوراخ‌های حشرات نباید قضای حاجت نمود.

۵ –بر سر راه مردم، قبرستان، سایه و یا جایی که مردم می‌نشینند، نباید قضای حاجت شود.

۶ - نباید در وقت قضای حاجت سخن گفته شود.

۷ - باید به سوی قبله قضای حاجت نشود.

۸- در آب ایستاده قضای حاجت نکند.

۹- استنجا باید با دست چپ شود.

فعالیت ها

شاگردان به نوبت نظر خود را در بارۀ حکمت و یا فایدۀ یکی از آداب بیان کنند.

ارزیابی

۱- طهارت را تعریف کنید؟

۲- دلیل مشروعیت طهارت را بگویید.

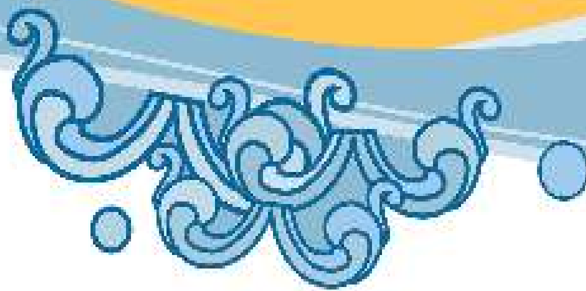
۳- طهارت چند نوع است؟

۴- طریقۀ پاک شدن از نجاست‌ها را بیان نمایید.

۵- آداب قضای حاجت را بیان کنید.

کارخانه گی

جواب سوال‌های فوق را در کتابچه‌های خویش بنویسید.



درس نهم

استنجاء و نجاست

استنجاء: به معنای پاک کردن نجاست از جای مخصوص است.

وسایل استنجاء

آب، کُلُخ، سنگ، کاغذ تشناب (و یا هر آنچه به جای آن‌ها قابل استفاده باشد) از وسایل استنجا به شمار می‌رود.

استنجاء با استخوان، سرگین، خوراکه باب، زغال، شیشه، کاغذی که برای نوشتن باشد، موی، پنبه، تکه و یا با علف حیوانات مکروه است.

حکم استنجاء

۱- استنجاء در حالات عادی (تا وقتی که نجاست از جای خود تجاوز نکرده باشد) سنت است. ولی هرگاه نجاست از جای خود تجاوز کند، اما مقدار آن کم باشد، در این صورت استنجا واجب است، و در حالتی که دور و بر را آلوده کرده باشد، شستن آن فرض است.

معنی نجاست

نجاست در لغت ناپاکی را گویند.

و در اصطلاح فقهاء عبارت است از: هر آن چیزی که شریعت آن را ناپاک شمرده باشد.

اقسام نجاست

نجاست دو قسم است: ۱- حقیقی ۲- حکمی

نجاست حقیقی: آن پلیدی است که مانع صحت نماز می‌باشد.

نجاست حکمی: آن ناپاکی است که اثر و یا موجودیت نجاست در آن آشکار نیست، اما شریعت به طور حکمی و اعتباری آن را نجس شمرده است.

اقسام نجاست حکمی

نجاست حکمی دو قسم است:

۱- بی وضویی بزرگ: به حالتی گفته می‌شود که بر انسان غسل واجب می‌گردد و در این حالت خواندن نماز درست نمی‌باشد.

۲- بی وضویی کوچک: به حالتی گفته می‌شود که بر انسان تنها وضوء کردن لازم باشد.

انواع نجاست حقیقی

۱- نجاست غلیظه: نجاستی است که با دلیل قطعی ثابت گردیده باشد، مانند: خون، ادرار و مواد غایطهٔ انسان، گوشت حیوان مردار شده و شراب.

۲- نجاست سبک(خفیفه): نجاستی است که پلیدی آن با دلیل غیر قطعی ثابت شده باشد. مانند: ادرار حیواناتی که گوشت شان خورده می‌شود.



شاگردان چیزهای را که استنجاء کردن به آن مکروه است لست نمایند.

مقدار نجاست معاف شده

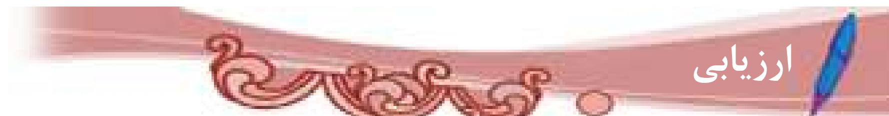
• هرگاه از نجاست غلیظهٔ جامد به مقدار کمتر از یک روپیهٔ شرعی(۳,۱۲۵ گرام)، لباس را آلوده کند، نماز خواندن با آن فاسد نمی‌شود و اگر مایع باشد کمتر از مقدار کف دست (۶ سانتی متر مربع) معاف است.

• هرگاه نجاست خفیفه (سبک) کمتر از یک چهارم لباس را آلوده کند باکی ندارد. و دربدن هم کمتر از یک چهارم اندام معاف است.

ولی چون نظافت جزء ایمان است؛ بناء بر مسلمان لازم است تلاش نماید بدن و لباسش پاک باشد. و همچنان بی نظافتی برای انسان مشکلات زیاد صحی را بار می‌آورد، و در جامعه موجب نفرت مردم می‌گردد.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سوال و جواب باهم تکرار نمایند.



۱- اصطلاحات ذیل را تعریف کنید:

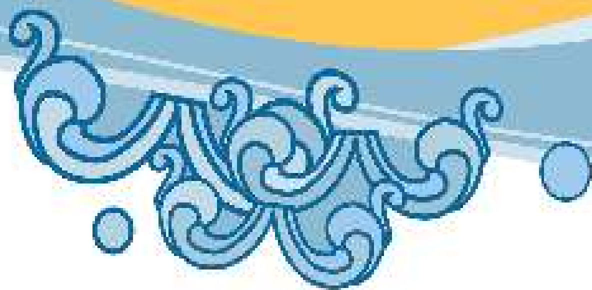
استنجاء، نجاست غلیظه، نجاست خفیفه.

۲- برای اشیای ذیل مثال بدهید:

نجاست غلیظه، نجاست خفیفه.



سوال‌های بخش ارزیابی را با جواب‌های آن در کتابچهٔ خود بنویسید.



درس دهم

وضوء

تعریف وضوء

به شستن و مسح کردن اندام‌های معین وضوء گفته می‌شود.



شاگردان دربارۀ فواید وضوء به شکل گروهی بحث کنند.

حکم وضوء

وضوء گرفتن برای ادای نماز، فرض است.

فرایض وضوء

در وضوء چهار چیز فرض است:

۱- شستن روی: از رستن موی سر تا زیر زنخ و از نرمی یک گوش تا نرمی‌گوش دیگر.

۲- شستن دست‌ها همراه با آرنج‌ها.

۳- مسح کردن یک چهارم سر.

۴- شستن پاها همراه بجلک‌ها.

سنت‌های وضوء

۱- نیت کردن

۲- «بسم الله الرحمن الرحیم» گفتن در شروع وضوء

۳- سه بار شستن دست‌ها تا بند دست

۴- سه بار شستن دهن(مضمضه)

۵- سه بار شستن بینی(استنشاق)

۶- مسواک کردن

۷- خلال کردن ریش

۸- خلال کردن انگشتان

۹- سه سه بار شستن روی، دست‌ها و شستن پاها

۱۰- مسح کردن کل سر

۱۱- مسح کردن پشت گوش‌ها و روی گوش‌ها با آب تازه

۱۲- شروع کردن از راست در شستن اندام‌ها چون دست‌ها و پاها. (تَـیَـمّن)

۱۳- رعایت ترتیب وضوء

۱۴- پی در پی شستن اندام‌ها

۱۵- مالیدن اندام‌ها در وقت شستن

آداب وضوء(مستحبات)

آداب وضوء قرار ذیل است:

۱- نشستن در وقت وضوء در جای نسبتاً بلند تا لباس‌های وضوء کننده تر نشود.

۲- در وقت وضوء سخن نگفتن با مردم

۳- در وقت وضوء کمک نخواستن از دیگران. (مگر این‌که عذر داشته باشد)

۴- حرکت دادن انگشتر در صورتی که انگشتر داشته باشد. تا قسمت‌های زیر آن خوب شسته شود.

۵- شستن دهان با دست راست و شستن بینی با دست چپ



چند شاگرد به نوبت طوری وضوء کنند که فرض‌ها، سنت‌ها و آداب آن را به صورت عملی برای همصنفان خویش نشان دهند.

مکروهات وضوء

ترک سنت‌ها یا آداب وضوء، مکروه می‌باشد.

شکننده‌های وضوء

وضوء با چیزهای ذیل می‌شکند:

۱- با خارج شدن ادرار، باد و مواد غایطه از بدن

۲- خارج شدن خون و یا ریم از بدن

۳- استفراغ به پری دهن

۴- بی هوشی

۵- دیوانه‌گی

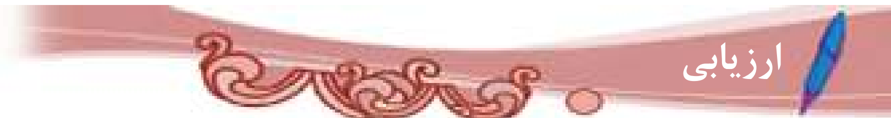
۶- نشه شدن (استعمال مواد نشه آور)

۷- خندیدن در نماز با صدای بلند(قهقه)

۸- خوابیدن به پهلو(همان خوابی که امکان شکستن وضوء در آن باشد)



شاگردان در گروه‌ها دربارهٔ شکننده‌های وضوء از یکدیگر سؤال کنند.



۱- فرایض وضوء را بیان کنید.

۲- سنت‌های وضوء را بیان کنید.

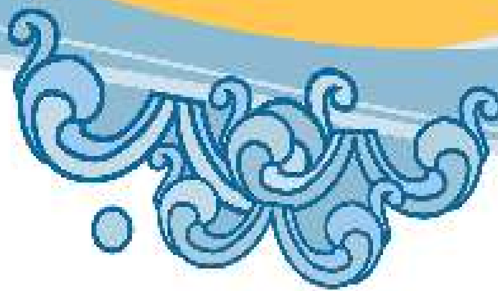
۳- آداب وضوء را طور مختصر بیان کنید.

۴- مکروهات وضوء را به اختصار نام بگیرید.

۵- شکننده‌های وضوء را بیان کنید.



هر شاگرد جواب سوال‌های فوق را به زبان ساده در کتابچهٔ خود بنویسد.



درس یازدهم

تیمم

تعریف تیمم

تیمم در لغت قصد، عزم و اراده را گویند.

و در اصطلاح عبارت است از: مسح کردن روی و دست‌ها با خاک پاک به طریقهٔ خاص و به نیت طهارت.

عذرهایی که تیمم را روا می‌سازد

در موجودیت عذرهای ذیل تیمم جایز می‌شود:

۱- **نبودن یا کم بودن آب:** هرگاه آب نباشد و یا چنان کم باشد که در صورت وضوء گرفتن با آن، آب باقی مانده برای نوشیدن و یا طبخ (پخت و پز) کفایت نکند، تیمم روا می‌گردد.

۲- **دور بودن آب:** دور بودن آب به اندازهٔ یک میل، چرا که رفتن این همه راه باعث تکلیف می‌شود، اما اگر راه آن شخص به همان طرف باشد نماز خود را کمی بعدتر بخواند و وقتی آنجا رسید وضوء بگیرد.

۳- **مریضی:** چنان مریض باشد که وضوء به او ضرر برساند.

۴- **ترس و خوف:** ترس از دشمن و یا حیوانات وحشی.

۵- **زندان:** اگر انسان در چنان جایی زندانی باشد که اجازهٔ وضوء گرفتن برایش داده نشود، می‌تواند تیمم کند.

۶- **قادر نبودن برای خرید آب:** اگر آب تنها در بدل پول فروخته می‌شد، و انسان توان مالی نداشت.

۷- برای ادای نماز جنازه (برای شخصی که ناگهان به جنازه حاضر می‌شود).

۸- **توانایی به دست آوردن آب را نداشتن:** مانند شخصی که بر سر چاه ایستاده باشد ولی برای کشیدن آب از چاه ریسمان نداشته باشد.

طریقهٔ تیمم کردن

کف دست‌های خود را به خاک پاک بزند بعد آن را تکان بدهد، سپس اول با آن روی خود را مسح نماید و مرتبهٔ دوم باز کف دست‌های خود را به خاک پاک بزند و بعد از تکاندن با آن، دست‌های خود را تا آرنج‌ها مسح نماید.

شرط‌های تیمم

۱- نیت کردن برای تیمم.

۲- موجودیت یکی از عذرهایی که تیمم را روا می‌سازد.

۳- برای تیمم باید از خاک پاک استفاده شود.

۴- مسح کردن کل روی و دست‌ها با آرنج‌ها.

۵- دو بار زدن همهٔ دست و یا اکثر آن‌ها بر زمین و یا خاک پاک.

شکننده‌های تیمم

۱- هر آنچه که وضوء و غسل را می‌شکنند، تیمم را هم می‌شکنند.

۲- از بین رفتن عذرهایی که تیمم را روا می‌ساخت، مثل: میسر شدن آب.

مسح بر موزه

معنای مسح: مسح در لغت دست کشیدن روی یک چیز را می‌گویند.

و در اصطلاح کشیدن دست تر روی موزهٔ خاص و به طریقهٔ مخصوص را گویند.

شرایط جایز شدن مسح بر موزه‌ها

۱- داشتن وضوء در وقت پوشیدن موزه.

۲- موزه‌ها باید قابلیت راه رفتن را داشته باشد.

۳- بجلک‌ها در آن پنهان شود.

۴- موزه‌ها سالم بوده و بیش از سه انگشت پاره‌گی نداشته باشد.

مدت مسح بر موزه‌ها

۱- مدت مسح برای مقیم یک شبانه روز است.

۲- مدت مسح برای مسافر سه شبانه روز می‌باشد.

شکننده‌های مسح موزه

۱- هر آنچه که وضوء را می‌شکند مسح موزه‌ها را نیز می‌شکند. (و در صورت شکستن بر شخص لازم می‌شود که دو باره پاهایش را بعد از وضوءِ گرفتن مسح نماید).

۲- جنابت و حیض و نفاس

۳- بیرون شدن یک و یا هر دو موزه از پاها

۴- تر شدن اکثر قسمت‌های پای

۵- سپری شدن مدت معین مسح

۶- پاره شدن موزه به اندازهٔ سه انگشت



یکی از شاگردان به طور عملی تیمم و مسح موزه کند.

مسح بر جبیره (بنداژ)

معنای جبیره

هر آنچه که روی عضو شکسته و یا زخمی‌شدهٔ بدن به منظور تداوی آن نهاده می‌شود، جبیره نام دارد.

حکم مسح بر جبیره

مسح بر جبیره واجب است.

شرایط مسح بر جبیره

۱- شستن محل زخمی‌شده ناممکن باشد.

۲- شستن جای زخم و رسیدن آب به آن محل ضرر داشته باشد.

۳- نباید بیش از حد ضرورت، جبیره شود.

شکننده‌های مسح جبیره

مسح جبیره در دو حالت می‌شکنند:

۱- افتادن جبیره و یا دور کردن آن (در این حالت آن محل باید شسته شود)

۲- شکستن وضوء. (دراین حالت آن محل باید دوباره مسح شود)



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.



۱- معنی لغوی و اصطلاحی تیمم چیست؟

۲- طریقۀ مسح بر موزه را بیان و معنی لغوی مسح را بگویید.

۳- حکم مسح بر موزه چیست؟

۴- مدت مسح مقیم و مسافر چند شبانه روز است؟

۵- در کدام حالت‌ها تیمم جایز است؟

۶- شرایط صحت تیمم را نام بگیرید.



هر شاگرد جواب سؤال‌های فوق را به زبان ساده در کتابچه‌اش بنویسد.



درس دوازدهم

نماز

معنی نماز

نماز عبارت است از اقوال و افعال خاصی که با تکبیر شروع و با سلام خاتمه می‌یابد.

بعضی از خصوصیت‌های نماز

۱- نماز پاکیزه‌گی را در قبال دارد.

۲- نماز بهترین وقت برای قبول شدن دعای انسان است.

۳- نماز راز ونیاز انسان با خداوندمتعال است.

۴- نماز انسان را از فحشا و منکرات باز می‌دارد.

۵- نماز تقوا است.

۶- نماز بهترین وسیلۀ تقویت برادری با مسلمانان است.

۷- نماز چهرۀ انسان را روشن و پرنور می‌سازد.

۸- نماز به انسان سکون و آرامش می‌بخشد.

۹- نماز باعث صحت و تندرستی انسان می‌شود.

۱۰- نماز مشکلات انسان را آسان می‌سازد.

۱۱- انسان با ادای نماز به خدای خود وعده می‌سپارد که کارهای نیک را انجام داده و اعمال بد را ترک می‌نماید.

۱۲- نماز تواضع است.

۱۳- نماز به انسان وقار و ارزش می‌بخشد و او را در نزد مردم محترم می‌سازد.

۱۴- نماز انسان را متوجه ارزش وقت می‌کند.

۱۵- نماز بهترین وقت برای توبه و مراجعه به خداست.

۱۶- نماز بهترین طریقۀ توبه و یاد خدا جل جلاله است.

۱۷- نماز زیباترین و مناسب‌ترین تصویر رابطه خالق و مخلوق است.

۱۸- نماز برترین عبادت‌ها نزد خداوندمتعال است.

۱۹- نماز کمک الهی را برای انسان فراهم نموده و صاحب فامیل نیک می‌سازد.

حکم نماز

۱- انکار از فرضیت نماز کفر است.

۲- نخواندن نمازهای فرضی از روی سستی و تنبلی فسق است.

اوقات نماز

اوقات نماز در احادیث معلوم و مشخص شده است که تفصیل آن قرار ذیل می‌باشد:

۱- وقت نماز صبح: از طلوع صبح صادق شروع و با طلوع آفتاب به پایان می‌رسد.

صبح صادق: هرگاه سفیدی به طور عرضی در دو کنار آسمان جانب شرق منتشر شد، صبح صادق گفته می‌شود.

۲- وقت نماز پیشین: شروع آن از وقت زوال آفتاب است و هرگاه سایهٔ هر چیز دو برابر سایهٔ اصلی‌اش شد (البته غیر از سایهٔ زوال) وقت نماز ظهر به پایان می‌رسد.

۳- وقت نماز عصر: شروع آن از ختم وقت نماز ظهر است و تا زمانی که آفتاب غروب می‌نماید.

۴- وقت نماز شام: با غروب آفتاب وقت نماز شام شروع می‌شود، و با از بین رفتن شفق (روشنی که درختم روز در افق دیده می‌شود) وقت نماز شام به پایان می‌رسد.

۵- وقت نماز خفتن: وقت نماز خفتن بعد از بین رفتن شفق شروع شده و با طلوع صبح صادق به پایان می‌رسد.

اوقات مکروه

نماز خواندن در این سه وقت در احادیث منع شده است:

۱- در وقت طلوع آفتاب.

۲- در وقت زوال.

۳- هنگامی‌که رنگ آفتاب زرد شود و در آستانهٔ غروب باشد تا غروب آفتاب غیر از نماز عصر همان روز، خواندن نمازهای دیگر جایز نیست.

مسأله

بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب و بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب خواندن نماز نفل مکروه است؛ اما نمازهای قضایی، سجدۀ تلاوت و نماز جنازه‌یی (که در همین وقت حاضر گردد) مکروه نیست.

نفل خواندن در اوقات ذیل مکروه می‌باشد:

۱- خواندن نفل بعد از طلوع صبح صادق غیر از دو رکعت سنت صبح.

۲- نفل خواندن پیش از نماز شام مکروه است.

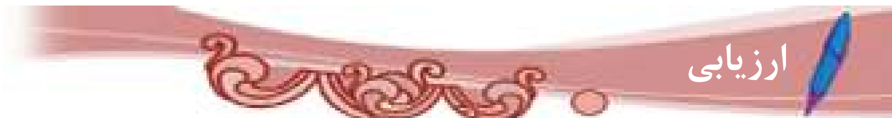
۳- زمانی که خطیب خطبۀ جمعه و یا عید را می‌خواند، نفل گزاردن مکروه است.

۴- پیش از نمازهای عید و بعد از آن‌ها نفل خواندن مکروه می‌باشد.

۵- وقتی که نماز جماعت ایستاده باشد، نفل خواندن مکروه است.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.



۱- نماز را تعریف کنید.

۲- ده خصوصیت نماز را بیان کنید.

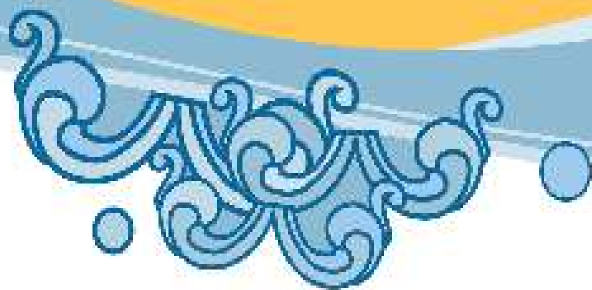
۳- وقت‌های نماز را توضیح دهید.

۴- وقت‌های مکروه نماز کدام است؟ طور مختصر بیان کنید.

۵- در کدام اوقات نفل خواندن مکروه است؟



جواب سؤال‌های فوق را در کتابچۀ خویش بنویسید.



درس سیزدهم

أذان و اقامت

تعریف أذان

أذان در لغت اعلان را می‌گویند.

و دراصطلاح فقهاء عبارت است از: اعلانی که به خاطر نماز با الفاظ مخصوص انجام می‌گیرد.

حکم أذان

أذان برای نمازهای پنج وقت و نماز جمعه سنت مؤکد است، و برای نمازهای دیگر چون نمازهای سنت، نفل، عید، استسقاء، خسوف و کسوف جواز ندارد.

لازم است در اذان و اقامت امور ذیل رعایت گردد

۱- أذان و اقامت باید بعد از داخل شدن وقت گفته شود.

۲- أذان و اقامت باید به زبان عربی باشد.

۳- الفاظ و کلمات أذان و اقامت باید پی درپی و به ترتیب گفته شود.

۴- أذان باید با صدای بلند گفته شود تا مردم بشنوند.

۵- مؤذن باید مسلمان و عاقل باشد.

الفاظ أذان

أَللهُ اَکبَرُ — أَللهُ اَکبَرُ

أَللهُ اَکبَرُ — أَللهُ اَکبَرُ

أَشهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ — أَشهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ

أَشهَدُ أَنَّ مُحَمَّدا رَّسُولُ اللهِ — أَشهَدُ أَنَّ مُحَمَّدا رَّسُولُ اللهِ

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ — حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ

حَيَّ عَلَى الفَلَاحِ — حَيَّ عَلَى الفَلَاحِ

أَللهُ اَکبَرُ — أَللهُ اَکبَر

لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ

یادآوری

-برای نماز صبح، بعد از جملۀ «حَیَّ عَلَی الفَلَاحِ» دو بار «اَلصَّلَاةُ خَیرٌ مِنَ النَّومِ» گفته می‌شود.

- در وقت اقامت هم الفاظ أذان گفته می‌شود، صرف بعد از جملۀ «حَیَّ عَلَی الفَلَاحِ» دو بار «قَد قَامَتِ الصَّلَاةُ» گفته می‌شود.



یک شاگرد در داخل صنف أذان را و شاگرد دیگر اقامت را طوری بگوید که برای صنوف دیگر مزاحمت ننمایند، سپس استاد و شاگردان صنف، ملاحظات خود را اظهار نمایند.

سنت‌های أذان و اقامت

در أذان هفت چیز سنت است:

۱- مؤذن باید صالح و امین باشد و وقت‌های نماز را بفهمد.

۲- مناسب است تا مؤذن در وقت گفتن اذان وضو داشته باشد.

۳- ایستاده اذان بگوید.

۴- در وقت أذان روی مؤذن به طرف قبله باشد و هنگام گفتن «حَیَّ عَلَی الصَّلاة» رویش را به طرف راست و در وقت گفتن «حَیَّ عَلَی الفَلَاحِ» به سمت چپ بگرداند.

۵- دروقت أذان، مؤذن باید انگشتانش را روی گوش‌هایش قرار دهد.

۶- مؤذن باید آواز خوب داشته باشد.

۷- مؤذن باید در بین أذان و اقامت فاصله بدهد، یعنی کمی بعد از أذان، اقامت بگوید.

مکروهات أذان

۱- تلحین در أذان (تغییر دادن و کم و زیاد کردن کلمات یا حرکات أذان).

۲- أذان و اقامت گفتن در حالت جنابت مکروه تحریمی است.

۳- أذان فاسق مکروه است.

۴- اذان گفتن طفل غیر عاقل

۵- أذان زن در مساجد عمومی

۶- سخن گفتن در وقت أذان

۷- بعد از أذان خارج شدن مؤذن از مسجد مکروه است.

حکم اقامت

گفتن اقامت برای همهٔ نمازهای وقتی، فرضی و قضائی سنت است. الفاظ اقامت مانند أذان است، اما بعد از جمله (حَيَّ عَلَى الفَلَاحِ) دو بار جمله (قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةِ) زیاد می‌شود و همچنان تمام احکام أذان برای اقامت نیز می‌باشد.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.



۱- أذان را تعریف کنید.

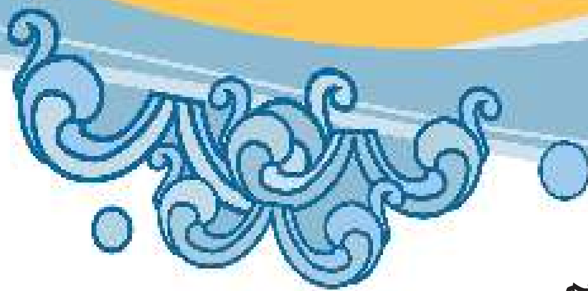
۲- حکم أذان و اقامت را همراه با شروط شان بیان کنید.

۳- أذان و اقامت چند سنت دارد؟ بگویید.

۴- مکروهات أذان را به اختصار بیان کنید.



جواب سؤال‌های فوق را در کتابچه‌های خویش بنویسید.



درس چهاردهم

شرایط نماز

شرایط نماز قرار ذیل اند:

۱- پاک بودن از نجاست حکمی و حقیقی.

۲- پاک کردن لباس از نجاست.

۳- پوشاندن عورت با لباس پاک.

۴- داخل شدن وقت.

۵- ایستاد شدن به طرف قبله.

۶ – نیت کردن برای داخل شدن به نماز به گونه‌یی که بین نیت و تکبیر تحریمه فاصله نباشد.

۷- پاک بودن جای نماز.

مسأله

اندازۀ عورتی که پوشاندن آن در وقت نماز ضروری است:

الف: عورت مرد

از زیر ناف تا زیر زانو است، یعنی خود عینک زانو هم در عورت داخل است؛ اما خود ناف عورت نیست.

ب: عورت زن

تمام بدن زن عورت است به جز روی، دست‌ها و قدم‌ها، یعنی در وقت نماز تمام بدنش را می‌پوشاند به جز جاهای ذکر شده.

مسأله

وقتی کسی در بارۀ جهت قبله مشکوک شد و کسی هم نبود که از او بپرسد، فکر کند و بعد از آنکه گمان غالب به او پیدا شد به همان طرف نماز بخواند.

ارکان و فرض‌های نماز

۱- گفتن تکبیر تحریمه. ۲- ایستاده خواندن نماز

۳- خواندن قرائت حتی اگر یک آیت هم باشد.
۴- رکوع کردن
۵- سجده کردن
۶- قعدهٔ اخیر به اندازهٔ تشهد

حکم فرض‌های نماز

ادای فرایض حتمی است، هرگاه کسی قصداً یا به فراموشی یکی از فرایض را ترک نماید، نمازش صحیح نمی‌شود و باید دوباره بخواند، همچنان ترک فرض با سجدهٔ سهو جبران نمی‌شود.



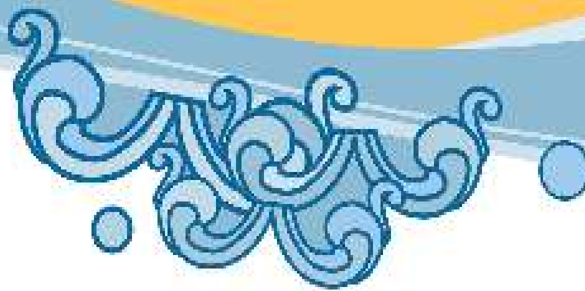
شاگردان مطالب فوق را به شکل گروهی به میتود سؤال و جواب مشق و تمرین نمایند.



۱- شرایط نماز چند تا است؟ بیان کنید.
۲- اندازهٔ عورت مرد وزن را بیان کنید.
۳- ارکان نماز را نام بگیرید.
۴- اگر کسی یکی از ارکان نماز را ترک کند، چه حکم دارد؟



جواب سؤال‌های فوق را در کتابچهٔ خود بنویسید.



درس پانزدهم

واجبات و سنت‌های نماز

واجبات نماز

۱- خواندن سورهٔ فاتحه یعنی «الحمد لله».

۲- بر علاوهٔ سورهٔ فاتحه خواندن یک سوره، یا سه آیت و یا یک آیت که مقدار سه آیت باشد از قرآن کریم در رکعت‌های پر.

۳- جهر خواندن قرائت در نمازهای جهری (برای امام) و خفیه خواندن در نمازهای خفیه.

۴- خواندن «الحمد لله» پیش از خواندن سوره.

۵- اداء کردن هر رکن با آرامش و اطمینان.

۶- نشستن بعد از دو رکعت (قعده اول).

۷- خواندن تشهد در قعدهٔ اول و دوم.

۸- رعایت ترتیب در ارکان نماز.

۹- خواندن دعای قنوت در نماز وتر.

۱۰- تعیین کردن قرائت در دو رکعت اول نمازهای فرض چهار رکعتی و سه رکعتی.

۱۱- گفتن تکبیرهای زواید (اضافی) در نمازهای عید.

حکم ترک واجبات

اگر در نماز یک واجب قصداً ترک شد، نماز باید دوباره خوانده شود؛ اما اگر سهواً ترک شد سجدهٔ سهوه لازم می‌گردد.

سنت‌های نماز

۱- مردها در وقت تکبیر تحریمه دست‌های‌شان را تا برابر گوش‌ها بالا کنند، و زن‌ها تا برابر شانه‌های شان.

۲- خواندن ثنا (سبحانک اللهم) بعد از تکبیر تحریمه.

۳- گفتن «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» در رکعت اول.
۴- گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم».
۵- آمین گفتن بعد از سورهٔ فاتحه.
۶- «سمع الله لمن حمده» گفتن در وقت برخاستن از رکوع.
۷- گفتن «ربنا لک الحمد» بعد از «سمع الله لمن حمده».
۸- تکبیر (الله اکبر) گفتن برای رفتن به رکن دیگر.
۹- گفتن «سبحان ربی العظیم» در رکوع و گفتن «سبحان ربی الاعلی» در سجده.
۱۰- نهادن دست‌ها روی زانوها به حالت عادی‌شان در رکوع.
۱۱- ایستاده نگه داشتن پای راست وخوابانیدن پای چپ و نشستن روی آن در دو قعده و همچنان در جلسه (نشستن کوتاه در بین دو سجده).
۱۲- بلند کردن انگشت شهادت در وقت خواندن «اشهد ان لا اله» و پایین کردن آن در وقت گفتن «الا الله».
۱۳- گذاشتن دست‌ها روی زانوها در وقت نشستن.
۱۴- قرائت فاتحه در دو رکعت اخیر نمازهای فرض چهار رکعتی سنت است.
۱۵- بلند گفتن تکبیرها، «سمع الله لمن حمده» و لفظ سلام، برای امام.
۱۶- درود خواندن در قعدهٔ اخیر.
۱۷- خواندن دعاهای بر گرفته از قرآن کریم و یا احادیث. مثل: (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ).
۱۸- گردانیدن روی به طرف راست و چپ در وقت سلام.
۱۹- وقتی امام سلام می‌دهد باید مقتدیان و فرشتگان محافظ را درنیت خود بگیرد.
۲۰- وقتی مقتدی سلام می‌دهد کسانی را که درسمت سلام او هستند نیت کند.
۲۱- مقتدی در وقت سلام دادن به سمتی که امام در آن طرف است، امام را هم نیت کند
۲۲- اگر در پشت امام ایستاده باشد، در هر دو طرف امام را نیت کند.
کسی که تنها نماز می‌خواند در وقت سلام دادن فرشتگان حفظه را نیت کند.

فعالیت ها

یکی از شاگردان واجبات نماز را در برابر شاگردان دیگر بیان کند.

ارزیابی

الف: به سؤال‌های ذیل جواب بدهید:

۱- به جای نیاوردن یکی از واجبات نماز چه حکم دارد؟

۲- سنت‌های نماز چند تا است؟ پنج مورد را بیان کنید.

۳- واجبات نماز را بیان نمایید.

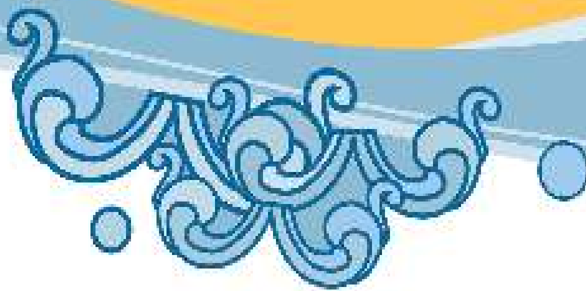
ب: جمله‌های زیر را با علامت(✓) و جملهٔ غلط را با نشانی (×) علامت گذاری کنید.

۱- خواندن دعای قنوت در نماز فرض از واجبات است. (   )

۲- آمین گفتن، اعوذ بالله، بسم الله و سمع الله لمن حمده گفتن از سنت‌های نماز می‌باشد. (   )

کارخانه‌گی

جواب سؤال‌های فوق را در کتابچه‌های خود بنویسید.



درس شانزدهم

طریقهٔ ادای نماز

طریقه اداء کردن نماز قرار ذیل است:

۱- نمازگزار در شروع نماز و به وقت گفتن تکبیر تحریمه (الله اکبر) دست‌هایش را تا برابر نرمهٔ هر دو گوش بالا کند.

۲- بعد از آن دست راست خود را بر بالای دست چپش زیر ناف بگذارد، بعد از آن «**سُبحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ وَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ تَعَالَى جَدُّكَ وَلاَ اِلَه غيرُكَ**» را بخواند.

۳- بعد ازآن اعوذ بالله..... و بسم الله..... بگوید. البته (ثناء، اعوذ بالله و بسم الله... به صدای آهسته خوانده می‌شود و مقتدی اعوذ بالله و بسم الله نمی‌خواند).

۴- سپس (۱) **الْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** (۲) **الرَّحْمـنِ الرَّحِيمِ** (۳) **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ** (٤) **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** (٥) **اهدِنَا الصِّرَاطَ المُستَقِيمَ** (٦) **صِرَاطَ الَّذِينَ أَنعَمتَ عَلَيهِمْ غَيرِ المَغضُوبِ عَلَيهِمْ وَلاَ الضَّالِّينَ** (٧) را بخواند.

۵- به صدای آهسته آمین بگوید.

۶- بعد از آن یک سوره و یا سه آیت از قرآن کریم تلاوت کند.

۷- بعد از آن با گفتن تکبیر (الله اکبر) به رکوع برود.

۸- در رکوع دست‌هایش را به حالت عادی روی زانوهایش قرار داده و پشتش را برابر و هموار نگه داشته سرش را بالا و پایین نکند.

۹- در رکوع سه بار تسبیح (سبحان ربی العظیم) بگوید.

۱۰- وقتی سرش را از رکوع بالا می‌کند نخست «سمع الله لمن حمده» بگوید، بعد از آن «ربنا لک الحمد» بگوید.

مسأله

در نماز جماعت امام «سمع الله لمن حمده» بگوید، و مقتدی تنها «ربنا لک الحمد» بگوید.

۱۱- بعد از گفتن «ربنا لک الحمد» برای چند لحظه راست و آرام بایستد سپس با گفتن «الله اکبر» به سجده برود، و اول زانوها و بعد از آن انگشتانش را در حالی که به طرف قبله است بر زمین بگذارد سپس بینی و بعد از آن پیشانی‌اش را بگذارد و در سجده سه بار «سبحان ربی الأعلی» بگوید. در سجده آرنج‌هایش را از زانوها و شکمش را از ران‌ها دور نگه دارد و انگشتان پاهایش را در حالی رو به قبله نگه دارد که از زمین بالا نشود.

۱۲- بعد از آن، همزمان با گفتن تکبیر، سرش را از سجده بالا کند و به آرامی‌دست‌هایش را روی زانوهایش بگذارد و در حالی که پای راستش را ایستاده و پای چپش را خوابانیده است، بنشیند.
۱۳- بعد از کمی نشستن به سجدۀ دوم برود، و سه بار تسبیح (سبحان ربی الأعلی) بگوید.
۱۴- بعد از سجدۀ دوم با گفتن تکبیر (الله اکبر) در حالی بلند شود که نخست سر، سپس دستها و بعد از آن زانوهایش را بلند کند.
۱۵- رکعت دوم را هم مثل رکعت اول ادا نماید، (اما دست‌هایش را برابر گوش‌ها بالا نمی‌کند، ثناء و اعوذبالله را نمی‌خواند، بلکه رکعت‌های باقی مانده را صرف با گفتن «بسم الله الر حمن الرحیم» شروع می‌کند).
۱۶- وقتی نمازگزار از سجده‌های رکعت دوم فارغ شد، به گونه‌یی بنشیند که دست‌هایش روی زانوهایش باشد و پای راست را ایستاده و پای چپ را بر زمین خوابانیده و روی آن نشسته است و (**التَّحِياتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيبَاتُ السَّلَامُ عَلَيكَ أَيهَا النَّبِي وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَينَا وَعَلَى عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَشْهَد أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ**) را بخواند.
۱۷- اگر نماز دو رکعتی باشد، بعد از خواندن درود شریف (اللهمّ صلِّ علی محمّد وعلی آل محمّد، کما صلیتَ علی إبراهیم وعلی آل إبراهیم؛ إنّک حمیدٌ مجید. اللهمّ بارِک علی محمّد وعلی آل محمّد، کما بارکتَ علی إبراهیم وعلی آل إبراهیم؛ إنّک حمیدٌ مجید) و دعای ماثوره (**اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنیَا حَسَنَةً وَ فِی الآخِرَةِ حَسَنَةً و قِنَا عَذَابَ النَّارِ**). را بخواند و بعد به طرف راست و چپ سلام بدهد.
۱۸- اگر نماز سه رکعتی باشد، بعد از سجدۀ دوم رکعت سوم به قعدۀ اخیر نشسته تشهد، درود، و دعا را بخواند و سلام بدهد.
۱۹- اگر نماز چهار رکعتی باشد، بعد از سجدۀ دوم رکعت چهارم همین کار را بکند.

فرق نماز مرد و زن

۱- زن در وقت ایستادن دستانش را روی سینه‌ها و مرد زیر ناف می‌گیرد.
۲- زن در وقت تکبیر تحریمه دست‌هایش را تا شانه‌ها بالا می‌کند، اما مرد تا نرمه‌های گوش.
۳- زن در سجده آرنج‌هایش را به زانوهایش می‌چسپاند.
۴- زن در سجده شکمش را به ران‌هایش می‌چسپاند اما مرد جدا می‌کند.
۵- زن در همۀ حالت‌های نشستن، هر دو پایش را از طرف راست بیرون کرده بر زمین می‌نشیند.
۶- در سجده آرنج‌هایش را بر زمین می‌گذارد.

فعالیت ها

یکی از شاگردان نماز دو رکعتی را در صنف به صورت جهری تمثیل نماید، و شاگردان دیگر متوجه او باشند و ملاحظات خود را نوشته و در اخیر برای معلم ارائه نمایند.

ارزیابی

۱- به سؤال‌های ذیل جواب بدهید:

أ) ثنا چیست و بعد از آن نمازگزار چه چیز را می‌خواند؟

ب) بعد از «ولا الضآلین» کدام کلمه آهسته خوانده می‌شود؟

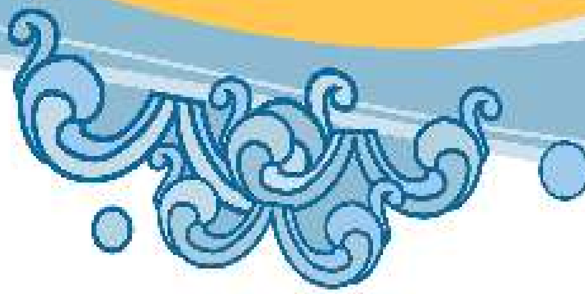
ج) جای گفتن «سمع الله لمن حمده» و «ربنا لک الحمد» کجاست؟

د) تکبیرات انتقال از یک رکن به رکن دیگر را بگویید.

۲- مهم‌ترین تفاوت نماز مرد و زن را بیان کنید.

کارخانه گی

نکات عمده درس را در کتابچه‌های خود بنویسید.



درس هفدهم

نماز وتر و سنت‌ها

حکم نماز وتر

نماز وتر در نزد امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی مثل نمازهای عید واجب است، و به نظر یاران ایشان سنت مؤکد می‌باشد.

رکعات نماز وتر

نماز وتر سه رکعت است.

وقت نماز وتر

نماز وتر بعد از نماز خفتن ادا می‌شود.

قرائت در نماز وتر

قرائت در همهٔ رکعات وتر لازم است.

خواندن دعای قنوت

در رکعت سوم پیش از رکوع دعای قنوت خوانده می‌شود:

(اللَّهُمَّ إنَّا نَسْتَعِينُك وَنَسْتَغْفِرُك وَنُؤْمِنُ بك وَنَتَوَكَّلُ عَلَيك وَنُثْنِي عَلَيك الْخَيرَ، ونَشْكُرُك وَلا نَكْفُرُك وَنَخلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يفْجرُك.اللَّهُمَّ إياكَ نَعْبُدُ وَلَك نُصَلّي وَنَسْجُدُ وَإلَيك نَسْعَى وَنَحْفِدُ و نَرْجُو رَحْمَتَك وَنَخْشَى عَذَابَك إنَّ عَذَابَك بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ).



شاگردان دعای قنوت را چندین بار به نوبت بخوانند تا همه خواندن درست آن را یاد بگیرند.

سنت‌ها

سنت دو قسم است. به یکی سنت مؤکد و به دیگری غیر مؤکد یعنی مندوب گفته می‌شود.

سنت مؤکد

آن است که رسول الله ﷺ همیشه بر آن پابند بوده؛ اما گاه‌گاهی ترک کرده‌اند تا گمان نشود که فرض است.

سنت غیر مؤکد (مندوب)

آن است که رسول اکرم ﷺ گاه‌گاهی انجام داده و گاه‌گاهی ترک کرده‌اند.

اوقات سنت های مؤکد

تمام سنت‌های مؤکد دوازده رکعت می‌باشد و وقت ادای آن‌ها قرار ذیل است:

۱- دو رکعت قبل از فرض صبح که بر آن زیاد تأکید شده است. ۲- چهار رکعت به یک سلام قبل از نماز پیشین. (و یا پیش از نماز جمعه). ۳- دو رکعت بعد از فرض نماز پیشین. ۴- دو رکعت بعد از فرض نماز شام. ۵- دو رکعت بعد از فرض نماز خفتن و پیش از وتر. ۶- خواندن چهار رکعت به یک سلام بعد از نماز جمعه.

اوقات سنت های غیر مؤکد

اوقات سنت های غیر مؤکد قرار ذیل است:

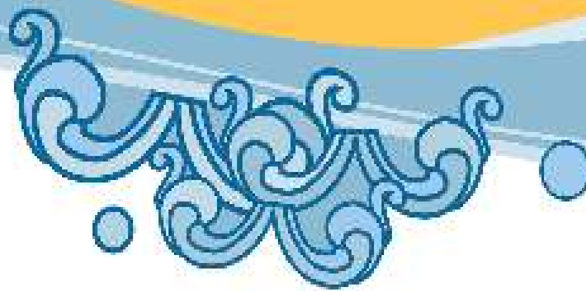
۱- خواندن دو رکعت بعد از دو رکعت سنت نماز پیشین. ۲- خواندن چهار رکعت پیش از نماز فرض عصر. ۳- خواندن شش رکعت بعد از نماز فرض شام. ۴- بعد از نماز فرض خفتن علاوه بر دو رکعت سنت مؤکد، خواندن چهار رکعت دیگر.

ارزیابی

۱- حکم نماز وتر چیست؟ ۲- نماز وتر چه وقت خوانده می شود؟ ۳- دعای قنوت را بخوانید. ۴- سنت های غیر مؤکد را بیان کنید.

کارخانه‌گی

این درس را در کتابچۀ خود بنویسید.



درس هجدهم

نماز تراویح و نمازهای قضایی

نماز تراویح

نماز تراویح برای مرد و زن در ماه مبارک رمضان سنت مؤکد است، چرا که رسول اکرم ﷺ و خلفای راشدین بر آن پابند بوده اند. و همچنان ادای آن با جماعت نیز سنت می‌باشد.

مسأله

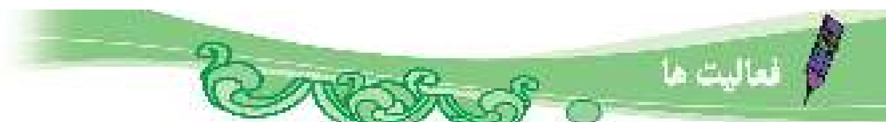
نفل بعد از شروع کردن لازم می‌گردد، بناءً کسی که یک بار آن را شروع کرد و بعداً فاسد نمود قضایی بر او لازم می‌شود.

وقت نماز تراویح

نماز تراویح در ماه مبارک رمضان بعد از نماز خفتن و پیش از نماز وتر ادا می‌شود.

تعداد رکعات تراویح

تراویح بیست رکعت است و دو دو رکعت به یک نیت وسلام ادا می‌شود و بعد از هر چهار رکعت چند لحظه می‌نشیند و بدین‌طریق با ده سلام بیست رکعت را تکمیل می‌کند و بعد از آن نماز وتر را با جماعت می‌خواند. به یاد داشته باشید که غیر از ماه مبارک رمضان نماز وتر با جماعت خوانده نمی‌شود.



شاگردان متن درس را به صورت انفرادی بخوانند.

نمازهای قضایی

هرگاه نماز کسی قضا شد هر وقت فرصت یافت قضایی آن را بخواند، به جز سه وقتی که نماز خواندن در آن اوقات منع شده است.

کیفیت ادای نمازهای قضایی

رعایت ترتیب در نمازهای قضایی واجب است. هرگاه از شخصی کمتر از شش وقت نماز قضا شده باشد، صاحب ترتیب گفته می‌شود، و رعایت ترتیب بر او واجب است، معنی ترتیب این است که نمازهای قضایی را پیش از نمازهای وقتی ادا می‌کند، و در بین خود نمازهای قضایی هم ترتیب را رعایت نماید یعنی هر نمازی را که پیشتر قضاء شده باشد اول همان را می‌خواند.

چیزهایی که ترتیب با آن ساقط می‌شود

۱- هرگاه تعداد نمازهای قضا شده غیر از وتر به شش برسد.

۲- هرگاه نمازهای قضایی از انسان فراموش شود.

۳- زمانی که وقت تنگ باشد و هر دو نماز (نمازهای وقتی و قضایی) در یک وقت اداء نشود.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.

ارزیابی

۱- به پرسش‌های زیر جواب بدهید

أ- حکم نماز تراویح و وتر چیست؟

ب- نماز وتر و تراویح چگونه اداء می‌شود؟

۲- جملات صحیح ذیل را با علامت (✓) و جملات غلط را با نشانی (×) علامت گذاری کنید:

أ. نماز تراویح بعد از نماز وتر اداء می‌شود. ( )

ب. اگر از شخصی بیش از پنج وقت نمازش قضا شد، او صاحب ترتیب گفته می‌شود. ( )

ج. صاحب ترتیب، نماز وقتی را پیش از نماز قضایی اداء کند. ( )

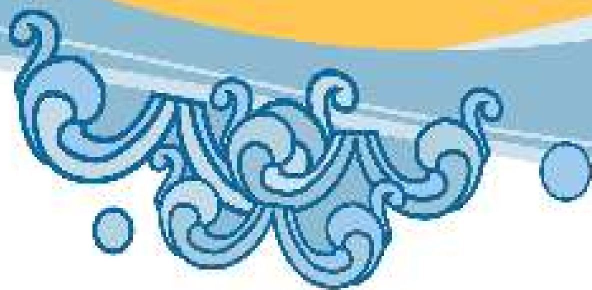
د. هرگاه وقت تنگ باشد، ترتیب ساقط می‌شود. (   )

ه. بیست رکعت نماز تراویح با ده سلام اداء می‌شود. ( )



کارخانه‌گی

جواب سؤال‌های فوق را در کتابچۀ خود بنویسید.



درس نزدهم

مفسدات و مکروهات نماز

فساد در لغت ضد صلاح است و در اصطلاح فقهاء یک وصف غلط در عبادت، فساد گفته می‌شود. در عبادت‌ها فساد به معنای بطلان است.

مفسدات نماز

۱- سخن گفتن در اثنای نماز.

۲- خوردن و نوشیدن ولو به فراموشی هم باشد.

۳- انجام دادن چنان حرکاتی که بیننده از بیرون گمان کند که او در نماز نیست.

۴- دور دادن سینه از قبله.

۵- در حالت نماز سه قدم پی در پی برداشتن.

۶- دیوانه‌گی و بی‌هوشی.

۷- شکستن وضوء.

۸- اداء کردن یک رکن کامل در حالت برهنه بودن عورت، و یا همراه با آن مقدار نجاستی که مانع نماز می‌شود.

۹- طوری بخندد که خودش صدای خود را بشنود.

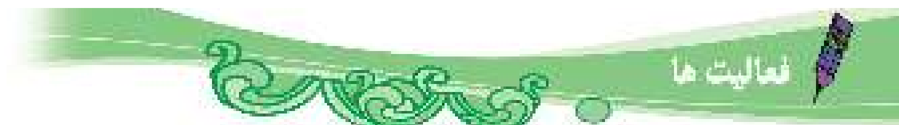
۱۰- سلام دادن به دهان و یا جواب سلام را دادن.

۱۱- خداوند متعال گریه کردن به خاطر امور دنیوی، اما اگر از ترس خداوند ﷻ گریه کرد نمازش فاسد نمی‌شود.

۱۲- گفتن الفاظی که مربوط نماز نمی‌باشد مانند: «اِنَّا لِلهِ وَ اِنَّا اِلَیهِ رَاجِعُونَ» و گفتن «الحمد لله» و امثال آن.

۱۳- قرائت کردن به گونه یی که معنی کلمه تغییر کند.

۱۴- فتحه دادن به شخص دیگر (به غیر از امام خودش).



شاگردان مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.

معنی کراهیت

کراهیت در لغت ضد محبت است و در اصطلاح فقهاء هر آنچه که ترک آن بهتر از انجام دادن آن باشد مکروه تنزیهی گفته می‌شود. و اگر منع آن به دلیل ظنی ثابت شده باشد، مکروه تحریمی گفته می شود. پس هر گاه نماز با کراهیت تحریمی ادا شود، دوباره خواندن آن واجب است. و اگر با کراهیت تنزیهی ادا شود، دوباره خواندن آن مستحب است.

مکروهات نماز

۱- ترک سنت‌ها و یا واجبات نماز قصداً مثل این‌که نمازگزار در نماز متابعت امام را ترک کرده و در ادای ارکان از امام پیشی بگیرد.

۲- در داخل نماز مصروف نمودن دست‌ها به چیزهای دیگر مانند:

- بازی کردن با لباس‌ها و اندام‌ها.
- پاک کردن پیشانی درحالت نماز.
- دور کردن سنگریزه‌ها از محل سجده بیش از یک بار.
- به صدا در آوردن انگشتان.
- باز و بسته کردن انگشتان.
- کندن موها.
- به اشاره جواب سلام را دادن.

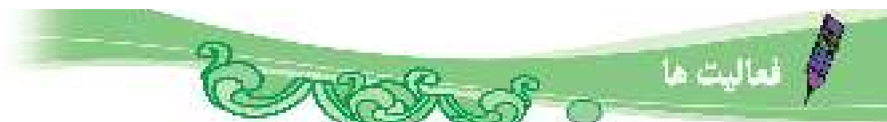
۳- مصروف نمودن چشمان به چیزهای دیگر در داخل نماز مانند:

- بستن چشم‌ها.
- نگاه کردن به طرف آسمان.
- نگاه کردن به راست و چپ با کنج چشم.

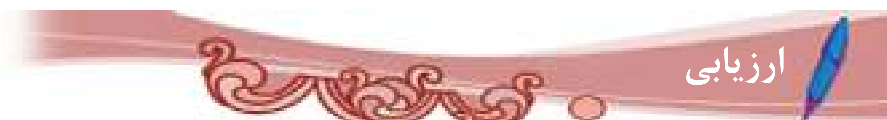
۴- ادای ارکان نماز به طریقهٔ غیر مسنونهٔ آن مانند:

- قیام غیر منظم

• رکوع نامنظم
• سجدهٔ نامنظم، مانند سجده کردن بر پیچ لنگی و یا چیز دیگر.
۵- عدم رعایت خواندن اذکار و ادعیهٔ مخصوص در هر رکن مانند: خواندن قرائت در رکوع.



شاگردان اموری را که خلاف روحیه نماز است و بعضی مردم در نماز مرتکب آن می‌شوند مشخص نمایند.



۱- به سؤال‌های ذیل جواب بدهید:

أ- معنای کراهیت و فساد چیست؟ طور مختصر تعریف کنید.

ب- پنج مورد از مکروهات نماز را بیان کنید.

ج- پنج مفسد نماز را بیان نمایید.

۲- جملات صحیح را با علامت (✓) و جملات غلط را با نشانی (×) علامت گذاری کنید:

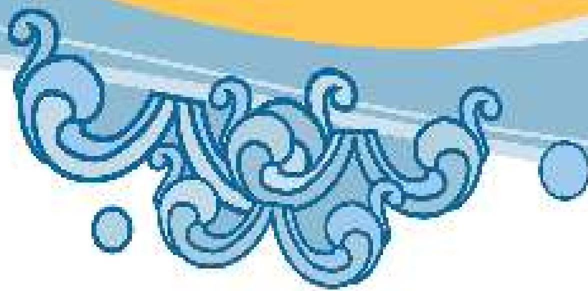
أ- به صدا در آوردن انگشتان مکروه است. (   )

ب- قرائت در حالت رکوع نماز را فاسد می‌سازد. (   )

ج- سخن گفتن در نماز مکروه است. (   )



جواب سؤال‌های فوق را در کتابچهٔ خود بنویسید.



درس بیستم

مسایل متفرقه نماز

وقتی کسی بدون اراده در نماز بی وضو شد:

۱- نماز را ترک کرده و بعد از وضوء کردن نمازش را از همان جایی که ترک کرده بود، ادامه دهد؛ اما از سرخواندن آن بهتر است.

۲- اگر شخص بی‌وضوء شده امام باشد یکی از مقتدیان خود را امام تعیین کند تا باقی مانده نماز را او تکمیل نماید.

۳- هرگاه نمازگزاری بعد از قعدۀ اخیر بی وضوء شد، برود و وضوء کند و بعداً بیاید و سلام بدهد این هرِ سه مورد در صورتی است که سخن نگفته باشد، اما اگر سخن گفته باشد، قصداً یا سهواً، نمازش فاسد می‌شود و ادامه دادن آن جایز نیست.

سجدۀ سهو: سجده سهو عبارت از اداء کردن دو سجده در اخیر نماز است جهت جبران کدام عمل زیادت و نقصان که در نماز رخ داده می‌باشد.

سهو به معنای غفلت و بی پروایی است.

حکم سجدۀ سهو: سجدۀ سهو واجب است.

اسباب سجدۀ سهو: سجدۀ سهو با یکی از اسباب ذیل واجب می‌شود:

۱- به ترک واجب

۲- به تأخیر فرض

مسأله: به ترک کردن سنت، سجده سهو لازم نمی‌شود؛ زیرا با ترک سنت نماز ناقص نمی‌گردد.

مسأله: ترک کردن فرض به سجده سهو جبران نمی‌گردد، زیرا ترک کردن فرض نماز را باطل می‌سازد، اما اگر کسی در کدام رکن نماز سهو شد دوباره آن را اعاده کند و اگر از جایش تغییر داده باشد باید در اخیر نماز سجده سهو نماید.

وقت سجدۀ سهو

سجدۀ سهو دو سجده است که نواقص نماز را جبران می‌کند و وقت آن در قعدۀ اخیر بعد از تشهد، درود و یک سلام است.

طریقه سجدۀ سهو

در قعدۀ اخیر بعد از تشهد و درود به یک طرف سلام داده می‌شود و بعد از دو سجدۀ سهو به قعده نشسته و برای بار دوم تشهد (التحیات...) و درود (اللهم صل...)، و دعا می‌خواند و سپس به طرف راست و چپ سلام می‌دهد.

شک در نماز و یا وضوء

۱- اگر به کسی شک دست داد که نماز خوانده است یا نه، این شخص نماز نخوانده است، چراکه نخواندنش یقینی و خواندنش مشکوک است.

۲- اگر برای کسی بعد از قعدۀ اخیر و سلام گردانیدن شک پیدا شد، شک او اعتبار ندارد.

۳- اگر کسی بسیار مشکوک باشد و هر وقت به او شک پیدا شود، به گمان غالبش عمل نماید.

۴- اگر کسی به این باور باشد که وضوء کرده است، اما در بارۀ این‌که ممکن بی‌وضوء شده باشد برایش شک ایجاد شد، چنین شخصی وضوء دارد، اما اگر بی‌وضوء بودنش به یادش است ولی در مورد این‌که امکان دارد وضوء کرده باشد مشکوک باشد، چنین شخصی بی‌وضوء گفته می‌شود.

سجدۀ تلاوت

حکم سجدۀ تلاوت

سجدۀ تلاوت واجب است.

اسباب سجدۀ تلاوت

۱- تلاوت: هرگاه شخصی آیت سجدۀ تلاوت را بخواند بر تلاوت کننده، تلاوت واجب می‌شود.

۲- شنیدن: سجدۀ تلاوت بعد از شنیدن آیت سجده بر شنونده نیز واجب می‌شود.

۳- اقتداء: به این معنی که اگر امام سجدۀ تلاوت را بخواند بر مقتدی نیز سجده تلاوت واجب می‌شود اگرچه نشنیده باشد.

طریقۀ ادای سجدۀ تلاوت

تکبیر می‌گوید (اما دست‌هایش را به طرف گوش‌ها بالا نمی‌کند) و به سجده می‌رود، و مثل سجدۀ نماز سجده می‌کند و برای برخاستن از سجده تکبیر می‌گوید، این هر دو تکبیر واجب است، سجدۀ تلاوت تشهد و سلام ندارد.

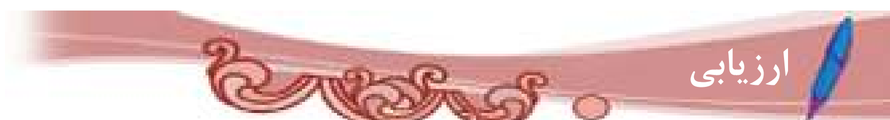
در قرآن کریم آیات سجده نشانی شده است، تعداد آیت‌های سجده با نام سوره‌های شان قرار ذیل می‌باشد

شماره	سوره	آیت	شماره	سوره	آیت
۱	الأعراف	۲۰۶	۸	النمل	۲۶
۲	الرعد	۱۵	۹	آلم السجده	۱۵
۳	النحل	۵۰	۱۰	ص	۲۴
۴	الاسراء	۱۰۹	۱۱	حم السجده	۳۸
۵	مریم	۵۸	۱۲	النجم	۶۲
۶	الحج	۱۸	۱۳	الانشقاق	۲۱
۷	الفرقان	۶۰	۱۴	العلق	۱۹

این فقره شامل امتحان نمی‌باشد.



یکی از شاگردان سجدۀ تلاوت را به طور عملی اجراء کرده و شاگرد دیگر اسباب وجوب آن را بیان کند.



الف: به سؤال‌های ذیل جواب بدهید:

۱- حکم و اسباب سجده سهو را بیان کنید.

۲- اسباب سجده تلاوت را نام ببرید.

۳- آیت‌های سجده تلاوت چند است؟

۴- اگر امام در نماز بی وضوء شد چه باید بکند؟

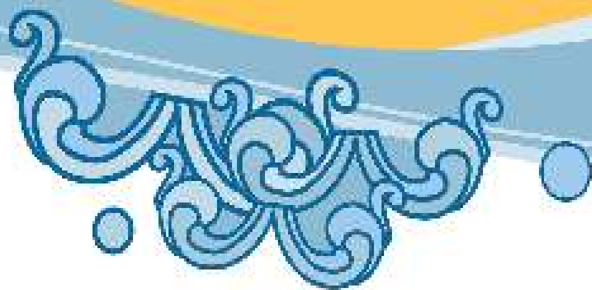
ب: خالیگاه‌های ذیل را با کلمات مناسب پر کنید:

۱- با ترک سنت‌ها سجده سهو...............

۲- ترک فرض با سجده سهو جبران.............



جواب سؤال‌های فوق را در کتابچهٔ تان بنویسید.



درس بیست و یکم

نماز مریض و مسافر

نماز مریض

نماز مریض با توجه به وضعیت مریض قرار ذیل است:

۱- اگر مریض قادر به ایستادن نبود نمازش را نشسته و با رکوع و سجده ادا کند.

۲- اگر رکوع و سجده هم برای مریض دشوار بود، رکوع و سجده را با اشاره به گونه‌یی انجام دهد که اشارهٔ سجده پایین‌تر از اشارهٔ رکوع باشد، اما این درست نیست که به خاطر سجده چیزی را بلند کند و بر آن سجده نماید.

۳- اگر شخصی توانایی نشستن را هم نداشته باشد، در حالی به پشت بخوابد که انگشتانش به طرف قبله باشد و در زیر سرش هم یک بالشت بگذارد و سرش را بلند کند و رو به سوی قبله، رکوع و سجده را با اشاره انجام دهد.

۴- اگر یک مریض نمی‌توانست با اشاره هم نماز بخواند، نماز او به تأخیر می‌افتد و جایز نیست که با اشارهٔ چشم و ابرو نماز بخواند.

نماز مسافر

برخی از احکام سفر

۱- در ماه مبارک رمضان روزه نگرفتن برای مسافر جایز است.

۲- مدت مسح بر موزه‌ها برای مسافر سه شبانه روز است.

۳- نماز جمعه و عیدین و قربانی بر مسافر واجب نیست.

۴- مسافر نمازهای فرض چهار رکعتی را قصر می‌کند و دو رکعت می‌خواند و در صورت موجودیت خطر از دزد و راهزن می‌تواند نمازش را به تأخیر بیندازد.

قصر: نمازهای فرض چهار رکعتی را دو رکعت خواندن، قصر گفته می‌شود.

حکم قصر: قصر در سفر بهتر (عزیمت) است.

شرایط قصر: فقهاء شرایط آتی را در مورد قصر وضع کرده اند:

۱- اندازهٔ راه و سفر با رفتار عادی سه شبانه روز را دربر بگیرد.[1]

۲- به محض خارج شدن از آبادی‌های شهر و قریه، سفر آغاز می‌شود، یعنی هرگاه مسافر

---

۱ برخی از علمای معاصر مسافهٔ سفر شرعی را(۸۹) کیلومتر تعیین کرده اند.

از منطقهٔ خود خارج شد، مسافر گفته می‌شود.
۳- باید نیت سفر را بکند.
۴- در نیتش مدت سفر کمتر از سه شبانه روز نباشد.

مسائلی در بارهٔ سفر

۱- اگر شخصی وطن اصلی‌اش را که در آن متولد شده و زندگی کرده است، ترک نموده و جای دیگری را برای زندگی برگزیند، سپس بنابر ضرورتی به زادگاهش بیاید، چنین شخصی نمازش را قصر می‌کند، به شرطی که فاصله میان محل اقامت و زادگاهش کمتر از سه شبانه روز نباشد.

۲- اگر نماز شخصی در سفر قضا شد؛ سپس او به خانه آمد، قضایی سفرش را قصر می‌خواند، اما اگر در خانه قضا شده بود و خواست قضایی آن را در سفر بخواند، باید آن را پوره بخواند.



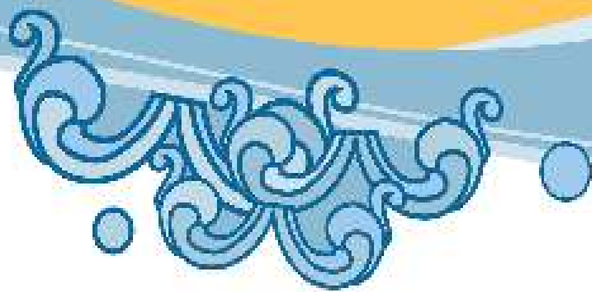
شاگردان مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.



۱- به سؤال‌های ذیل جواب بدهید:
أ- در مورد احکام خاص سفر معلومات بدهید.
ب- قصر چیست و چه حکم دارد؟
ج- شرایط قصر را به طور مختصر بیان کنید.



جواب سؤال‌های فوق را در کتابچه‌های خویش بنویسید.



درس بیست و دوم

سیرةالنبی و اهمیت آن

خداوند متعال می فرماید: ﴿ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [الاحزاب: ۲۱]

ترجمه: یقیناً در اقتداء به رسول خدا برای شما سرمشق خوبیست.

خداوند متعال، در این آیهٔ کریمه ما را به پیروی پیغمبرﷺ امر فرموده است؛ لذا آموختن سیرت پیغمبرﷺ برما لازم است تا بتوانیم به او اقتداء نموده راه او را دنبال کنیم، سنتش را جستجو کنیم و از هدایت و رهنمایی‌های او پیروی کنیم.

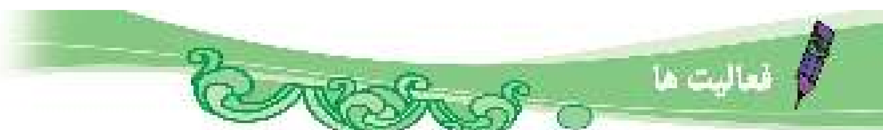
پس سیرت پیغمبرﷺ در فهم و درک اسلام از چه اهمیتی برخوردار است؟ مفهوم و ویژه‌گی‌های سیرت کدام است؟ و در تدریس سیرت چه اهدافی نهفته است؟

تعریف سیرت

سیرت درلغت به معنای راه، روش و سنت آمده است.

و در اصطلاح: عبارت است از احوال و تاریخ زنده‌گی یک شخص و موضوعات مربوط به آن.

سیرت وقتی بدون قید گفته شود مراد از آن سیرت حضرت محمد ﷺ می‌باشد.



علم سیرةالنبی به کدام علم بیشتر شباهت دارد؟ به علم حدیث، علم تاریخ، یا کدام علم دیگر؟ شاگردان به طور گروهی پاسخ آن را دریافت نمایند.

موضوعات عمده‌یی که سیرت شامل آن می‌شود، عبارت اند از:
نشانه‌های مقدماتی نبوت از هنگام میلاد پیغمبرﷺ، کودکی، رشد، جوانی آن حضرتﷺ و گونه‌های مختلف حفاظت و عنایت خداوند متعال از پیامبرش، زمان نزول وحی، دعوت سری، دعوت علنی، فشارهای گوناگون قریشی‌ها بالای مسلمانان، هجرت مسلمانان به حبشه، انتشار دین اسلام در خارج از مکهٔ مکرمه، توافقات با اهل یثرب (مدینهٔ منوره)، هجرت به یثرب، تأسیس جامعهٔ اسلامی‌در مدینهٔ منوره، توافقات با قبایل و همسایگان، توطئه‌ها و دشمنی‌های مشرکین و یهود در برابر مسلمانان، دفاع مسلمانان و غزوات پیغمبراکرمﷺ در مقابل آن‌ها، پیام‌های دعوت به حکام مناطق همجوار امپراطوران جهان، انتشار دین مبین اسلام در نواحی مختلف جزیرة العرب، سفرهای مختلف آن حضرتﷺ، صفات پیغمبراکرمﷺ و رحلت ایشان از دنیای فانی به جهان ابدی.

ویژه‌گی های سیرة النبی

سیرت النبی ویژه‌گی‌های زیادی دارد، که از جمله آن‌ها میتوان نکات ذیل را یاد آوری نمود:

۱- سیرت پیغمبرﷺ صحیح ترین سیرت پیامبران در تاریخ است؛ زیرا این سیرت از طریق روایت های متصل شخصیت‌های معروف و موثق انتقال گردیده تا این‌که به مرحلهٔ ثبت و تدوین رسیده است.

تدوین سیرت در سال (۱۰۱ هجری) در زمان عمر بن عبدالعزیز رحمه الله صورت گرفت.

۲- تعالیم و آموزه‌های سیرت شامل تمام عرصه‌های زنده‌گی بوده، سرمشق خوبی برای هر فرد در هر سطحی که زنده‌گی می‌کند می‌باشد.

۳- سیرت پیغمبرﷺ روشن کننده و مبیّــن تمام احوال مراحل زنده گی ایشان می‌باشد که: از هنگام ازدواج پدرش عبدالله با آمنه بنت وهب، آغاز و شامل مراحل: ولادت، بعثت، دوره‌های مختلف دعوت، غزوات الی وفات آن حضرتﷺ می گردد.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب با هم تکرار نمایند.

اهمیت تدریس سیرت النبی

۱- در سیرت نفیس پیغمبرﷺ فضایل، مکارم اخلاق، اندرزها، و عبرت های فراوانی است که انسان را به سوی خیر هدایت می نماید.

۲- تدریس سیرت این واقعیت را واضح می‌نماید که دین اسلام دین صبر، تحمل، بردباری، تدبیر، تعقل، حکمت، خیر و منفعت برای بشریت می‌باشد.

۳- سیرت روش دعوت و اصلاح جامعه را برای مصلحان و دعوتگران واضح می‌کند.

۴- سیرت مقام و منزلت عالی دین مبین اسلام را در مقایسه با رسم و رواج‌های ظالمانه و بی عدالتی‌ها که قبل از اسلام در بین مردم منتشر بود، واضح می‌سازد.

۵- با فهم سیرت و آگاهی از تکالیف ومشقت‌های زیادی که پیغمبر اکرمﷺ و یارانش (در راه نشر دین مبین اسلام) تحمل نموده اند، صبر و بردباری انسان بیشتر می‌گردد.

۶- با تدریس سیرت پیغمبراکرمﷺ می‌توان از مقاصد دین بیشتر آگاه شد، و تفسیر و شأن نزول آیات زیاد قرآن کریم را آموخت.

۷- سیرت شیوۀ وحدت امت اسلامی را واضح می‌سازد، که چگونه می‌توان از اقوام و قبایل مختلف، با هم دشمن و متشتت، یک ملت واحد، نیرومند، باعزت و با هم برادر و برابر ایجاد نمود، و رهبران آن‌ها با تقوا و اخلاصی که در برابرخداﷻ و بنده‌گان او دارند، محبوبترین اشخاص در قلب همۀ اتباع کشور شان باشند.

۸- خواندن و تدریس سیرت پیغمبرﷺ سبب غنامندی بخش مهمی از فرهنگ و معارف اسلامی برای مسلمان می شود.

ارزیابی

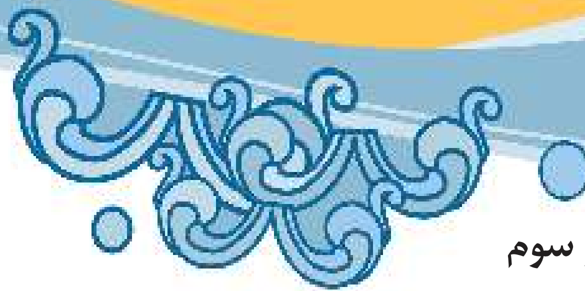
۱- سیرت را درلغت و اصطلاح تعریف کنید.

۲- سه ویژه‌گی سیرةالنبی را بیان کنید.

۳- اهمیت آموختن سیرةالنبی را در ابعاد مختلف زنده‌گی مسلمانان بیان دارید.

کارخانه‌گی

مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالۀ کوتاه در کتابچۀ خود بنویسید.



درس بیست و سوم

سیرت نبوی و تاریخ

تعریف تاریخ

تاریخ در لغت به معنای تعیین وقت و زمان یک حادثه است.

در اصطلاح: عبارت از تعیین وقت و زمان حوادث مهم گذشته است، که شامل: شناخت احوال اشخاص مهم، گروه‌ها، تمدن‌ها، شهرها، رسم و رواج‌ها، صنعت‌ها، نسب‌ها و احوال زنده‌گی و مرگ آن‌ها می‌گردد.

سیرت پایهٔ اصلی تاریخ است

سیرت پیغمبر ﷺ پایهٔ اساسی حرکت بزرگ تاریخ را تشکیل می‌دهد که مسلمانان به آن افتخار می‌کنند، زیرا نخستین و قایع و حوادثی را که نویسندگان مسلمان تدوین کردند، عبارت از حوادث سیرت نبوی ﷺ بود، سپس تدوین حوادث بعدی تا امروز دنبالهٔ همان سیرت است.

شیوهٔ ارائهٔ سند در روایت سیرت و تاریخ

شیوهٔ روایت حوادث تاریخی، گردآوری وقایع و تمییز روایت درست و نادرست در نزد اعراب و مسلمانان روش علمی و دقیقی را به خود گرفت، که دیگران از آن بی‌بهره بودند، چون مسلمانان به جمع آوری و تدوین صحیح سیرت نبوی ﷺ به عنوان یک ضرورت دینی نگاه می‌کردند. لذا به گونه‌یی درتدوین وقایع آن همت به خرچ دادند که از هر گونه شائبه، و هم آمیخته‌گی و افتراء پاک و منزه باشد.

این روش نخست برای خدمت سنت وسیرت نبوی ﷺ ایجاد گردید، سپس در تدوین تاریخ از آن کار گرفته شد و به عنوان میزان و معیار تمییز حقایق متعلق به تاریخ قرار گرفت.

مصادر سیرت النبی

مصادر و منابعی که می‌توان سیرت النبی را از آن گرفت عبارت اند از: قرآن کریم، سنت نبوی، کتب شمایل محمدی، کتب دلایل و معجزات نبوی، کتب خصایص، کتب مغازی، و کتب تخصصی سیرت.

۱- قرآن کریم

بخش عمدهٔ سیرت پیغمبرﷺ در قرآن کریم به صورت اجمالی ذکر شده است.

۲- سنت نبوی

بیشترین بخش سیرت نبویﷺ را می‌توان در کتب سنت نبویﷺ که شامل کتب صحاح، سنن، آثار، مسانید، مستدرکات و معاجم می‌باشد دریافت.

۳- کتاب‌های شمایل محمدی

کتاب‌های شمایل (و اوصاف) محمدی کتاب‌هایی اند که مؤلفین آن‌ها به ذکر جوانب اخلاقی، عادات، فضایل و سلوک پیغمبر اکرمﷺتوجه بیشتری مبذول داشته اند.

۴- کتاب‌های دلایل نبوی(معجزات محمدیﷺ)

کتب دلایل نبوی کتبی است که بیشتر در مورد دلایل و معجزات پیغمبر اکرمﷺ بحث نموده است.

۵- کتاب‌های خصایص محمدیﷺ

کتب خصایص محمدی کتبی است که بیشتر پیرامون اموری بحث می‌نماید که مخصوص پیغمبراکرمﷺ و امتش باشد.

۶- کتاب‌های مغازی

کتب مغازی کتبی است که از توطئه‌ها و دسایس دشمنان مسلمانان در صدر اسلام و دفاع مسلمانان و غزوات پیغمبر اکرمﷺ بحث می‌نماید.

۷- کتاب‌های تخصصی سیرت

عبارت از کتاب‌هایی است که تمام موضوعات عمدهٔ علم سیرت را در بر می‌گیرد.

آغاز تألیف سیرت و مشهورترین کتاب‌های آن:

۱- عصر صحابه: تدوین سیرت به صورت ابتدایی در بین سال‌های۵۰ – الی ۶۰– هجری آغاز گردید، طوری که عبدالله بن عباس رضی الله عنهما برای شاگردانش نسب و غزوات

پیغمبرﷺ را تدریس می‌کرد و شاگردانش آن را می‌نوشتند. همچنان عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه و براء بن عازب رضی الله عنه نیز برای شاگردان شان علم سیرت را تدریس می‌کردند.

۲- عصر تابعین: تألیف سیرت در عصر تابعین آغاز گردید، عروه بن زبیر بن عوام کتاب غزوات رسول اللهﷺ را تألیف کرد.

مهم ترین تألیفی که در زمان تابعین در مورد سیرت انجام شد، کتاب أبان بن عثمان بن عفان بود که در سیرت و مغازی پیغمبرﷺ نوشت و قبل از سال (۸۳ هـ) آن را به پایان رسانید.

پس از آن می‌توان از کتاب وهب بن منبه (متوفی۱۱۰هـ) و کتاب موسی بن عقبه (متوفی ۱۴۱هـ) نام برد، این دسته اشخاص در عصر صحابه می‌زیستند، و علم و دانش شان را از صحابه می‌گرفتند.

۳-عصراتباع تابعین: جامع‌ترین کتاب‌های سیرت که در این عصر تألیف گردید، عبارت از کتاب «السیر و المغازی» تالیف محمد بن اسحاق (متوفی۱۵۱هـ) و کتاب «السیرةالنبویه» تألیف ابن هشام (متوفی ۲۱۳هـ) است، که هر دو مولف علم شان را از تابعین فرا گرفتند.

همچنان کتاب حدیث که (موطأ) نام دارد، و امام مالک (متوفی۱۷۹هـ) آن را تألیف نموده است بخش عمده‌یی از احادیثش به سیرت و اوصـــاف پیغمبرﷺ تعلق می‌گیرد.

(صحیح البخاری) که به وسیلهٔ امام بخاری (متوفی ۲۵۶هـ) و (صحیح مسلم) که توسط امام مسلم (متوفی ۲۶۱هـ) تالیف شده اند، بخش عمدهٔ احادیث آن مربوط به: زنده‌گی پیغمبرﷺ قبل و بعد از بعثت، خصایص، فضایل، غزوات پیغمبرﷺ، و فضایل و مناقب یارانش را احتوا می‌نماید.

سپس تألیف کتب سیرت به اشکال مختلف عرض وجود نمود، از جمله آن‌ها نام کتب ذیل را می‌توان گرفت:

۱- عبدالملک بن هشام کتابی در سیرت نوشت که مختصر کتاب سیرت ابن اسحاق بود؛ سپس امام ابوالقاسم عبدالرحمان اندلسی کتاب وی را در کتابی به نام «الروض الانف» شرح نمود.

۲- محمد بن سعد که شاگرد واقدی بود کتاب «الطبقات الکبری» را در هشت جزء نوشت، که جزء اول و دوم آن به سیرت و غزوات پیغمبرﷺ اختصاص یافته است.

در عصر حاضر کتاب‌های بسیار نفیسی در ابعاد مختلف سیرت نبوی تألیف و تحقیق شده است، که از آن جمله می‌توان کتب ذیل را نام برد:

- الرحیق المختوم: تألیف مبارکپوری
- سیرةالنبی: تألیف علامه شبلی نعمانی
- سیرةالنبی: تألیف ابن کثیر
- فقه السیرة: تألیف محمد الغزالی
- نبی رحمت: تألیف محمد مسعد یاقوت
- تهذیب سیرةالنبی ابن هشام: تألیف عبدالسلام هارون[1]



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.



۱- تاریخ را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.

۲- نقش سیرةالنبی را در تدوین تاریخ بیان دارید.

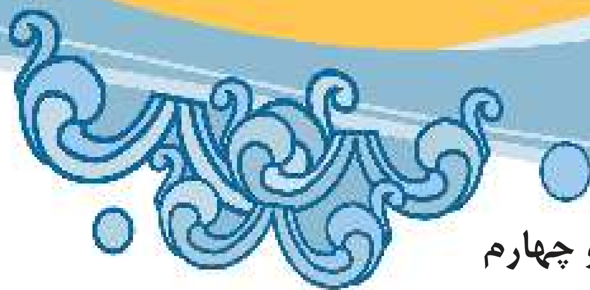
۳- چه وقت تدوین سیرةالنبی به طور مستقل آغاز یافت؟ و دو کتابی را نام ببرید که به طور مستقل در سیرت نبوی تألیف شده باشد.



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه در کتابچهٔ خود بنویسید.

---

۱ بحث (آغاز تألیف سیرت و مشهور ترین کتاب‌های آن) معلومات اضافیست، بناء برآن شامل امتحان نمی‌باشد.



درس بیست و چهارم

حالت جزیرة العرب قبل از اسلام

نمایی از وضعیت جزیرةالعرب درنیمهٔ دوم قرن ششم میلادی (از سایت وزارت ارشاد عربستان سعودی)

کدام دین در جزیرةالعرب حاکم بود؟ بت پرستی چگونه آغاز گردید؟ و بت‌ها از کجا به جزیرةالعرب انتقال گردیدند؟

تعریف دین

در لغت: دین معانی زیادی دارد از جمله: شریعت، قانون، روش، مذهب، جزاء، و حساب است.

در اصطلاح: عبارت از نظام زنده‌گی انسان‌هاست که ابعاد اعتقادی، فکری، اخلاقی و عملی را در بر می‌گیرد.

ادیان عرب قبل از اسلام

از هنگامی‌که فرزندان ابراهیم علیه السلام در مکهٔ مکرمه نشأت نمودند و در سایر نقاط جزیرةالعرب پراکنده شدند، عرب‌ها پیرو دین ابراهیم علیه السلام بودند؛ خدای‌یگانه را پرستش می‌کردند، تا آن‌که روزگار مدیدی سپری گردید، و آنچه را برای شان اندرز داده شده بود به فراموشی سپردند، جز برخی شعایر دینی در میان شان چیزی باقی نماند.

آغاز بت پرستی

نخستین بار بت‌ها در زمان نوح علیه السلام به پرستش گرفته شدند، پنج تن از قوم نوح علیه السلام از قبیل: ود، سواع، یغوث، یعوق و نسر اشخاص فاضل، نیکوکار و عبادت پیشه بودند، مرگ آن‌ها سبب وحشت و اندوه مردم گردید، مردی برای شان گفت: آیا مجسمهٔ آن‌ها را از چوب بسازم، که با نگاه کردن به چهره‌های آن‌ها برای تان آرامش دست دهد، گفتند: آری، اگر توان داری این کار را انجام بده.

سپس مجسمه آن‌ها را همانگونه که در حیات شان بودند، برای مردم آماده ساخت، هر خانواده مجسمه شخصی را که دوست داشت، برگرفته، در منزل‌های شان نهادند، به سوی آن نگاه می‌کردند، مقداری اندوه شان کاهش می‌یافت، زمان به همین منوال سپری می‌شد، تا قرن دوم و سوم یکی پی دیگری سپری گردید، ولی همگی همانند

قرن اول با مجسمه‌های شان رفتار می‌کردند، قرن چهارم فرا رسید، مردم گفتند: اگر ما مجسمه‌های این اشخاص نیک و صالح را عبادت کنیم، سبب تقرب و نزدیکی ما به خدا می‌شود، در پیشگاه خدا برای ما شفاعت می‌کنند، بناءً مجسمه‌های مذکور را به پرستش گرفتند، و نسل‌های بعدی نیز به عبادت مجسمه‌ها ادامه دادند.

آغاز بت پرستی در سر زمین عرب

پیغمبر ﷺ در میان مردمی‌به پیامبری برگزیده شد که در جاهلیت و تاریکی می‌زیستند، و این جاهلیت در همهٔ امور حیات شان حاکم بود.

قبل از آن عرب‌ها پیرو دین ابراهیم﵇ بودند، تا آن‌که شخصی به نام «عمرو بن لحی الخزاعی» رئیس قبیلهٔ خزاعه ظهور کرد. وی روزی به شام سفر کرد، در آنجا متوجه شد که مردم شام بت‌ها را پرستش می‌کنند، بت پرستی آن‌ها را نیکو شمرده و حق پنداشت، بتی به نام «هبل» را با خودش آورده و در داخل کعبه نهاد، و مردم مکه را به بت پرستی فراخوانده و مردم دعوت او را پذیرفتند. اندکی بعد، مردم حجاز در این راستا به پیروی مردم مکه برخاستند.

از جمله قدیمی‌ترین بت‌های آن‌ها (لات، منات و عزا) بودند، که در مناطق مختلف حجاز قرارداشتند.

بعد از آن، شرک به خدا و پرستش بت‌ها در سراسر حجاز پراکنده شد، در هر قبیله سپس در هر خانه و کاشانه بتی را به پرستش گرفتند، مسجد حرام را مملو از بت‌ها کردند.

به این ترتیب، شرک و عبادت بت‌ها به حیث یکی از مظاهر دین جاهلیت قرار گرفت.

گونه‌های بت پرستی

از جمله گونه‌های بت پرستی این بود که:

آن‌ها را پرستش می‌کردند، در سختی‌ها از بت‌ها طلب کمک می‌نمودند، نیازها و ضرورت‌های شان را از بت‌ها می‌خواستند، معتقد بودند که بت‌ها در پیشگاه خدا شفاعت می‌نمایند، به دورشان طواف می‌نمودند، در برابر آن‌ها سر سجده بر زمین فرو می‌آورند، به نام بتان و برای آن‌ها ذبح می‌کردند.

هرچیز شان را با تیرهای قرعه‌کشی تقسیم می‌کردند، به سخنان کاهنان، منجمان و غیب گویان ایمان داشتند، فال بینی در میان شان رواج داشت.

این دیانت – دیانت شرک و بت پرستی و اعتقاد بر وهمیات و خرافات - دیانت بیشترین مردم عرب بود.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سوال و جواب باهم تکرار نمایند.



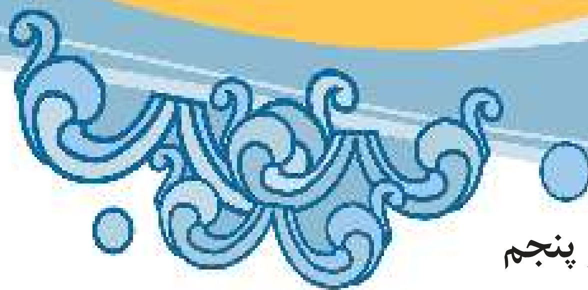
۱- دین در لغت و اصطلاح چیست؟ تعریف کنید.

۲- چه وقت مردم در اطراف و اکناف کعبهٔ مشرفه به پرستش بت‌ها آغاز کردند؟

۳- مشرکین دربت پرستی شان به مراسمی‌پایبند بودند، بعضی از این مراسم را شرح دهید.



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه در کتابچهٔ خود بنویسید.



درس بیست و پنجم

حالت عرب‌ها قبل از اسلام

(حالت دینی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی)

عرب‌ها قبل از اسلام از نظر اخلاقی چه حالتی داشتند؟ و اوضاع اجتماعی و سیاسی آنها قبل از اسلام چگونه بود؟

اوضاع دینی

هنگامی‌که اسلام ظهور کرد، عرب‌ها که ادعای پیروی دین ابراهیم علیه‌السلام را داشتند، از اوامر و نواهی شریعت ابراهیم علیه‌السلام فاصله زیادی گرفته بودند، بت‌های متعددی را پرستش می‌کردند، و مکارم اخلاقی را که در دین ابراهیم علیه‌السلام وجود داشت، ترک کرده بودند.

بنابر این با گذشت زمان عادات، تقالید و رواجهایی در آنها انتشار یافت، که در نتیجهٔ بت پرستی به میان آمده بود، و این امور، اثرات قابل توجهی بر حیات دینی، اجتماعی و سیاسی آنها بر جا گذاشت.

وضع اخلاقی و اجتماعی

در بین عرب‌ها اخلاق نادرستی وجود داشت که عقل سلیم آن را نمی‌پذیرد، و وجدان بیدار از قبول آن ابا می‌ورزد. ولی در میان شان برخی عادات و اخلاق ستوده و فاضله نیز وجود داشت، که بعضی از بزرگان و شعرای آن‌ها به آن افتخار می‌کردند، مانند: کرم و جوانمردی، وفا به عهد، عزت نفس و شجاعت.

جامعهٔ عرب به طبقات مختلفی تقسیم شده بود، که وضع هر طبقه از طبقهٔ دیگر تفاوت داشت، مرد، رئیس خانواده و دارای صلاحیت کامل بود، و رابطه مرد و زن غالباً با عقد عروسی زیر نظر اولیای امور شان صورت می‌گرفت. ولی در بعضی از اقشار مردم اختلاط‌های گوناگونی در میان مرد و زن وجود داشت، که از آن جز به فسق، فجور، فساد، بی عفتی و فحشا نمی‌توان تعبیر دیگری نمود، در عرف جاهلیت جمع کردن زنانی بی شماری در عقد زناشویی یک شخص، نیکی و افتخار به حساب می‌آمد،

زنان پدرانشان را اگر طلاق می‌شد یا شوهران شان وفات می‌کردند، به عقد خود در می‌آوردند.
روابط مرد با فرزندانش وضع متفاوتی داشت، برخی می‌گفتند: فرزندان، جگر گوشه‌های ما هستند که بر روی زمین راه می‌روند، و برخی دختران شان را از بیم ننگ و عار از ترس فقر و گرسنه‌گی زنده به گور می‌کردند، با ولادت طفل پسر مسرور می‌شدند و با ولادت طفل دختر بی‌نهایت غمگین می‌شدند و روی آن‌ها از قهر و غصه و غم سیاه می‌گردید، وخود را از انظار مردم پنهان می‌کردند، که گویا مصیبتی بزرگی در خانوادۀ آن‌ها به میان آمده است.
خرافات در بین آن‌ها در عرصه‌های مختلف به اوج رسیده بود، حتی احیاناً به منظور رسیدن به هدف خویش ذبح نمودن پسران خویش را نذر می‌گذاشتند، مردم مانند چهارپایان زنده‌گی می‌کردند، زن در معرض داد و ستد گذاشته می‌شد، و گاهی با زن مانند سنگ و چوب معامله می‌شد.

اوضاع سیاسی

حاکمان جزیرة‌العرب در اثنای ظهور اسلام دوگونه بودند:
۱- حاکمان تاجدار: این گونه حاکمان در واقع از استقلال تام برخوردار بودند.
۲- رؤسای قبایل و عشایر: سلطه و امتیاز آنان همانند حاکمان تاجدار بود، بیشترین آن‌ها استقلال تام داشتند، ولی شماری از آنان پیرو حاکمان تاجدار بودند.
اشخاصی رهبری قبیله را به دوش می‌داشتند که نسبت به دیگران ثروتمندتر و توانمندتر می‌بودند. قبیله عبارت از یک حکومت کوچک بود، که بر اساس وحدت قومی، و منافع متقابل به خاطر حمایت و دفاع مشترک از سرزمین شان تشکیل می‌گردید.
حکومت حجاز مورد تقدیر و احترام سایر عرب‌ها بود، آن‌ها را رهبر و خدمت گذار مرکز دینی می‌دانستند. دوائر و تشکیلات مشابه پارلمان کنونی داشتند، ولی این حکومت خیلی ضعیف و ناتوان بود.

اوضاع اقتصادی

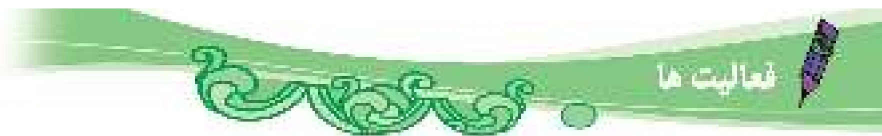
اوضاع اقتصادی تابع اوضاع اجتماعی و امنیتی می‌باشد، این قضیه زمانی روشن می‌گردد که به شیوه‌های معیشت آن‌ها نگاه کنیم، تجارت که بزرگ‌ترین وسیلۀ دستیابی به

نیازهای زنده‌گی است، تنها می‌تواند در سایهٔ صلح و امنیت میسر گردد، که این صلح و امنیت در جزیرة‌العرب تنها در سه چهارماهی که ماه‌های حرام نامیده می‌شد، وجود داشت. و بازارهای مشهور عرب‌ها نیز تنها در همین ماه‌ها فعال می‌شد.

مالداری در داخل جزیرة‌العرب رواج داشت، زراعت نیز در بعضی از مناطق آن صورت می‌گرفت، زنان عرب اکثراً به کارهای مانند بافندگی و ریسنده‌گی مشغول بودند، ولی همهٔ این متاع در معرض جنگ‌ها قرار می‌گرفت، و فقر، گرسنه‌گی و برهنگی تمامی بخش‌های جامعه را احتوا و اذیت می‌کرد.

دشمنی، قبیله گرایی و قوم گرایی در میان شان به ارزش تبدیل شده بود، مردم به گروهها تقسیم شده بودند، و هر گروه تنها به خاطر همکاری و همیاری قبیلهٔ خودش و یا قبایلی که با آنها إئتلاف دارند، دست به کار می‌شد.

هیچ کسی در وقت منازعات تلاش جستجوی حق را نمی‌کرد، که حق با کدام طرف است؟ بلکه تنها تلاش آنها در این می‌بود که چگونه جانب مقابل را بیشتر خساره مند نماید.

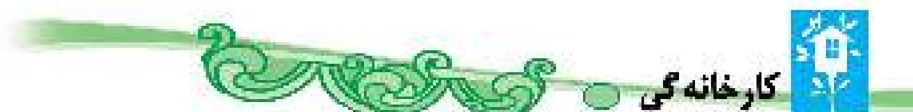


مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب با هم تکرار نمایند.

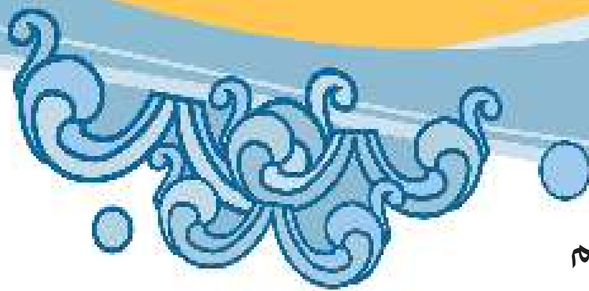


۱- در زمان جاهلیت رابطهٔ وضعیت اخلاقی و دینی عرب‌ها چگونه بود؟

۲- در زمان قبل از اسلام حالت سیاسی و اقتصادی عرب‌ها چطور بود؟



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر خویش بنویسید.



نسب پیغمبر ﷺ

نسب پیغمبر ﷺ به کجا می‌رسد؟ و خانوادهٔ نبوی کدام است؟

نسب پیغمبر ﷺ

او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم قریشی است که سلسلهٔ نسب وی به عدنان و بعداً به اسماعیل بن ابراهیم (علیهما الصَّلاة و السلام) می‌رسد.

خانوادهٔ نبوی

خانوادهٔ نبوی به خانوادهٔ هاشمی معروف است، که نسبت آن به جدش هاشم بن عبدمناف می‌رسد. بنابر این، باید اموری را در مورد احوال هاشم و بعد از او بدانیم.

هاشم

هاشم که عمرو نام داشت یگانه شخصی از سلالهٔ بنی عبد مناف بود که سقایه و خدمت زائران خانهٔ خدا ﷻ را به عهده داشت، ثروتمند بود، و در میان مردم از شرافت و وقار زیادی برخودار بود.

عبدالمطلب

عبدالمطلب نیز مانند هاشم به آب دادن به مردم و خدمتگذاری زایرین خانهٔ خدا به بزرگی قومش رسید. و در میان قومش به شرف، عزت و جایگاهی نایل گردید که هیچ یک از نیاکانش به چنین مقامی دست نیافته بودند.

در زمان عبدالمطلب دو رویداد مهم در مورد خانهٔ کعبه واقع شد:

۱- حفرچاه زمزم.

۲- واقعهٔ فیل.

خلاصه داستان حفر چاه زمزم


چاه زمزم


داخل چاه زمزم

به عبدالمطلب در خواب محل چاه زمزم نشان داده شد، بعد از آن به حفر چاه پرداخت، در چاه به اشیای قیمتیی مانند زره ها، شمشیرها، و دو آهو که همه از طلا ساخته شده بودند دست یافت، (این اشیای قیمتی را «جراهمه» هنگام خارج شدن از مکه دفن کرده بودند).

عبدالمطلب از شمشیرها برای کعبه دروازه ساخت، و هر دو آهوی طلایی را بالای دروازه نهاد، و سقایه زمزم (آبدادن) برای زایرین را آباد و مهیا کرد. چون چاه زمزم آشکار گردید، قریش با عبدالمطلب به منازعه برخاستند و برایش گفتند: ما را نیز درآن شریک بساز.

عبدالمطلب گفت: من چنین کاری نمی‌کنم. در نتیجهٔ همین منازعه با قریش، عبدالمطلب نذری را به عهده گرفت که اگر خداوندﷻ برایش ده پسر عنایت نماید، و به آنچه که قریش او را منع می‌نماید، نایل گردد، یکی از پسرانش را در کعبه ذبح می‌کند.

خلاصهٔ واقعهٔ فیل

هنگامی که ابرههٔ حبشی والی یمن (از طرف پادشاه حبشه) زیارت و تجمع مردم را در کعبه مشاهده کرد، معبد بزرگی را در صنعا تأسیس نمود، و خواست، مردم را به سوی آن بر گرداند، بنابرآن ابرهه با ارتش شصت هزار نفری به سوی مکه حرکت کرد تا کعبه را ویران نماید. فیل بزرگی را برای خودش بر گزید، به حرکتش ادامه داد و برای دخول به مکه آماده‌گی گرفت، هنگامی‌که در وادی محسر (که بین منی و مزدلفه واقع است) رسید، فیل سینه اش را بر زمین فرونهاده و برنخاست تا به سوی کعبه جلو رود.

عبدالمطلب در محضر ابرهه

عبدالمطلب با برخی از پسرانش به سوی قرارگاه ابرهه حرکت کرد، وقتی به آنجا رسید، برای ابرهه گفتند: عبدالمطلب آمده است، گفت: عبدالمطلب کیست؟ گفتند: او سردار قریش و صاحب کاروان مکه است، ایشان برای مردم در زمین هموار و برای پرنده‌گان وحشی در قله‌های بلند کوه‌ها غذا می‌دهد. ابرهه برایش اجازهٔ دخول داد.

پس از آن به ترجمانش گفت: از او بپرس چه نیازی دارد؟

ترجمان حاجت او را پرسید. او گفت: حاجتم آنست که دو صد اشتر ما را که گرفته اید، آن‌ها را برای ما بر گردانید.

ابرهه به ترجمانش گفت: وقتی تو را دیدم هیبت زده و متأثر شدم، ولی چون حرف‌هایت را شنیدم، بی اعتنا شدم، من آمده ام تا کعبه را ویران و نابود کنم، کعبه‌یی که اساس دین تو و دین پدران تواست، و تو در مورد دو صد اشتری که ما گرفته ایم حرف می‌زنی؟ و در مورد کعبه چیزی نمی‌گویی؟

عبدالمطلب گفت: (أنا ربُ الابلِ، للبیتِ ربٌ یحمیه) من صاحب اشترم، کعبه صاحبی دارد که او را حفاظت می‌کند.

ابرهه در رد سخنان عبدالمطلب گفت: هیچ کسی نمی‌تواند مرا باز دارد.

عبدالمطلب در پاسخش گفت: دیگر این کار توست.

دو صد اشتری را که گرفته بودند، برای عبدالمطلب تسلیم نمودند.

عبدالمطلب برگشته و قریش را از قصه آگاه ساخت، سپس خود را به حلقه و پرده‌های کعبه با همه ترس خوف و هراس آویزان کرد، عبدالمطلب و قریش به خدای متعال پناه بردند و خواهان کمک و حمایت او شدند. بعد از آن از مکه بیرون شدند تا به مغاره‌ها و بلندی‌های کوه‌ها پناه گیرند، و منتظر بمانند تا عدل خدای توانا چه زمانی ظلم استبدادگران را درهم می‌پیچد.

هر گاه لشکر ابرهه به سوی جنوب، یا شمال و یا شرق توجیه می‌شد، فیل به سرعت به پیش می‌رفت، و اگر به سوی کعبه رو می‌آوردند، فیل زانو زده و سینه اش را بر زمین فرو می‌گذاشت.

در همین وضعیت بودند که خداوند متعال برسر آن‌ها در منطقهٔ به نام وادی محسر پرنده‌گان ابابیل را فرستاد و بر سر آن‌ها سنگ‌هایی از سجیل می‌افگندند، تا سر انجام خداﷻ آنان را مانند کاه جویده شده گردانید. خداوندﷻ ابرهه را به بیماریی مبتلا ساخت که اندامش بند بند جدا شده و فرو می‌ریخت، هنوز به صنعاء نرسیده بود که قلب و سینه اش پاره شد و هلاک گردید.

این واقعه در ماه محرم، پنجاه و پنج روز پیش از ولادت پیغمبرﷺ اتفاق افتاد.

عبدالله پدر پیغمبرﷺ

پدر پیغمبرﷺ عبدالله نام داشت، عبدالله خوبترین فرزندان عبدالمطلب بود، و عبدالله همان ذبیح است.

زمانی که فرزندان عبدالمطلب به ده نفر رسیدند، و دانست که آن‌ها می‌توانند مانع کارهای قریش شوند، فرزندانش را از نذر خویش اطلاع داد و ایشان فرمانبرداری کردند، نام‌های شان را در تیرها نوشت، و آن‌ها را برای نگهبان هبل داد، تا با تیرها فال بگیرد، تیر به نام عبدالله بر آمد،

عبدالمطلب او را با کاردی گرفته و به سوی کعبه شتافت تا او را ذبح کند، قریش به ویژه ماما هایش از قبیلهٔ بنی مخزوم و برادرش ابو طالب عبدالمطلب را از ذبح کردن عبدالله باز داشتند.
بعد از آن تیرها را به نام عبدالله و به نام ده اشتر زدند و در هر مرتبه نام عبدالله می‌برآمد تا بالآخره در مرتبه دهم نام صد شتر برآمد. عبدالمطلب صد اشتر را به جای عبدالله ذبح کرد.

آمنه مادر پیغمبر ﷺ

عبدالمطلب برای فرزندش عبدالله دختری به نام آمنه بنت وهب بن عبدمناف را برگزید، ایشان از لحاظ وضعیت و نسب بهترین زن قریش در آن زمان بود، پدرش در شرف و نسب سردار بنی زهره بود، عبدالله در مکه با او عروسی کرد.
سپس وی غرض تجارت به سوی شام رفت، در بین راه بیمار شد و وقتیکه به مدینه برگشت در مدینه فرود آمد، درآنجا در سن بیست و پنج سالگی وفات کرد و در همانجا و دفن گردید. وفاتش قبل از تولد پیغمبر ﷺ بود.

نکات مهم درس

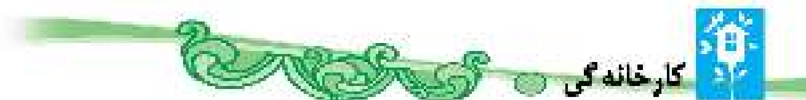
۱- شرف و عظمت کعبه
۲- حقد و حسد ابرهه در برابر مکه و قریش
۳- باور به این‌که خداوند (کعبهٔ مشرفه را حفظ می‌نماید)



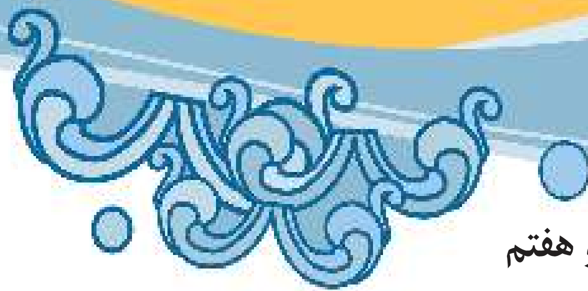
مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.



۱- خانوادهٔ نبوی به خانوادهٔ هاشمی معروف است، هاشم کیست؟
۲- دو اتفاق مهمی در امور خانهٔ خدا برای عبدالمطلب رخ داد، آن‌ها چه بودند؟ شرح کنید.
۳- پدر پیغمبر اکرم ﷺ چه وقت وفات یافت؟



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه با تعبیر خویش بنویسید.



درس بیست و هفتم

میلاد پیغمبر ﷺ

میلاد پیغمبر ﷺ حادثهٔ بزرگی در سراسر تاریخ انسانی بود، که مجرای تاریخ و مجرای زنده‌گی بشری را کاملاً تغییر داد. پس حادثهٔ میلاد چگونه اتفاق افتاد؟ و آوان کودکی پیامبر اکرم ﷺ چگونه سپری گردید؟

میلاد: پیغمبر اکرم ﷺ صبحگاه روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول در منزل ابوطالب پا به دنیا گذاشت. این ولادت در عام الفیل موافق بیست و دوم اپریل (۵۷۱ میلادی) به وقوع پیوست.

هنگامی‌که تولد شد، مادرش او را برای جدش عبدالمطلب فرستاده و او را به خاطر تولد نواسه اش مژده داد، عبدالمطلب با خوشحالی او را داخل کعبه برد، شکر و دعا را برای خدا ﷻ انجام داد، و برایش نام «محمد» را برگزید- در حالی که این نام در میان عرب‌ها معروف نبود- روز هفتم او را ختنه کرد. نخستین کسی که بعد از مادرش برای او شیر داد، ثویبه کنیز ابولهب بود.

در قبیلهٔ بنی سعد

شهر نشینان عرب عادت داشتند که برای فرزندان شان شیرده (دایه) فراهم می‌کردند، تا دور از بیماری موجود در شهر زنده‌گی شان را سپری کنند، بدن‌های شان نیرومند شود، اعصاب قوی داشته باشند، زبان عربی را در گهواره‌های شان به درستی بیاموزند.

عبدالمطلب نیز زنی را از قبیلهٔ بنی سعد بن بکر به نام حلیمه سعدیه برای کودکش محمد شیرده گرفت.

برادران رضاعی محمد ﷺ عبارت بودند از: حمزه بن عبدالمطلب، عبدالله بن حارث، ابوسفیان بن الحارث.

خواهران رضاعی اش انیسه بنت الحارث، شیما بنت الحارث می‌باشند.

به سوی مادر مهربانش

حلیمه بعد از اتمام دورهٔ رضاعت او را به مادرش بر گردانید، وی تا شش سالگی در کنار مادرش زیست. آمنه تصمیم گرفت به خاطر یاد بود همسر متوفایش به زیارت قبر او به یثرب سفر نماید.

آمنه با فرزند یتیمش محمد، خادمه اش ام ایمن و سرپرستش عبدالمطلب از مکه بیرون شد، و بعد

از پیمودن فاصلهٔ پنجصد کیلومتر به یثرب رسیدند، یک ماه را در آنجا سپری نموده و برگشتند. در اثنای برگشت ازیثرب بیمارگردید و در میانهٔ راه بیماری اش شدت گرفت، و در منطقهٔ به نام «ابواء» در بین مکه و مدینه وفات یافت و در آنجا دفن گردید.

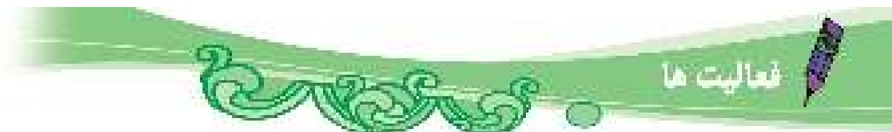
به سوی جدّ دلسوزش

عبدالمطلب با محمد به مکه برگشت، مشاعر دلسوزی اش در برابر نواسهٔ یتیمش افزایش می‌یافت، چون به مصیبت تازه مبتلا گردید، و زخم‌های گذشته را تازه ساخت، دلش چنان برای او سوخته و نرم گردید که به هیچ یکی از فرزندانش آن چنان نرم نشده بود، و می‌گفت: به خدا سوگند که در وجود او عظمت و شکوهی نهفته است. سپس بر سرِ یک فرش با او می‌نشست، بر سر و پهلویش دست می‌کشید، و کار هایی که انجام می‌داد مایهٔ خوشنودی عبدالمطلب می‌گردید.

هشت سال از عمر گرامی‌اش سپری شده بود که جدش عبدالمطلب در مکه وفات یافت، قبل از وفاتش، ابوطالب را غرض سرپرستی حضرت محمدﷺ مکلف ساخت.

به سوی کاکایش

ابوطالب حق برادر زاده اش محمد را آن گونه که لازم بود، به جا آورد، او را با پسر خود یکجا نموده و بر سایرین مقدم می‌ساخت، او را مورد تقدیر، عزت و احترام ویژه یی قرار می‌داد، و حمایتش می‌کرد.



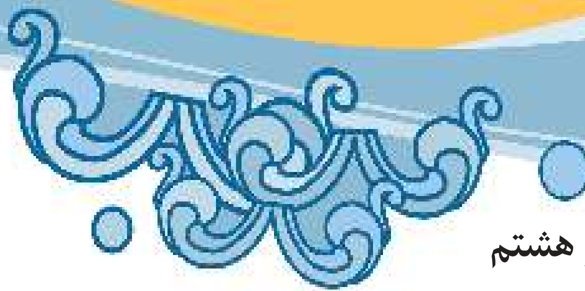
شاگردان متن درس را در گروه‌های دو نفری با هم تکرار نمایند.



۱- پیغمبرﷺ چه وقت تولد گردید؟
۲- حادثهٔ وفات مادر حضرت محمدﷺ را توضیح دهید؟
۳- بعد از وفات مادرش، جدش چگونه با او رفتار می‌کرد؟



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه در کتابچهٔ خود بنویسید.



درس بیست و هشتم

محمد ﷺ در دوران جوانی

محمد ﷺ در دوران نوجوانی به جوانمردی، امانت داری و بردباری بهترین مردم بود، همواره راست می‌گفت، و از زشتی‌ها فاصله داشت، تا آنکه در میان مردم به نام «امین» شناخته شد.

علی بن ابوطالب رضی‌الله‌عنه می‌گوید: پیغمبر ﷺ همواره بشاش، خوش خوی، آرام و مهربان بود. درشت خوی، سخت دل، بدگوی و عیب جو نبود....

در مرحلهٔ نوجوانی و جوانی حضرت محمد ﷺ علایمی ظهور کرد که بعضی از آن‌ها نشانه‌های نبوت وی بود. از جمله:

بحیرای راهب

زمانی که پیغمبر اکرم ﷺ به سن دوازده سالگی رسید، ابوطالب او را باخودش غرض تجارت به شام برد، تابه بصرا که یکی از روستاهای عرب درشام شمرده می‌شد و تحت سلطهٔ یونانی‌ها قرار داشت، مواصلت نمودند.

در این شهر راهبی به نام جرجیس که به «بُحیرا» مشهور بود، زنده‌گی داشت. هنگامی‌که کاروان فرود آمد، بُحیرا نزد آن‌ها رفت، و پیش از این چنین کاری را انجام نمی‌داد، در میان آن‌ها به جستجو پرداخت، تا نزد پیغمبر ﷺ رسید، دست اورا گرفته و گفت: این (شخص) سردار عالم است، او فرستادهٔ پروردگار عالم است، اوکسی است که خداوند جل‌جلاله او را به حیث رحمت عالمیان برمی‌گزیند.

ابوطالب و بزرگان قریش برایش گفتند: تو چگونه از این امر اطلاع داری؟ گفت: آنگاه که شما بر آن گردنه بلند شدید، همهٔ سنگ‌ها و درخت‌ها به سجده فرو رفتند و هکذا من اور از مُهر نبوتی که همانند سیب در قسمت تحتانی شانه اش وجود دارد، می‌شناسم، چون من آن را درکتاب‌های ما یافته ام، سپس آن‌ها را با مهمانیی اکرام و احترام کرده و از ابوطالب خواست تا او را برگرداند، و بار دیگر به شام نیاورد، چون در مورد او از یونانی‌ها و یهودی‌ها ترس و هراس باید داشت. و ابوطالب او را با برخی پسرانش به مکه فرستاد.

جنگ فِجار

پیغمبرﷺ بیست ساله بود که جنگ سختی در بازار عکاظ در میان قریش که کنانه نیز با آن‌ها بود، و درمیان قیس عَیلان مشتعل شد، این جنگ به نام جنگ فِجار معروف است.

سبب این جنگ چنان بود که یکی از افراد بنی کنانه سه نفر از افراد قیس عیلان را کشت، بلا فاصله این خبر در بازار عکاظ پخش شد، هر دو طرف برآشفته شدند و به خونخواهی پرداختند. در این جنگ فرماندهی قریش و کنانه را حرب بن امیه به عهده داشت.

در آغاز روز کفهٔ پیروزی قیس بر کنانه سنگین بود، ولی در آخر روز وضعیت جنگی به نفع قریش تغییر کرد، در این وقت برخی افراد قریش هردو طرف را به صلح فراخواندند، به گونه‌یی که هردو طرف کشته‌های شان را بشمارند، هر طرفی که کشته بیشتر داشت دیت آن را بستاند.صلح بر همین مبنا برقرار شد. دشمنی و شرارتی که در میان شان وجود داشت، از بین رفت، و به نام «جنگ فجار» مسمی‌گردید؛ زیرا دراین جنگ به حرمت ماه حرام توجه نکردند.

حِلف فضول

حلف فضول عبارت از میثاق با ارزشی بود که برای دفاع از حقوق و حمایت بینوایان و مستضعفین بسته شده بود. قریش بعد از برگشت از حرب فجار، این پیمان را در منزل عبدالله بن جدعان درمکهٔ مکرمه منعقد کردند.

در این پیمان همه متعهد شدند هرکسی از مردم مکه یا بیرون مکه مورد ظلم و تجاوز قرارگرفت، درکنار مظلوم می‌ایستند، از او در برابر ظالم به دفاع می‌پردازند، تا حقوق مظلوم را برایش برگردانند. قریش این پیمان را به نام حلف فضول یاد کردند. این پیمان منزلت قریش را درمیان سایر قبایل در جایگاه برتری قرار داد، هنگامی‌که پیغمبرﷺ در این پیمان حضور یافت، در سن بیست سالگی قرار داشت.

این پیمان به خاطری به حلف فضول مسمی‌گردید که با حلف فضولی که در گذشته‌ها هنگامی‌که قبیلهٔ جرهم در مکه زیست داشتند، مشابهت داشت، وآن پیمان توسط اشخاصی به میان آمده بود که همهٔ آن‌ها «فضل» نام داشتند، از قبیل: فضل بن حارث، فضل بن وداعه، فضل بن فضاله، بنابرآن پیمان آن‌ها به نام حلف (پیمان) فضول که جمع فضل است مسمی‌گردید.

مشابهت این پیمان به آن پیمان در این بود که اساس آن را اقامهٔ انصاف و عدالت در میان دو طرف، گرفتن حق ناتوان از نیرومند، و گرفتن حق بیگانه از شهروند تشکیل می‌داد.

این پیمان بزرگ و انسانی، موجب افتخار حضرت محمدﷺ بود، چون مردم را به سوی خیر و مکارم اخلاق فرا می‌خواند.

پیغمبرﷺ در این پیمان حضور داشت، و بعد از آن‌که مبعوث گردید روزی فرمود: (شاهد پیمانی

درمنزل عبدالله بن جدعان بودم که برایم از اشتران سرخ دوست داشتنی تر بود، اگر در اسلام نیز به چنین کاری فراخوانده شوم می‌پذیرم).

زنده‌گی دشوار و پرتلاش

پیغمبر ﷺ قبل از جوانی در قبیلۀ بنی سعد گوسفند می‌چراند، و نیز برای خانواده اش در ساحات مکه مکرمه گوسفند می‌چرانید. همچنان هنگامی‌که به جوانی پا گذاشت به پیشۀ تجارت نیز روی آورد. با سائب مخزومی تجارت می‌کرد، و بهترین شریکش بود. وقتیکه مکه فتح گردید وی نزد پیغمبر ﷺ آمد ایشان به وی خوش آمد گفته فرمودند: برادرم و دوستم خوش آمدید.

در سن بیست و پنج سالگی غرض تجارت با سرمایۀ خدیجه رضی الله عنها به شام رفت. خدیجه بنت خویلد رضی الله عنها خانم شریف وثروت مندِ تجارت پیشه یی بود، در تجارت سرمایه اش برخی مردان را اجاره می‌گرفت و سهمی‌برایش معین می‌کرد.

قریش مردمان تجارت پیشه یی بودند؛ چون خدیجه رضی الله عنها از صداقت، راستکاری، امانت داری، جوانمردی و اخلاق پیغمبر ﷺ اطلاع یافت، شخصی را برایش فرستاده و از او تقاضاکرد که غرض تجارت سرمایه اش همراه با میسره بردۀ خدیجه رضی الله عنها، به سوی شام سفر نماید. پیغمبر ﷺ پذیرفته و با میسره رهسپار شام شدند.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.

ازدواج با خدیجه رضی الله عنها

هنگامی‌که پیغمبر اکرم ﷺ از شام به مکه برگشت، خدیجه رضی الله عنها امانت و برکتی را در مالش مشاهده کرد که قبل از آن هرگز ندیده بود. همچنان میسره چشمدیدهایش را از صفات نیک، فکر صائب و منطق صادق پیغمبر ﷺ برای خدیجه خبر داد، خدیجه گمشده اش را دریافت.

رؤسا و بزرگان قریش خواستار ازدواج با خدیجه بودند؛ ولی خدیجه رضی الله عنها قبول نمی‌کرد. خدیجه حرف دلش را با دوستش نفیسه بنت منبه درمیان گذاشت، نفیسه نزد پیغمبر ﷺ رفته و ازدواج با خدیجه را با او در میان گذاشت، ایشان پذیرفت. سپس با کاکایش صحبت کرد، که در نتیجه وی نزد کاکای خدیجه رفتند و خدیجه را برای پیغمبر ﷺ خواستگاری کردند.

بعد از موافقۀ ایشان ازدواج صورت گرفت، در مجلس عقد نکاح، بزرگان قبیلۀ بنی هاشم و قبیلۀ مُضَر حضور یافتند، مهرش بیست اشتر مادۀ جوان بود. این نکاح دو ماه پس از برگشت از سفر شام صورت گرفت.

پندها و اندرزها

۱- عدالت در هر زمانی و از جانب هر گروهی که پیشنهاد و طرح گردد قابل تقدیر و تأیید است.

۲- حلف فضول به منزلهٔ چراغ درخشانی بر فراز تاریکی‌های جاهلیت بود. این امر دال بر آن است که گسترش فساد در یک جامعه یا یک نظام به معنای خالی بودن از همه فضیلت‌ها نیست.

۳- ظلم با همهٔ انواعش مردود است؛ اگرچه بر شمار اندکی از مردم صورت گیرد. اسلام با ظلم می‌جنگد و در کنار مظلوم، بدون توجه به رنگ، دین، وطن و جنسش می‌ایستد.

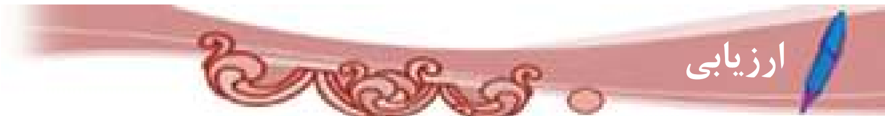
۴- جواز هم پیمانی و تعهد در اجرای کارهای خیر، برای مسلمانان با دیگران.

۵- باید مسلمان در جامعه اش همواره فعال و مؤثر زنده‌گی کند، در حاشیهٔ حوادث محیط و جامعه اش قرار نگیرد.

۶- خداوند متعال برای پیامبرش همسری مناسب برگزید تا او را همکاری کند، و در حمل تکالیف رسالت به کمکش بشتابد.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.



۱- اخلاق پیغمبرﷺ در دوران جوانی و قبل از بعثت چگونه بود؟

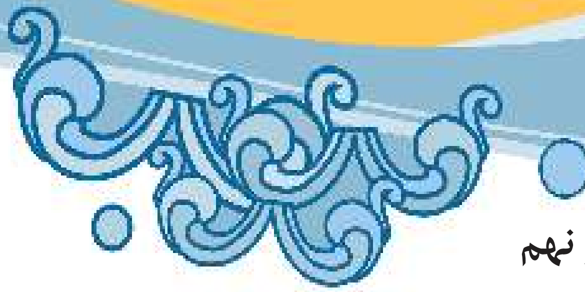
۲- آیا پیغمبرﷺ در دوران جوانی کار و پیشهٔ معینی داشت؟ تشریح کنید.

۳- پندها و اندرزهایی را که می‌توان از حلف فضول برگرفت، توضیح دهید.

۴- بحیرای راهب چگونه پیغمبرﷺ را شناخت؟

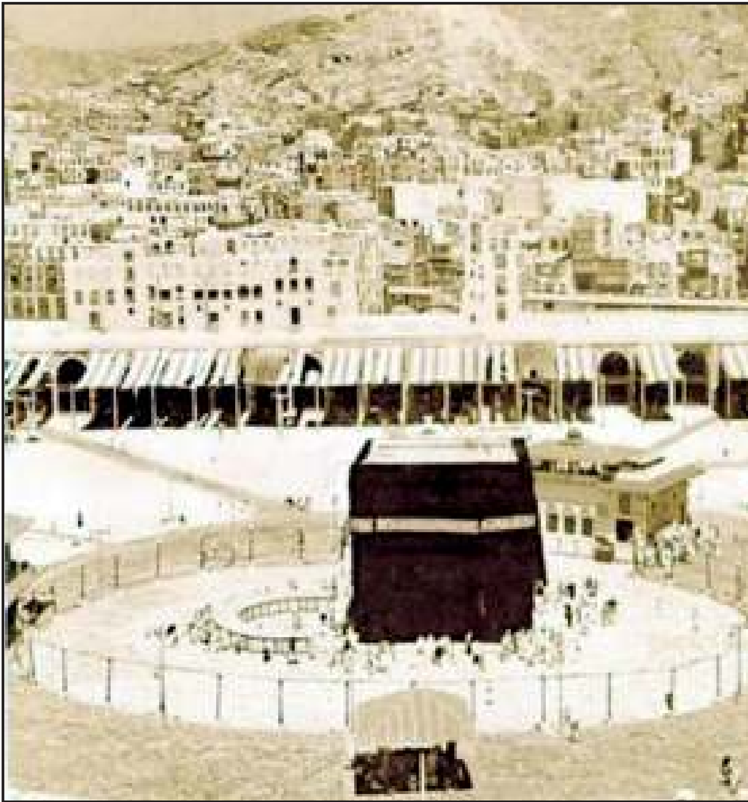


مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر و زبان خویش بنویسید.



درس بیست و نهم

ساختن کعبهٔ مشرفه



بنای کعبه

پیغمبر ﷺ سی وپنج ساله بودکه قریش به خاطر ساختن کعبه گردهم جمع شدند، ساختن سقف کعبه برای شان اهمیت زیادی داشت؛ ولی از ویران کردن کعبه هراس داشتند.

قریش توانستند چوب‌های مناسبی را برای پوشش سقف کعبه فراهم نمایند، چون

بنای کعبه از زمان اسماعیل‌ؑ تا آن وقت سقف نداشت و تنها با دیوارهای سنگی بلند احاطه شده بود، در همین سال سیل قوی به ساحهٔ مسجد الحرام سرازیر گردید و نزدیک بود که کعبه ویران و ازهم پاشیده شود، بنابرآن قریش مجبور گردیدند تا بنای کعبه را بازسازی نمایند.

آن‌ها اتفاق داشتند که در ساختن کعبه تنها از اشیای پاکیزه کارگیرند، و از پولی که از راه‌های نادرست کسب شده، و سرمایه‌یی که از سود و ربا به دست آمده باشد، در ساخت کعبه استفاده نشود.

ولید بن مغیرهٔ مخزومی به ویران کردن آن آغاز کرد، کلنگ را گرفت و گفت: الهی جز خیر چیز دیگری نمی‌خواهیم، و ناحیهٔ رکنین را ویران کرد، چون برای او مصیبتی نرسید لذا روز دوم مردم او را در ویران کردن کعبه پیروی کردند، به ویران کردن آن ادامه دادند تا به تهدابی که ابراهیم‌ؑ نهاده بود، رسیدند.

بعد از آن به ساختن کعبه آغاز کردند، طوری که کعبه را به بخش‌های مختلف تقسیم کردند، هر بخش برای یک قبیله اختصاص یافت، هر قبیله به جمع آوری سنگ پرداخته و ساخت آن را شروع کردند، متولی، ساخت کعبه یک معمار رومی‌بود.

هنگامی‌که بنای آن به محل حجرالاسود رسید، در مورد این که چه کسی شرف امتیاز نهادن حجر الاسود را در مکانش به دست می‌آورد، اختلاف کردند. این منازعه چهار تا پنج روز ادامه یافته و شدت گرفت، و نزدیک بود که به جنگ سختی در سرزمین حرم بانجامد.

قضیهٔ تحکیم در حجر اسود



حجر اسود با غلاف نقره‌یی



حجر اسود بدون غلاف

ابوامیه بن مغیرۀ مخزومی پیشنهادی کرد: به خاطر رفع این منازعه باید نخستین کسی را که از دروازۀ مسجد وارد می‌شود، حَکم قرار دهیم، همه پذیرفتند. خداوندﷻ خواست اولین شخصی که از دروازۀ مسجد داخل می‌شود، حضرت محمدﷺ باشد. چون مردم او را دیدند فریاد برآوردند: این همان امین است، او محمدﷺ است، ما راضی هستیم. او را از این امر اطلاع دادند، چادری طلب کرد، حجرالاسود را در میان چادر نهاد، از سران قبایلی که با هم منازعه داشتند خواست که همۀ آن‌ها از گوشه‌های چادر بگیرند،آن را بردارند تا به جایش برسد، آنگاه سنگ را گرفت و با دست خویش در مکانش نهاد. این شیوۀ مناسبی برای حل منازعه بود که همۀ مردم به آن راضی شدند.

اموال جمع آوری شدۀ قریش کمبود کرد، بخشی از جهت شمالی آن را جدا کردند که اکنون به نام حِجر یا حطیم یاد می‌شود. دروازۀ کعبه را نیز از سطح زمین بلند ساختند.

در واقعۀ بنای کعبه برای پیغمبرﷺ دو شرف حاصل گردید: شرف از بین بردن جنگ و منازعه، توقف جنگ احتمالی در میان قبایل قریش، و شرف نهادن حجرالاسود در مکانش با دستان شریفش.

سیرت اجمالی قبل از بعثت

پیامبرﷺ از بهترین صفاتی برخوردار بود مانند: امانت، صداقت، احسان، سخاوتمندی، بردباری، ترحم، ثبات، استقرار، انصاف، شفقت، مهربانی، پاکی و تواضع.

شراب نمی‌نوشید، هر چیزی که برای بت‌ها ذبح می‌شد چیزی از آن‌ها نمی‌خورد، در مناسبت‌ها و محافلی که برای بتان برگزار می‌شد، حضور نمی‌یافت. از نخستین روزهای زنده‌گی نه تنها از این‌گونه معبودان باطل نفرت داشت، بلکه هیچ چیزی را نفرت انگیزتر از بتان نمی‌پنداشت، و نمی‌توانست سوگند به لات و عزی را بشنود.

پیغمبرﷺ در میان مردم به داشتن اخلاق پسندیده خصلت‌های نیکو شهرت داشت. بهترین آن‌ها در مردانه‌گی، نیکوترین شان در اخلاق، عزیزترین شان در همجواری، بزرگترین شان در بردباری، راستگوترین شان درسخن، نرم خو ترین شان، وفادارترین شان در عهد بود؛ یعنی تمامی‌احوال نیکو و خصلت‌های پسندیده در اوﷺ جمع شده بود.

تاریخ بنای کعبه مشرفه

۱- در مورد تاریخ تأسیس کعبۀ مشرفه روایات متعدد وجود دارد:

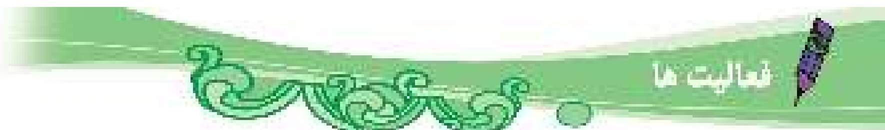
برخی آن را به زمانه‌های بسیار دور، قبل ازآفرینش آدم می‌کشانند، می‌گویند: فرشتگان کار ساختن کعبه را به عهده داشتند.

برخی دیگر می‌گویند: آدمعليه السلام نخستین کسی بود که کعبه را بنا گذاشت. بعد از آن که بنایش پایان یافت، خداوند متعال برایش وحی نمود که به دورخانه طواف کند، و برایش گفته شد: تو اولینِ شخص هستی، و این نخستین خانه است. سپس قرن‌های پیاپی سپری شد، تا آن‌که



نوح(ع) کعبه را حج کرد، بعد از آن قرن‌ها سپری گردید تا ابراهیم(ع) تهداب آن را بلند ساخت.
به هر حال چیزی که در قرآن‌کریم به دلیل قطعی ثابت است این است که ابراهیم و اسماعیل علیهماالسلام کسانی هستند که تهداب‌های بیت الحرام را بلند کردند.

۲- بنای کعبه درطول زمان چهار بار ساخته شده و یک بار به صورت اساسی ترمیم شده است:
اول- بنایی که ابراهیم(ع) آن را ساخت و اسماعیل(ع) او را کمک می‌کرد.
دوم- بنایی که قریش قبل از بعثت به ساختن آن اقدام کردند و پیغمبر(ص) در بنای آن اشتراک داشت.
سوم- هنگامی‌که در زمان یزید بن معاویه به خاطر محاصرهٔ عبدالله بن زبیر کعبه با منجنیق زده شده و آتش گرفت، عبدالله بن زبیر آن را ساخت.
چهارم- در زمان عبدالملک بن مروان بعد از آن که عبدالله بن زبیر کشته شد، کعبه را همان‌گونه که در زمان پیغمبر(ص) بود، دوباره ساختند.
- در عهد خادم الحرمین الشریفین ملک فهد بن عبدالعزیز داخل و خارج کعبه را همراه با مسجد الحرام بازسازی و ترمیم اساسی گردید.



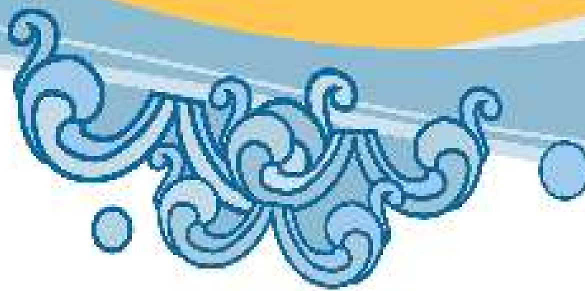
شاگردان متن درس را در گروه‌های دو نفری با هم تکرار نمایند.



۱- سبب نزاعی که به خاطر نهادن حجرالاسود درمیان قبایل قریش به میان آمد، چه بود؟
۲- قضیهٔ حکمیت پیغمبر(ص) چگونه به میان آمد؟ مختصرا شرح کنید؟
۳- همهٔ صفات ستوده در وجود پیغمبر(ص) قبل از بعثت جمع شده بودند، برخی از این صفات ستوده را ذکر کنید؟
۴- پیغمبر(ص) قبل از بعثت با بت‌های موجود در مکه چه نوع برخورد می‌نمود؟



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر و زبان خویش نوشته کرده و عنوان مناسبی برایش انتخاب نمایید.



درس سی ام

درسایه‌های نبوت و رسالت

بعد از آن‌که خداوند متعال برای پیغمبر ﷺ شرف نبوت و رسالت را عطاء کرد، زنده‌گی اش به دو بخش تقسیم می‌گردد، که هربخش آن ویژه‌گی‌های خاصی دارد، این دو بخش عبارت است از: دوران مکی و دوران مدنی. خصایص و ویژه‌گی‌های آن دو دوره چیست؟ این دو دوره چه مراحلی را در بر می‌گیرند؟

دوران مکی- نبوت و دعوت

هر دو دوران مراحل متعددی را سپری کرده اند، و هر مرحلهٔ آن ویژه‌گی‌هایی دارد که او را برجسته می‌سازد، هرگاه با دقت به شرایطی که دعوت در هر دو دوران از آن عبور کرده است، نگاه شود، این امر آشکارتر می‌شود.

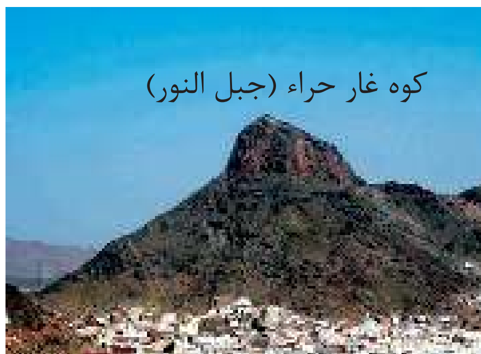
دوران مکی را که تقریباً (سیزده سال است) می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد:

۱- مرحلهٔ دعوت سری، که سه سال را در برگرفت.

۲- مرحلهٔ اعلان دعوت آشکارا برای مردم مکه، که از آغاز سال چهارم بعثت شروع شده و تا اواخر سال دهم بعثت دوام نمود.

۳- مرحلهٔ گسترش دعوت در بیرون مرزهای مکه مکرمه، که از اواخر سال دهم بعثت آغاز و تا هجرت به مدینه دوام نمود.


غار حراء


کوه غار حراء (جبل النور)

غار حراء (جبل النور)

هنگامی‌که عمر آن حضرتﷺ به چهل سالگی نزدیک گردید، خلوت و تنهایی برایش دوست داشتنی بود، آب و توشه با خودش بر می‌داشت و به سوی «غار حراء» که در جبل النور واقع بود، می‌رفت.

اگر شما از مسجدالحرام فاصلۀ یک ساعت راه را به سمت شمال پیاده حرکت نمایید، آنگاه با کوهی رو برو خواهید شد که مانند منارۀ نورانی می‌درخشد، این کوه سر برافراشته همان جبل النوراست که غار حراء در آن موقعیت دارد، وآن غار کوچکی است که پیغمبرﷺ ماه رمضان را در آن به سر می‌برد. اوقاتش را درعبادت و تفکر در بارۀ کاینات و قدرت و عظمت خالق کاینات صرف می‌کرد. چون عقاید شرکی و مفکوره‌های نادرستی که در میان قومش رواج داشت به هیچ وجه مورد قبول وی نبود، و راه و مسیر روشنی که اعتماد و رضایتش را حاصل نماید نیز نمی‌شناخت، آشفته و پریشان بود.

عزلت و خلوت نقطۀ تحولی بود برای آمادگی به مسئولیت بزرگی که در انتظار اوست.

جبریل با وحی فرود می‌آید



زمانی که چهل سالگی اش کامل شد، درخشش طلیعه‌های نبوت آغاز گردید؛ از جملۀ آن‌ها هر سنگی در مکه برایش سلام می‌داد، هر خوابی که می‌دید صداقت خوابش آشکار می‌شد، رویایش همانند سپیدۀ صبح می‌بود، که همین گونه مدت یک سال سپری شد.

چون رمضان سال سومی‌که درغار حراء خلوت می‌گزید، فرارسید، خداوند متعال خواست تا مردم زمین را از رحمت خویش بهره مند سازد، و اوﷺ را به نبوت گرامی ساخت، و جبریلعليه‌السلام را با آیاتی از قرآن کریم به سویش فرستاد.

وحی چه وقت نازل شد؟

وحی روز دوشنبه شب بیست ویکم رمضان، موافق به دهم اگست سال ۶۱۰ میلادی، که پیغمبرﷺ درسن چهل سالگی قرار داشت، نازل گردید.

حضرت عائشهٔ صدیقهرضی‌الله‌عنها این حادثه را برای ماچنین روایت می‌کند:

(نخستین وحی که برای پیغمبرﷺ آشکار گردید، رویای صالحه در خواب بود، در غار حراء خلوت اختیار می‌کرد، و قبل از آن‌که به خانواده‌اش برگردد شب‌های معدود و حساب شده‌ای به عبادت مشغول می‌بود، و برای آن زاد و توشه می‌گرفت. بعد از آن نزد خدیجه بر می‌گشت، و همانند آن برای بارآینده زاد و توشه آماده می‌کرد.

در غار حرا بود که وحی برایش نازل شد، فرشته آمده و گفت: بخوان، گفت: من قاری یا خواننده نیستم، فرمود: (فرشته) مرا گرفته سخت فشار داد، سپس رهایم کرد، وگفت: بخوان، گفتم: خواننده نیستم، بار دوم مرا گرفته وسخت فشار داد، و رهایم کرد، وگفت: بخوان، گفتم: خواننده نیستم، بار سوم مرا گرفته فشار داد، و رهایم کرد و گفت:

(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَرَبُّکَ الْأَکْرَمُ، الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ) [علق:۱-۵].

ترجمه: بخوان به نام پروردگارت آنکه خلق کرده است، آن‌که انسان را از پارچه خونی خلق نمود، بخوان و پروردگار تو که بس صاحب کرم است، آن‌که به وسیلهٔ قلم تعلیم داد و به انسان چیزی را تعلیم داد که قبلاً نمی‌دانست آن را.

پیغمبر اکرمﷺ از غار حراء برگشت، قلبش می‌لرزید، برای خدیجه گفت: (مرا پیچانید، مرا پیچانید) او را پیچانید تا هراسش از بین رفت. به خدیجه گفت: مرا چه شده؟ و خدیجه را از جریانی که بر او گذشته بود آگاه ساخت، و گفت: در مورد خود بیمناک شدم، خدیجه گفت: هرگز چنین نیست، به خدا سوگند که خداوند تو را رسوا و شرمنده نمی‌سازد، چون رحم را وصل می‌کنی (به صلهٔ رحم توجه داری)، برمستمندان انفاق می‌نمایی، مال فراوان به دست آورده و آن را به بی‌نوایان سخاوت می‌کنی، مهمان را اکرام می‌کنی، و در رویدادهای حق کمک می‌کنی.

خدیجه همراه با او به سوی منزل ورقه بن نوفل پسر کاکای خدیجه رفت، وی در جاهلیت نصرانیت را پذیرفته بود، و اکنون پیرمردی بود که بینایی اش را از دست داده بود، خدیجه برایش گفت:

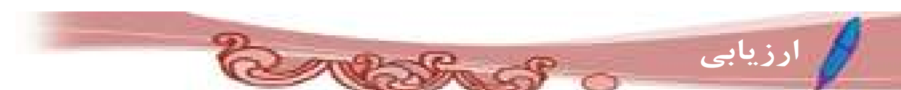
ای پسر عمو! حرف‌های برادر زاده ات را بشنو، ورقه برایش گفت: ای برادر زاده! چه شده؟ پیغمبر اکرمﷺ داستان آنچه را دیده بود، برایش گفت، ورقه گفت: این (فرشته) همان کسی است که خداوندجل‌جلاله او را به موسی فرستاد، کاش در آن روزها (ایام نبوت) جوان و نیرومند می‌بودم (تاتورا کمک می‌کردم)، کاش زمانی قومت تورا بیرون

می‌کنند، زنده می‌بودم.
پیغمبر اکرمﷺ گفت: آیا آن‌ها مرا بیرون می‌کنند؟ گفت: آری، هرکس که همانند تو چیزی بیاورد، به طور حتمی مورد عداوت و دشمنی مردم واقع می‌شود، اگر در آن روزها بودم، با همه نیرویم تو را کمک و معاونت می‌نمایم. ولی ورقه به زودی وفات یافت، وحی نیز قطع گردید.



فعالیت ها

شاگردان مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.



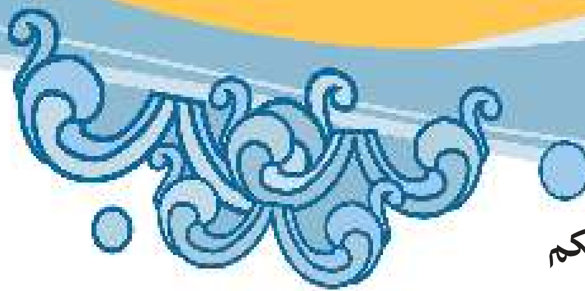
ارزیابی

۱- دروۀ مکی به سه مرحله تقسیم می‌شود، نام ببرید.
۲- چرا پیغمبر اکرمﷺ قبل از بعثتش به غار حراء می‌رفت؟
۳- بعد از آن‌که پیغمبر اکرمﷺ ورقه بن نوفل را از نزول وحی اطلاع داد، عکس‌العمل ورقه چگونه بود؟



کارخانه‌گی

مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالۀ کوتاه در کتابچۀ خود نوشته و عنوان مناسبی برایش انتخاب نمایید.



درس سی و یکم

ادامهٔ نزول وحی

اقسام و اشکال وحی

اقسام و مراتب وحی قرارذیل است:

۱- رویای صادق - که آغاز وحی برای پیغمبر اکرمﷺ بود.

۲- آنچه که فرشته در ذهن و قلبش تلقین می‌کرد، بدون آن‌که فرشته را ببینند.

۳- فرشته یی در چهرهٔ مردی برای پیغمبر اکرمﷺ تمثیل می‌شد، تا هرچه را برایش بگوید، خوب بداند، در این‌گونه اوقات صحابه نیز او را مشاهده می‌کردند.

۴- فرشته همانند صدای جرس (زنگ) برایش می‌آمد، تحمل اینگونه وحی برایش سخت تمام می‌شد، تا آن‌که در روزهایی که سردی شدت می‌داشت، قطرات عرق در جبینش نمایان می‌شد، و اگر برمرکبش سوار می‌بود، درآن وقت مرکب برزمین زانو می‌زد.

۵- پیامبر اکرمﷺ فرشته را درهمان چهره اصلی یی که آفریده شده بود، می‌دید، و آنچه را که خداوند می‌خواست برایش وحی می‌کرد. این نوع وحی دوبار واقع شده است که در سورهٔ «النجم» مذکور است.

۶- خداوند متعال در حال عروج برایش وحی فرموده است، مانند وحی که به پیغمبر اکرمﷺ درشب معراج صورت گرفته است.

۷- کلام خداوند متعال که برای پیغمبرﷺ بدون واسطهٔ ملک وحی می‌گردید، همان گونه که خداوند با موسی بن عمران سخن گفت. این وحی برای موسی عليه السلام در نص قرآن، و برای پیغمبر اکرمﷺ در حدیث اسراء ثابت شده است.

جبریل عليه السلام بار دوم وحی می‌آورد

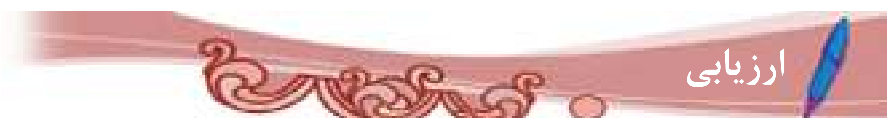
تأخیر وحی چند روزی را در برگرفت، پیغمبرﷺ در انتظار فرود آمدن وحی به سر می‌برد، که خداوند متعال دوباره او را به وحی مکرم ساخت.

پیغمبر اکرمﷺ می‌فرماید: (مدت یک ماه در حرا معتکف شدم، وقتی اعتکافم را سپری کردم، از غار کوه فرود آمدم، به عمق وادی رسیدم، صدایی شنیدم، به سمت راست، چپ،

جلو و عقبم نگاه کردم، چیزی ندیدم، به سمت بالا نگاه کردم، همان فرشته یی را دیدم که در غار حراء نزد من آمده بود، برکرسی یی که در میان آسمان و زمین قرار داشت، نشسته بود، سخت هراسان شدم، و از وحشت دیدن او به زمین افتادم.
نزد خدیجه آمدم و گفتم: مرا بپیچانید، مرا بپیچانید فرمود: مرا پیچاندند، سپس این آیات نازل گردید:
(یا أَيها الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ، وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ، وَثِيابَكَ فَطَهِّرْ، وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ) [المدثر: ۱-۵].
ترجمه: ای مردجامه برخود پیچیده، برخیز و (به مردم) هشدار ده، وپروردگار خود را بزرگ دار، و لباس خویشتن را پاک کن، و از پلیدی دوری گزین.
بعد از آن پیغمبر اکرمﷺ بیست سال تمام آرامش و راحت را از خود و خانواده اش به دور نگه داشت، و در راه دعوت به سوی خداﷻ برخاست، و بارسنگین و طاقت فرسای بزرگ ترین امانت را بردوش کشید، بار مقابله با ظلم وستم و جهالت را برشانه نهاده و بیشتر از بیست سال در ساحات مختلف سعی و تلاش و مجاهدت نمود. و از زمانی‌که ندای شکوهمند آسمان را شنید، و به این چنین تکلیف رهیب مامور گردید، هیچ کاری او را از حرکت به سوی هدف باز نداشت.



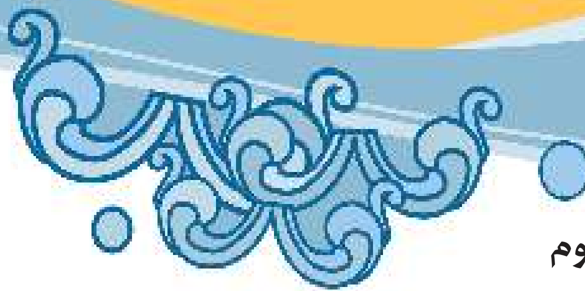
شاگردان مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند



۱- اقسام وحی را به صورت مختصر بیان نمایید.
۲- جبرئیل امین باردوم چگونه با وحی آمد؟



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه در کتابچهٔ خود نوشته و عنوان مناسبی برایش انتخاب نمایید.



درس سی و دوم

خدیجه رضی‌الله‌عنها

خدیجه کیست؟ چه فضایلی دارد؟ چگونه پیغمبر اکرم ﷺ را پشتیبانی کرد؟ و ازدواجش با پیغمبر اکرم ﷺ چه تاثیری در گسترش دعوت بر جای گذاشت؟

خدیجه کیست؟

خدیجه بنت خویلد بن اسد است، که در جد سومش با پیغمبر اکرم ﷺ در یک نسب جمع می‌شود، وی به نام «طاهره» نیز یاد می‌شد، پانزده سال قبل از عام الفیل تولد گردید. از کاملترین زنان و دارای اخلاق نیکو و شرف و برتری حسب و نسب بود.

پیامبر فرمود: (بهترین زنان اهل بهشت خدیجه بنت خویلد، فاطمه بنت محمد، مریم بنت عمران و آسیه بنت فراحم همسر فرعون هستند [1]).

خدیجه این شرف را دارد که وی نخستین شخصی است که بعد از اطلاع از بعثت پیغمبر ﷺ به او ایمان آورد.

خدیجه چهل سال عمرش را پشت سر گذاشته و بیوه بود، با حضرت محمد ﷺ که بیست و پنج ساله بود ازدواج کرد، بعد از عروسی، بیست و پنج سال زنده‌گی مشترک داشتند.

خدیجه همدرد پیغمبر اکرم ﷺ

هر گاه بر پیغمبر اکرم ﷺ مشکلاتی روی می‌آورد، در مقابله با آن قلب أم المؤمنین خدیجه در پهلوی قلب بزرگ پیامبر قرار می‌گرفت، و همواره پیغمبر اکرم ﷺ را با مشوره‌های نیک یاری می‌نمود، با سرمایه اش او را حمایت می‌کرد، و با سخنش تسلی می‌داد.

فرزندان پیغمبر اکرم ﷺ

خدیجه و پیامبر به عنوان زن و شوهر بیست و پنج سال در حمایت یکدیگر زنده‌گی کردند، خدیجه رضی‌الله‌عنها بهترین همسر او بود.

همهٔ فرزندان پیغمبر اکرم ﷺ از خدیجه بود، به جز ابراهیم که از ماریه تولد شده بود، فرزندانی که به خدیجه تعلق داشتند عبارت بودند از: قاسم، عبدالله، و چهار دخترش به نام‌های زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه، هر سه پسر پیغمبر اکرم ﷺ قاسم، عبدالله و ابراهیم در طفولیت وفات کردند.

وفات خدیجه رضی‌الله‌عنها

بعد از انتهای محاصره شعب ابو طالب دیری نگذشت که خدیجه ندای خدای متعال را لبیک گفته

۱صحیح ابن حبان،۴۷۰/۱۵

و سه سال قبل از هجرت وفات یافت، پیغمبر اکرمﷺ بر فقدانش شدیداً اندوهگین گردید، پیغمبر اکرمﷺ در قبرش داخل شده و با دستانش او را در قبر نهاد. ایشان در دهم رمضان به عمر شصت و پنج سالگی وفات یافت.

این سال به نام «عام الحزن» (سال غم و اندوه) مسمی‌گردید، زیرا در این سال پیغمبر اکرمﷺ دو شخصیت برازنده را از دست داد، و آن‌ها خدیجه و ابوطالب بودند، چون این دو شخص همواره در تایید و پشتیبانی پیامبر قرار داشتند، و او را مورد محبت و مهربانی قرار می‌دادند.

با مرگ او پیغمبر اکرمﷺ تنها مانده و در خانواده اش کمک کننده و حمایت کننده دیگری نداشت.

پیغمبر اکرمﷺ بعد از وفات خدیجه ازدواج کرد، ولی یاد او تا آخرین روزهای حیاتش همواره در قلبش جایگزین بود، و بهترین وفا دار او باقی ماند.

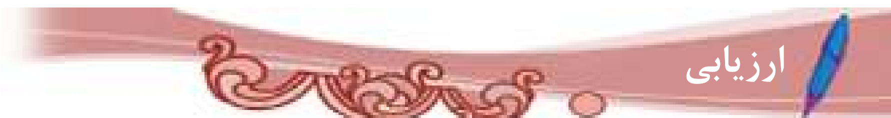
امهات المؤمنین

امهات المومنین کنیه یی است که قرآن کریم همسران پیغمبر اکرمﷺ را به آن گرامی‌داشته است، می‌فرماید: (و ازواجه امهاتهم) [احزاب:۶].

هدف از اطلاق این کنیه بر همسران پیغمبر اکرمﷺ اعلان حرمت ازدواج با آن‌ها بعد از رحلت پیامبر بود. این کنیه به مثابهٔ نشان افتخاری بود به خاطر گرامی داشت شان و تقدیر از نقش آن‌ها در مسیر دعوت بر گردن شان آویخته شد.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب با هم تکرار نمایند.

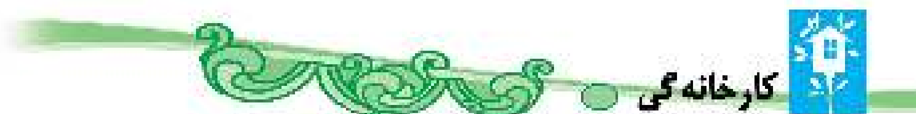


۱- خدیجه کیست؟

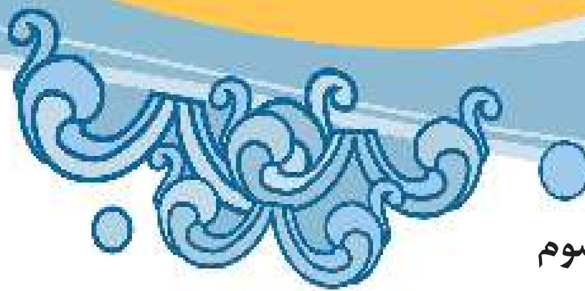
۲- اسبابی را که باعث رغبت ازدواج خدیجه با پیغمبر اکرمﷺ گردید، بیان دارید.

۳- خدیجه با پیغمبر اکرمﷺ همدردی نموده و او را تسلی می‌داد، این موضوع را شرح کنید.

۴- مراد از امهات المؤمنین چیست؟ و این ویژه‌گی ای که خداوندﷻ برای آن‌ها عطا کرده است، چه مفهومی را افاده می‌کند؟



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه در کتابچهٔ خود نوشته و عنوان مناسبی برایش انتخاب نمایید.



درس سی و سوم

دعوت سری

پیغمبر اکرمﷺ به تبلیغ رسالت، دعوت مردم به توحید و یکتا پرستی و رهنمایی مردم مامور گردید. پس پیغمبر اکرمﷺ تبلیغ رسالتش را چگونه آغاز کرد؟ از کجا شروع کرد؟ و پاسخ و استجابت مردم در برابر دعوت جدید چگونه بود؟

آغاز دعوت سری

بعد از نزول آیاتی از سورۂ مدثر، پیغمبر اکرمﷺ دعوتش را به سوی خدای یگانه آغاز کرد.

چرا آغاز دعوت سری بود؟

چون درمیان قوم خشنی به سر می‌برد که پیرو عادات و تقالید فاسد شان بودند و جز بت پرستی آیین دیگری نداشتند. حجت و برهانشان در توجیه بت پرستی آن بود که پدران شان بت‌ها را پرستش می‌کردند. ازجانب دیگر در آیین بت پرستی زعامت دینی جزیرة العرب را نیز به عهده داشتند، و خشونت آن‌ها به حدی بود که در حل مشکلات و منازعات شان جز توسل به شمشیر راهی دیگری را نمی‌شناختند.

پس در چنین شرایطی، تقاضای حکمت چنان بود که دعوت درآغاز کار باید به شکل سری به پیش برود، تا مردم مکه یک باره و ناگهانی به امری تحریک کننده مواجه نشوند. بنابر این، پیغمبرﷺ مردم را سری و پنهانی به اسلام دعوت می‌کرد.

دعوت را از کجا شروع کرد؟

پیغمبر اکرمﷺ اشخاصی را به اسلام دعوت می‌نمودند که به صفات نیک مانند حق دوستی، صداقت، صلاح و خیر خواهی متصف بودند.

این اشخاص حتما دعوت او را پاسخ می‌گفتند، و گفتار پیغمبر اکرمﷺ را باور می‌کردند و چنان با پیغمبر اکرمﷺ و دین اسلام مخلص بودند که تا آخرین رمق حیات شان با ایثار و فداکاری در خدمت این دین بودند.

این‌ها در تاریخ اسلامی به نام نخستین پیشتازان (سابقین-اولین) اسلام شناخته می‌شوند، در طلیعهٔ این دسته، أم المؤمنین خدیجه بنت خویلد رضی الله عنها، ابو بکرصدیق،

علی بن ابی طالب و زید بن حارثه رضی الله عنهم جا داشتند، این دسته در نخستین روز دعوت به قبول اسلام مشرف شدند.

سپس ابوبکر در کار زار دعوت فعال شد، و دعوت را درمیان قومش آغاز کرد، هرکسی راکه نزدیکتر او بود و به او اعتماد داشت، به اسلام دعوت کرد، و اشخاصی از قبیل: عثمان بن عفان، زبیر بن عوام، عبدالرحمن بن عوف، سعد بن ابی وقاص و طلحه بن عبیدالله رضی الله عنهم با دعوت ابوبکرصدیق به اسلام گرویدند.

بعد از آن، ابوعبیده عامر بن جراح (امین امت)، ابو سلمه بن عبدالاسد، همسرش أم‌سلمه، ارقم بن ابی ارقم، عثمان بن مظعون، عبدالله بن جحش رضی الله عنهم وغیره اسلام را پذیرفتند، همه اشخاص نامبرده قریشی اند.

از جملهٔ نخستین پیشتازان اسلام که غیر قریشی بودند: عبدالله بن مسعود، بلال بن رباح حبشی، صهیب بن سنان رومی، عماربن یاسر، پدرش یاسر، مادرش سمیه، عامر بن فهیره و مسعود بن ربیعه رضی الله عنهم بودند.

همچنان أم ایمن، أم الفضل لبابه بنت حارث همسر عباس و اسماء بنت ابی بکرصدیق (رضی الله عنهن) نیز از جملهٔ زنان پیشتاز در اسلام به شمار می‌روند.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب با هم تکرار نمایند.

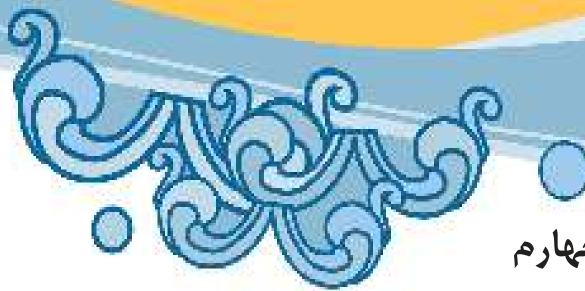


۱- رسول الله صلی الله علیه وسلم دعوت خفی را چطور آغاز کرد، و تا کدام وقت دوام کرد؟

۲- پنج تن از نخستین پیشتازان اسلام را نام بگیرید؟



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر و زبان خویش نوشته عنوان مناسبی برایش انتخاب نمایید.



درس سی و چهارم

دارالارقم (مرکز رهبری)

مرکز دعوت سری: دار الارقم مرکز سری و ابتدایی دعوت بود که مسلمانان در آنجا گردهم می‌آمدند، آیات قرآن را که جدیداً نازل می‌گردید از پیغمبر اکرمﷺ می‌شنیدند و فرا می‌گرفتند، پیغمبر اکرمﷺ برای‌شان قرآن را تلاوت می‌کرد. صفات خداوندﷻ را برای‌شان بیان می‌نمود احکام، اخلاق و آداب دین اسلام را برای آن‌ها تعلیم می‌داد، سؤال‌های آن‌ها را جواب گفته و آن‌ها را زیر نظر خودش به تعالیم اسلامی تربیه می‌کرد.

صحابه کرام در دارالارقم دروس ارزش‌های اساسی دین مقدس اسلام را می‌آموختند، چون: توحید، تقوی، صبر، بردباری، گذشت، تحمل، ثبات، برادری، صدق، وفا، امانت، ایثار، همکاری و همبسته‌گی.

چرا دار الارقم؟

گزینش دار الارقم به عنوان مرکز رهبری اسباب متعددی داشت، از جمله آن‌ها:

۱- مسلمان شدن ارقم در میان مردم معروف نبود، لذا در ذهن هیچ کسی خطور نمی‌کرد که محمد با یارانش در منزل ارقم ملاقات می‌نماید.

۲- ارقم بن ابی ارقم از قبیلهٔ مخزوم بود، و قبیله بنی مخزوم با قبیلهٔ بنی هاشم رقابت داشت. کسی تصور نمی‌کرد که اجتماعات حضرت محمدﷺ که هاشمی بود در منزل یک تن مخزومی دایر گردد.

۳- ارقم بن ابی ارقم یک جوان شانزده ساله بود که به اسلام مشرف گردید، و جلسات عرب‌ها عموما در منازل اشخاص بزرگ سال تدویر می‌گردید، بنابرآن تدویر جلسات حضرت محمدﷺ در خانهٔ یک فرد جوان بعید به نظر می‌رسید.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب با هم تکرار نمایند.

دعوت سری چند سال دوام کرد؟

سه سال به همین منوال سپری شد، و دعوت اسلام همچنان به شکل سری صورت می‌گرفت و منحصر به افراد محدود بود، در خلال این مدت یک گروه مؤمنی ایجاد شد که بر اساس برادری، همکاری و تبلیغ رسالت کمر همت بستند.

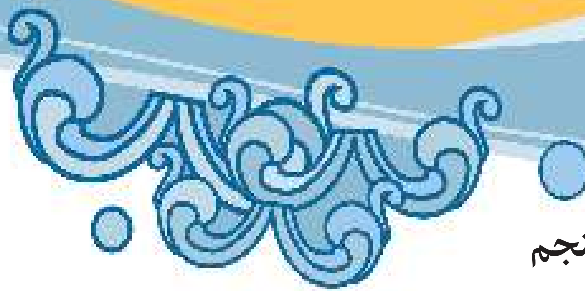
پیغمبر اکرمﷺ دعوتش را در میان مردم آشکارا اعلان نکرده بود، ولی نام اسلام در بین قریش به سر زبان‌های آن‌ها بود. مردم در هر جا در مورد این دعوت گفتگو می‌کردند، برخی از مردم چون ابو جهل و ابو لهب بر عده‌یی از مؤمنان ظلم و ستم می‌کردند، با وجود آن، مشرکین مکه به این امر بیشتر توجه نکردند، زیرا پیغمبر اکرمﷺ هنوز دعوت علنی را آغاز نکرده بود، تا آن‌که پیغمبر اکرمﷺ از طرف خداوند متعال به آشکار ساختن دعوت در میان مردم مکلف گردید.



۱- ارقم بن ابی ارقم چه کسی بود؟
۲- صحابهٔ کرام در دارالارقم چه چیزها را می‌آموختند ؟
۳- چرا دار الارقم به حیث مقر اجتماعات تعیین گردیده بود؟



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر و زبان خویش نوشته عنوان مناسبی برایش انتخاب نمایید.



درس سی و پنجم

ایمان و ثبات

عن سفیانَ بن عبد الله رضي الله عنه قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ! قُلْ لِي فِي الإِسْلَامِ قَولاً لَا أَسْأَلُ عَنْهُ أَحَداً غَيْرَكَ. قَالَ: «قُلْ آمَنْتُ بِاللهِ، ثُمَّ اسْتَقِمْ» رواه مسلم

آشنایی با راوی

اسم مبارکش سفیان، اسم پدرش عبدالله، لقبش ابا عمرو، از قوم ثقیف باشندهٔ طائف بود. از طرف حضرت عمرفاروق رضي الله عنه والی طائف تعیین شد و به تعداد پنج حدیث روایت نموده است.

معنی برخی کلمات:

۱. لَا أَسْأَلُ: نپرسم

۲. قَولاً: سخن

۳. قُلْ: بگو

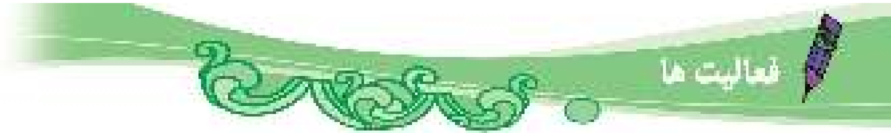
۴. ثُمَّ اسْتَقِمْ: باز بر آن ثابت قدم باش

معنی حدیث

از حضرت سفیان بن عبدالله رضي الله عنه روایت است که به رسول اکرم ﷺ عرض کردم: «ای رسول خدا! در بارهٔ اسلام چنان سخن جامعی به من بگویید که بعد از شما از کسی دیگر در این باره سؤالی نداشته باشم» ایشان فرمودند: بگو به الله ایمان آوردم؛ سپس بر آن به طور کامل پا برجا باش.

حکمت حدیث

مؤمن به برکت ایمانش هیچگاه مضطرب و پریشان نمی‌شود، زیرا او به خداوندی که متصرف کل کاینات است و همه چیز در دست اوست و در همه حال مراقب بنده‌اش می‌باشد، عقیده دارد و این را خوب می‌داند که صرف مادیات راه گشای مشکلات نیست لذا در راه اطاعت و بنده‌گی او پایداری می‌کند و در نتیجه، مؤمنی که بر مقتضیات ایمانش پایبند باشد، هر نوع تشویش و نگرانی را از ذهنش دور می‌سازد و قوت صبر و بردباری حاصل می‌کند که راز موفقیت در هر کاری صبر و استقامت است.



شاگردان به کمک استادشان در مورد تأثیرات ایمان بر زنده‌گی بحث کنند؟

منظور از ثبات و استقامت چیست؟

منظور، پیمودن صراط مستقیم (دین مقدس اسلام) بدون افراط و تفریط و پیروی کامل و دایم از تمام اوامر و منهیات خداوندی است.

فایدۀ استقامت

استقامت انسان را در راه اطاعت خداوندﷻ، مبارزه با وسوسه‌های شیطان و خواهش‌های نفسانی پیروز و سربلند می‌سازد و از ضایع شدن سعی و تلاش‌هایش جلوگیری نموده، سبب نظم در کارها و رسیدن به خوشبختی دنیا و آخرت می‌شود.

فواید حدیث

۱- اهمیت ایمان به الله: ایمان به الله چنان مهم است که رسول اللهﷺ در جواب صحابی، آن را سرلوحه قرار داد.

۲- لزوم استقامت: برای رستگاری انسان دو پایگاه نیرومند لازم است، یکی پایگاه درونی و دیگری تکیه‌گاه بیرونی؛ پایگاه درونی ایمان و تکیه‌گاه بیرونی استقامت در راه ایمان است.

۳- یادگرفتن دین: از سوال صحابی چنین معلوم می‌شود که هر مسلمان باید همیشه در پی یاد گرفتن دینش از اهلش باشد.



۱- منظور از ثبات و استقامت چیست؟

۲- فواید استقامت چیست؟

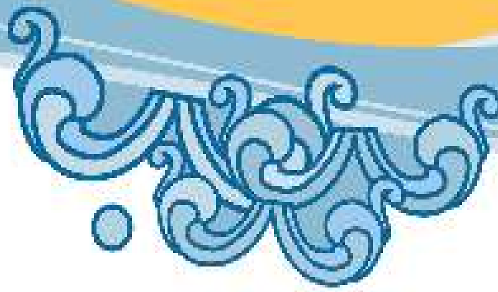
۳- کلمات ذیل را معنی نمایید:

۱- قُلْ آمَنْتُ بِاللهِ

۲- ثُمَّ اسْتَقِمْ



در مورد اهمیت ایمان و لزوم استقامت بر آن مقاله‌یی بنویسید.



درس سی و ششم

پرورش یتیم

عن سَهْلِ بْنَ سَعْدٍ رضی‌الله‌عنه عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: قَالَ أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمَ كَهَاتَيْنِ فِي الْجَنَّةِ وَقَرَنَ بَيْنَ أُصْبُعَيْهِ الْوُسْطَى وَالَّتِي تَلِي الْإِبْهَامَ. رواه ابوداود

آشنایی با راوی

اسمش سهل، اسم پدرش سعدالساعدی، لقبش ابی العباس است و در زمان جاهلیت نامش حزن (غم) بود، اما رسول الله ﷺ او را به نام سهل (آسانی) نامگذاری کرد. این صحابی بزرگوار در بسیاری از غزوات هم اشتراک کرده است. درسال ۸۸ هجری به عمر ۹۶ سالگی دار فانی را وداع گفت.

معنای برخی کلمات

۱. الْيَتِيم: طفلی که یکی از والدینش و یا هر دو وفات یافته باشد

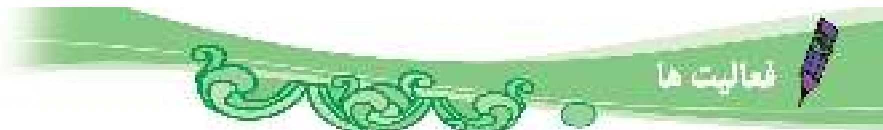
۲. كَافِلُ: سرپرست و پرورش دهندۀ یتیم.

۳. كَهَاتَيْنِ: مانند این دو انگشت.

۴. وَقَرَنَ بَيْنَ أُصْبُعَيْهِ: دو انگشت خود را نزدیک کرد.

معنای حدیث

حضرت سهل بن سعد رضی‌الله‌عنه از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که ایشان فرمودند: «من و پرورش دهندۀ یتیم در جنت مانند دو انگشت یک دست، پهلو به پهلوی هم می‌باشیم. (راوی می‌گوید) دو انگشت خود، یعنی وسطی و سبابه‌اش را به هم نزدیک کرد.



شاگردان در بارۀ ضررهای بی‌اعتنایی به یتیمان بحث کنند.

حکمت حدیث
در هر جامعه آن‌طورکه افراد ثروتمند و دارا زنده‌گی می‌کنند، فقراء و بینوایان و ایتام و درمانده‌گان هم هستند. دین مقدس اسلام ما را فراخوانده است تا آن‌ها را تحت سرپرستی و کفالت خود بگیریم و نگذاریم که احساس کمبود و تنهایی کنند. اگر کمبودی‌های شان پرنشود، تجربه نشان داده است که این‌ها اغلب افرادی ناسالم و در بسیاری از موارد سنگدل، عقده‌یی، جانی و خطرناک بار می‌آیند و دشمنان دین و جامعه هم آنان را برای عملی ساختن اغراض شوم شان استخدام نموده دست به ویرانگری‌ها می‌زنند و فضای زنده‌گی را تنگ و تلخ می‌سازند. پس وظیفهٔ توانمندان این است که تعلیم و تربیت سالم این افراد را بر دوش گرفته، رسالت و وظیفهٔ دینی شان را انجام داده، اجر و پاداش زیادی به دست بیاورند.

فوائد حدیث
۱- مقام پرورش دهندهٔ یتیم: پیغمبر اکرمﷺ این مژده را به سرپرست یتیم داده است که او در روز قیامت در کنار آن‌حضرت خواهد بود.

۲- استفاده از وسایل در تعلیم: پیامبر اکرمﷺ برای ذهن نشین شدن یک مطلب در ذهن مخاطب، از اشارات دست مبارک خود کار گرفت.



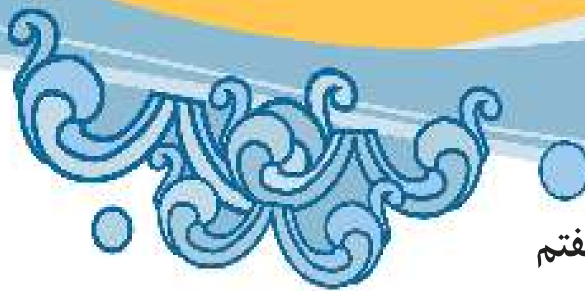
آیا یتیمی در محلهٔ شما زنده‌گی می‌کند. شما در عرصهٔ تعلیم و تربیت او چه کمکی کرده می توانید؟ شاگردان در مورد باهم مباحثه نمایند.



۱- یتیم کیست و سرپرستی و تربیت او بر دوش چه کسانی است؟
۲- مربی یتیم در روز قیامت چه مقامی دارد، واضح نمایید؟
۳- فواید این حدیث شریف را نام ببرید.



در این باره که یتیم از چه لحاظ باید مورد توجه قرار گیرد، یک مقالهٔ مختصر بنویسید.



درس سی و هفتم

تعاون و همکاری

عن عبدِ اللهِ بن عُمرَ رضي الله عنهما أَنَّ رسولَ اللَّهِ ﷺ قال: «المسلمُ أخو المسلِم، لايَظْلِمُهُ، ولايُسْلِمُه، مَنْ كَانَ في حاجةِ أخيهِ كانَ اللهُ في حاجتِهِ، وَمَن فَرَّجَ عن مُسلم كُرْبَةً فَرَّجَ اللهُ عنهُ بهَا كُرْبة مِنْ كُرَبِ يوم القيامةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسلِما سَتَرَهُ اللهُ يومَ القيامةِ» رواه ابوداود

آشنایی با راوی

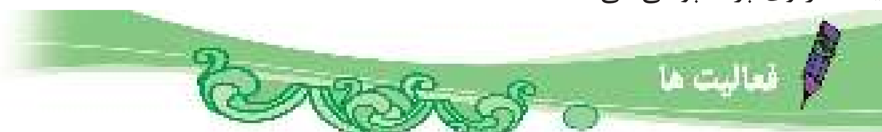
اسمش عبدالله، اسم پدرش عمر، نام جدش خطاب و از قوم قریش بود و در مکه به اسلام مشرف گردید، سپس به مدینه هجرت نمود. از جملهٔ فقهای صحابه بود. احادیث زیادی را از رسول الله ﷺ روایت نموده و در سال ۷۳ هجری دار فانی را وداع گفته است.

معنای برخی کلمات

۱. کُرْبَةً: سختی یا مشکل
۲. فَرَّجَ: دور ساخت
۳. سَتَرَ: (عیب را) پوشاند.

معنای حدیث

از عبدالله بن عمر رضي الله عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: مسلمان برادر مسلمان است، بر او ظلم نمی‌کند و نه او را به ظالم می‌سپارد. و هر کس نیاز برادر خود را بر آورده سازد، خداوند نیاز او را برآورده می‌سازد و هر کس مشکل و گرفتاری مسلمانی را رفع کند، خداوند سختی‌های قیامت او را آسان می‌سازد و هر کس از مسلمانی پرده پوشی کند، خداوند در روز قیامت از وی پرده پوشی می‌کند.



شاگردان دربارهٔ تأثیرات خوب اوصاف ذکر شده در حدیث گفتگو کنند.

حکمت حدیث

خداوند ﷻ فطرتاً دو برادر و خواهر و یا اعضای یک فامیل را به گونهٔ آفریده است که مهر و محبت خاصی در بین‌شان وجود دارد و همیشه به فکر سعادت و خوشبختی همدیگر می‌باشند

و اگر نیازی داشتند و یا با مشکلی مواجه شدند، برای رفع آن هر چه از دست‌شان بیاید انجام می‌دهند و هیچگاه بر یکدیگر ظلم نمی‌کنند و به دشمن نمی‌سپارند. لذا در این حدیث شریف رسول اکرم ﷺ همهٔ مسلمانان را همچون اعضای یک خانواده بزرگ و برادر و خواهر یکدیگر دانسته و از اعمالی مانند ظلم و ستم که سبب برهم خوردن این رابطه می‌شود باز می‌دارد و به عنوان یک وظیفهٔ دینی پیروانش را به غمخواری و حل مشکلات یکدیگر و چشم پوشی از عیوب‌شان فرا می‌خواند.

پس در چنین جامعه‌ای کسی که مشکلی بر سرش آمده است خود را تنها احساس نمی‌کند بلکه دیگران را هم شریک غمش می‌داند. لذا جامعه اسلامی مملو از خلوص و الفت و مهر و محبت بوده و از هر نوع کینه و کدورت، بغض و دشمنی عاری می‌باشد.

فوائد حدیث

۱- مسلمانان برادر و خواهر یکدیگر اند و باید مثل اعضای یک فامیل زنده‌گی کنند.
۲- مسلمان بر مسلمان ظلم نمی‌کند.
۳- مسلمان برادر مسلمانش را به دشمن نمی‌سپارد.
۴- مسلمان به فکر رفع نیازمندی و حل مشکلات برادر مسلمان خود می‌باشد.
۵- مسلمان عیب مسلمان را می‌پوشاند: هیچ انسانی وجود ندارد که کم و بیش عیبی نداشته باشد و مسلمان واقعی خوبی‌ها را بیان می‌کند و زشتی‌ها را می‌پوشاند.
۶- و در پاداش همهٔ این کارها خداوند ﷻ در دنیا و آخرت بنده‌اش را کمک می‌کند.



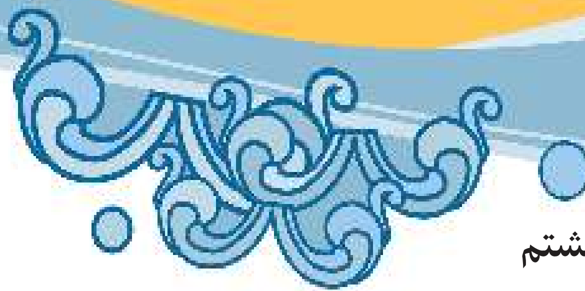
شاگردان در مورد تعاون و همکاری مسلمان با برادر و خواهر مسلمانش، باهم مباحثه نمایند.



۱- احساس مسلمان نسبت به دیگران چیست؟
۲- چرا باید عیوب دیگران را بپوشانیم؟
۳- کلمات و عبارات ذیل را معنا کنید: (لایَظْلِمُهُ)، (ولایُسْلِمُه)، (فَرَّجَ)، (کُرْبَةً)، (سَتَرَ مُسلِما)، (سَتَرَهُ‌اللهُ).



چگونه می‌توانیم به همصنفان و همسایه‌گان خود کمک کنیم؟ در این باره یک مقالهٔ مختصر بنویسید.



درس سی و هشتم

صفات مسلمان

عن عبدِالله بنِ عَمرو رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه و سلم قال: «اَلمُسلِمُ مَن سَلِمَ المُسلِمُونَ مِن لِسَانِه وَ يَدِهِ و المُهاجِرُ مَن هَاجَرَ مَا نَهَى اللهُ عنه» رواه البخاری

آشنایی با راوی

این راوی در درس هفتم معرفی شده است.

معنای برخی کلمات

۱. مِن لِسَانِه: از زبان او
۲. وَ يَدِه: از دست او
۳. المُهاجِرُ: ترک کننده
۴. مَن هَاجَرَ: کسی که هجرت کرده باشد
۵. مَا نَهَی اللهُ: آنچه که خداوند منع کرده است

معنای حدیث

حضرت عبدالله بن عمرو بن العاص رضي الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم روایت نموده و می‌فرماید: مسلمان کسی است که مسلمان‌ها از ضرر زبان و دستش در امان باشند و مهاجر کسی است که از گناهان خود را نگه می‌دارد.



شاگردان دربارهٔ ضررهای دست و زبان معلومات خود را باهم دیگر شریک سازند.

حکمت حدیث

انسان از دو طریق متضرر می‌شود: یکی از لحاظ فزیکی و جسمانی و دیگری از لحاظ

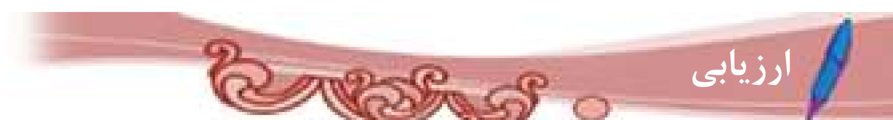
معنوی و روانی. در این حدیث شریف مسلمان از ضرر رساندن به دیگران از طریق دست و زبان منع شده است. چون هدف این است که مسلمانان با عزت و احترام متقابل زنده‌گی کرده و از هر نوع تعرض مصون بمانند، و فضای حاکم بر جامعهٔ اسلامی روی پایه‌های حفظ کرامت و شخصیت و دور از هر گونه بهتان و تمسخر، اذیت و آزار استوار بماند.

فوائد حدیث

۱- عفت زبان: مسلمان سنجیده حرف می‌زند و از دشنام و الفاظ بد و زشت پرهیز می‌کند.

۲- از دست مسلمان به هیچ کسی ضرر نمی‌رسد.

۳- دوری از محیط آلوده به گناه: مسلمان باید در تلاش زیستن در محیطی پاکیزه و دور از گناه باشد.

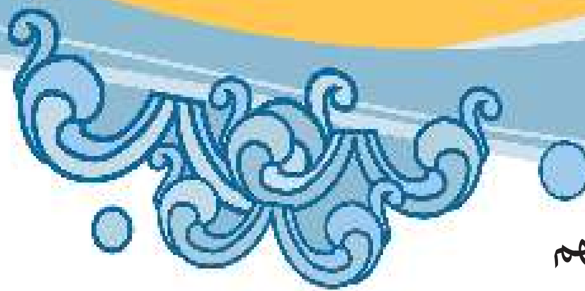


۱ـ مراد از مهاجر در این حدیث کیست؟

۲ـ چرا تنها بر حفاظت دست و زبان تأکید شده است؟



حدیث درس را با ترجمهٔ آن در کتابچهٔ خود بنویسید.



درس سی و نهم

پنج بنای اسلام

عن ابن عمر رضي الله عنهما، قَالَ: قال رَسُول اللهِ صلى الله عليه وسلم: بُنِيَ الإِسْلاَمُ عَلَى خَمْسٍ، شَهَادَةِ أنْ لَّا إِلهَ إِلَّا اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلَ اللهِ. وَإِقَامِ الصَّلَاةِ. وَإِيْتَاءِ الزَّكَاةِ. وَصَوْمِ رَمَضَانَ. وَحَجِّ الْبَيْتِ. رواه البخاری

آشنایی با راوی

در درس سی و هفتم معلومات مختصری در بارهٔ این صحابی بزرگوار داده شده است.

معنای برخی کلمات

۱. بُنِيَ: بنا شده.

۲. خَمْس. پنج.

۳. إِقَامِ الصَّلَاةِ: بر پاداشتن نماز.

معنایِ حدیث

حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما می‌فرماید: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: اسلام بر پنج ستون استوار شده است. ۱ـ گواهی و شهادت به این حقیقت که جز الله دیگر معبودی نیست. (احدی شایستهٔ عبادت و بنده‌گی نیست) و محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم بنده و رسول اوست. ۲ـ برپا داشتن نماز. ۳ـ ادای زکات. ۴ـ حج خانهٔ کعبه. ۵ـ روزهٔ ماه مبارک رمضان.

حکمت حدیث

اسلام از مادهٔ سلم (صلح) و سلامتی گرفته شده و به معنای تسلیم شدن بنده به الله جل‌جلاله و فرمانبرداری از اوامر و دوری از نواهی اوست.

در این حدیث شریف دین مقدس اسلام به ساختمان مستحکمی تشبیه داده شده است که روی ستون‌های ثابتی استوار می‌باشد که این ستون‌ها عبارتند از:

خواندن کلمهٔ شهادت: پس اساس و ریشهٔ اسلام ایمان به یگانه‌گی خداوند ﷻ. یعنی این‌که او یگانه خالق کاینات است و تنها او سزاوار عبادت و بنده‌گی است و حضرت محمد ﷺ هم بنده و پیغمبر اوست و پیام‌های او را به انسان‌ها رسانده و راه‌های بنده‌گی و زنده‌گی را یاد داده است.

نماز: بعد از کلمهٔ شهادت مهم‌ترین رکن اسلام نماز می‌باشد که روزانه در پنج وقت مختلف بر هر مرد و زن مسلمان فرض است. نماز به مومن نیرو می‌بخشد، چنانکه در قرآن کریم گفته شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره: ۱۵۳)

ترجمه:« ای مؤمنان با صبر و نماز یاری بخواهید!»

نماز بزرگ‌ترین وسیله است برای یادکردن الله ﷻ. در این باره قرآن کریم فرموده است: «وَأَقِمَ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه: ۱۴)

ترجمه: «برای یادکردن من، نماز بخوان!»

نماز به زنده‌گی مؤمن نظم بخشیده، او را از فحشا و منکرات باز می‌دارد. و قلبش را آرام و مطمئن می‌سازد. و نماز یک عبادت اجتماعی است و پیام مساوی بودن انسان‌ها را در برابر احکام الهی با خود دارد.

زکات: یکی دیگر از پایه‌هایی که اسلام روی آن بنا شده، زکات است که معنای لغوی آن پاکیزه‌گی و نمو می‌باشد. زکات صرف یک کمک مالی نبوده، بلکه مانند نماز، روزه و حج یک عبادت است. یک مؤمن با ادای زکات امر پروردگارش را به جای می‌آورد و در نتیجه به حساب آخرتش ثواب کسب می‌کند. و همین ثواب است که به زنده‌گی اخروی انسان شکل می‌بخشد. و هرگاه زکات به خوبی داده شود سطح رفاه و زنده‌گی همه افراد جامعه را بالا می‌برد.

روزه: روزه هم به عنوان یکی از پایه‌های اسلام انسان را از گناهان محافظت می‌کند و درس صبر و شکر و نظم را به انسان یاد داده و او را از احوال فقراء با خبر می‌سازد و سبب استراحت جسم می‌شود.

حج: حج حکمت‌های فردی و اجتماعی زیادی دارد. حج و سیلهٔ بخشیده شدن گناهان و پاک شدن دل است. شوق انسان را به عبادت و بنده‌گی زیاد می‌سازد، ایمان را تقویت می‌کند. و گذشتهٔ پرشکوه اسلام را به یاد آورده و فداکاری‌ها و قهرمانی‌های

رسول اکرم ﷺ و یارانش را در راه دین زنده می‌کند. و حج میلیون‌ها مسلمان را از جاهای مختلف بدون مطرح بودن رنگ، زبان، نژاد، کشور، فرهنگ، مقام و منصب با هدف و مقصد مشترک در یکجا جمع نموده، نشان می‌دهد که پیوند برادری و برابری مسلمانان چقدر قوی و نیرومند است.

پس این دین یگانه دینی است که همه را به دور یک محور جمع کرده، به خوشبختی دنیا و آخرت سوق می‌دهد.

فواید حدیث

اسلام روی پنج بنا استوار است.

۱- خواندن کلمه شهادت.

۲- نماز فرض است.

۳- روزه فرض است.

۴- زکات بر مسلمانان توانمند فرض است.

۵- حج فرض است.



شاگردان به شکل گروهی در مورد ارکان اسلام گفتگو کنند.



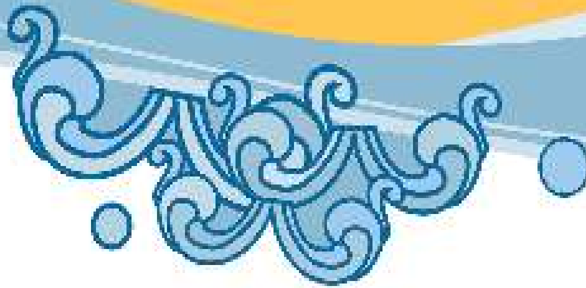
۱- اسلام چند بناء دارد؟

۲- در بارهٔ اهمیت نماز چه می‌دانید؟

۳- بعضی از حکمت‌های حج را بیان کنید؟



حدیث درس را حفظ نموده و با ترجمه آن بنویسید.



درس چهلم

حیاء

عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ عقْبَةَ بْنِ عَمْرٍو رضي الله عنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النُّبُوَّةِ الْأُولَى إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ. رواه البخاری

آشنایی با راوی

اسمش عقبه، کنیه‌اش ابو مسعود است و در کوفه متولد گردیده و در سال ۴۰ هجرت در دوران حضرت علی رضی الله عنه وفات یافته است.

معنای برخی کلمات

مِمَّا أَدْرَکَ النَّاسُ: آنچه مردم (از پیشینیان) آموخته‌اند.

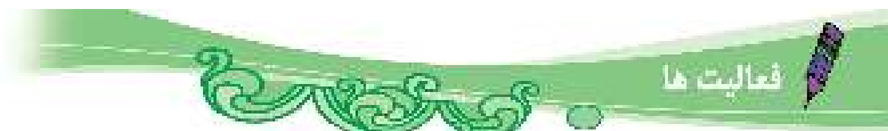
مِنْ كَلَامِ النُّبُوَّةِ الْأُولَى: آنچه شریعت همهٔ انبیا بر آن اتفاق کرده است.

إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ: هرگاه حیاء نداشتی

فَاصْنَعْ: بکن.

معنای حدیث

ابو مسعود رضي الله عنه از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: از گفتارهای پیامبران پیشین آنچه مردم آموخته‌اند یکی این سخن است: «وقتی شرم و حیاء را از دست دادی هرکاری دلت می‌خواهد انجام بده».



شاگردان در مورد حیاء و اینکه حیاء کردن در یاد گرفتن و یاد دادن درست است؟ باهم مباحثه نمایند.

حکمت حدیث

حیاء چیست؟: حیاء، نام آن کیفیت درونی انسانی است که شخص را از هر سخن غیر مناسب و کارهای ناپسند متنفر می‌سازد. انسان باید بیش از همه از خداوندﷻ حیاء داشته باشد.

آنچه جامعه را فاسد می‌سازد بی‌بندوباری و فساد اخلاقی است. اما حیا چنان صفت نیکی است که انسان را از تمام بدی‌ها باز می‌دارد. لذا اسلام آن را شعبۀ مهمی از ایمان دانسته و حکم کرده است که مسلمانان به این صفت متصف شده و جامعۀ خود را از عریانی و بی‌حیایی که سبب امراض گوناگون می‌شود حفظ کنند و از اضطراب و تشویش مردم جلوگیری نمایند.

ثمرۀ حیاء

نتیجۀ شرم و حیاء هیچگاه ضرر و زیان نیست، بلکه همیشه نفع دارد. چنانکه پیامبر اکرمﷺ فرموده است: «الحیاء لایأتی الاّ بخیر؛ حیاء فقط خیر و خوبی می‌آورد»

در حدیثی دیگر فرموده‌اند: «حیاء و ایمان هر دو همیشه همراه خواهند بود، هرگاه یکی از آن دو موجود نباشد، دیگری نیز موجود نخواهد بود.»

فواید حدیث

۱- حیاء: از تعالیم همۀ پیامبران به میراث مانده است.

۲- اهمیت حیا: حیا انسان را از فحشا و منکرات و لگام گسیختگی باز می‌دارد.

۳- حیاء به انسان قدر و منزلت می‌بخشد.

فعالیت ها

شاگردان در بارۀ فواید حیاء با هم گفتگو کنند.

ارزیابی

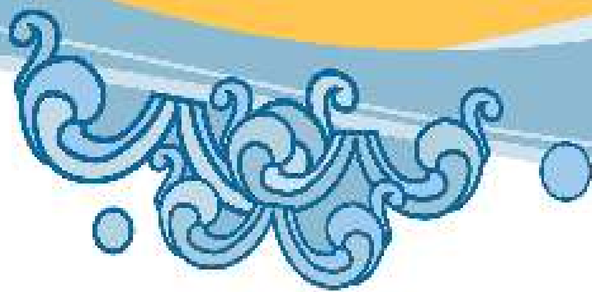
۱- حیاء را تعریف کنید؟

۲- حکمت حیاء را بیان کنید؟

۳- انسان بیش از همه از کِی باید حیاء داشته باشد؟

کارخانه گی

در مورد ضررهای بی‌حیایی یک مقالۀ مختصر بنویسید.



درس چهل و یکم

مواد مخدر (مواد نشه آور)

عن ام سلمة رضي الله عنها قالت: نَهَى رَسُولُ الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ كُلِّ مُسْكِرٍ وَمُفْتِرٍ.
رواه ابو داود

آشنایی با راوی

حضرت ام سلمه رضي الله عنها به قبیلهٔ بنو مغیره منسوب است و از جملهٔ مسلمانان نخست بود، ام سلمه رضي الله عنها از جملهٔ مهاجرینی است که به حبشه و مدینه هجرت کرده‌اند. ایشان پس از شهادت همسرش ابو سلمه، در سال چهارم هجری در ماه شوال به عقد نکاح پیامبر اکرم ﷺ در آمد و در صف امهات المؤمنین داخل شد. او بیش از ۳۰۰ حدیث از رسول خدا روایت کرده است. سرانجام در سال سیزده هجری در سن ۸۴ سالگی وفات یافت.

معنای برخی کلمات

۱. مُسْكِرٍ: نشه آور و زایل کنندهٔ عقل.
۲. مُفْتِرٍ: سست کننده.

معنای حدیث

ام سلمه رضي الله عنها روایت کرده است که پیامبر اکرم ﷺ از (استعمال) هر (نوع مواد) نشه آور و زایل کنندهٔ عقل و سست کننده منع کرده است.

حکمت حدیث

یکی از مهم‌ترین اهداف دین، تعلیم دادن راه‌های استفادهٔ درست از نعمت‌های خداوندمتعال و محافظت از عقل و جان و مال است.

خداوندمتعال با آراسته ساختن انسان به نعمت عقل او را از حیوانات برتر قرار داده

است. چون انسان با عقل خود می‌تواند خوب و بد، نفع و ضرر را تشخیص دهد و با انکشاف عقلش راه‌های ترقی و پیشرفت را هموار سازد. لذا دین مقدس اسلام به خاطر حفظ عقل استفاده از هر نوع مواد نشه آور و مخدر را که در رأس آن شراب قرار دارد حرام کرده است. زیرا استعمال این مواد سبب بروز جرایم گوناگون از قبیل قتل و خودکشی، سرقت و تجاوز، نا امنی و برهم خوردن سلامتی و توازن اعضای بدن می‌شود.

فواید حدیث

۱- تمام انواع مست کننده‌ها و سست کننده‌ها از قبیل شراب و انواع مخدّرات حرام است.

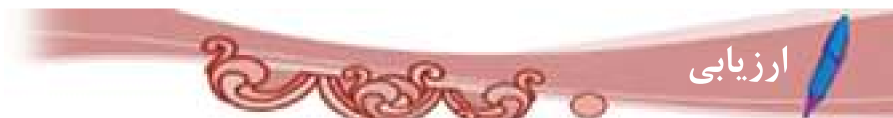
۲- مواد نشه آور چه کم باشد چه زیاد، حرام است.

۳- استفاده از مواد نشه آور به هر کیفیتی که باشد حرام است.

۴- دین مقدس اسلام انسان را مسؤول محافظت از جسم و عقلش می‌داند.



تعدادی از شاگردان در باره ضررهای مواد مخدر، چشم دیدهای‌شان را بیان کنند.



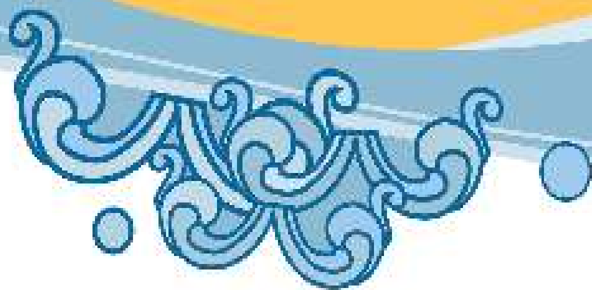
۱- حکم مواد مخدر در دین مبین اسلام چیست؟

۲- ضررهای شراب و مواد مخدر را بیان کنید؟

۳- مفهوم درس را به طور فشرده و به زبان ساده بیان کنید؟



در بارهٔ اضرار مواد مخدر یک مقاله بنویسید.



درس چهل و دوم

نماز جماعت

حکم نماز جماعت:

نماز جماعت سنت مؤکد است.

چه کسی حق امامت دارد؟

۱- حق اول برای امامت، از شخص عالم است، یعنی شخصی که از مسایل شرعی به خصوص احکام نماز آگاه باشد.

۲- اگر چنین شخصی نباشد، قاری قرآن کریم یا کسی که قرآن را بهتر تلاوت کرده می‌تواند، امام شود.

۳- اگر عالم و قاری هم پیدا نشد، شخص متقی و پرهیزگارتر امام شود.

۴- اگر تقوای همه یکسان باشد، در این صورت کسی که عمرش زیادتر است امام شود.

احکام اقتداء

۱- نماز فرض گزار در پشت فرض گزار در حالی درست است که هر دو عین فرض را اداء و از گردن خود ساقط کنند، به طور مثال هر دو فرض نماز پیشین را بخوانند، اما اگر یکی نماز عصر و شخص دیگر نماز پیشین را می‌خواند اقتدای یکی عقب دیگر صحیح نیست.

۲- تیمم کننده می‌تواند امام وضوء کننده باشد.

۳- کسی که پاهایش را می‌شوید می‌تواند به امامی‌که مسح می‌کند اقتداء نماید.

۴- شخص ایستاده می‌تواند بر نشسته اقتداء کند.

۵- کسی که رکوع و سجده می‌کند، نمی‌تواند بر اشاره کننده اقتداء نماید.

۶- اقتدای نفل گزار بر فرض گزار صحیح است.

۷- نماز غیر معذور پشت معذور جایز نیست.

۸- قاری نباید پشت امی‌بایستد.

۹- اقتدای جامعه پوشیده عقب عریان درست نیست.

یافتن نماز فرض

هرگاه شخصی به تنهایی به خواندن نماز سنت یا فرض و یا قضایی شروع کرده بود و بعداً جماعت برپا شد درحالتی‌که ایستاده است سلام داده نماز خود را ترک کند و به جماعت شرکت نماید. در صورتی‌که یک رکعت را اداء نموده بود یک رکعت دیگر با او ضم نموده نمازش را تمام نماید و بعداً اقتداء کند.

حکم تکرار نماز جماعت در یک مسجد

تکرار نماز جماعت در مسجد قریه با یک آذان و اقامت مکروه است. به خصوص وقتی‌که این کار به صورت دوامدار از طرف یک گروه شود، چون باعث تفرقه می‌گردد.

مسجد قریه: مسجدی است که امام و مقتدیانش معلوم باشد.

در جاهای ذیل تکرار جماعت جایز است

۱- در مسجدی که بر سر راه واقع است.

۲- مسجدی که امام و مؤذن مشخص ندارد و هر وقت افراد جداگانه‌یی امامت می‌کنند.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب با هم تکرار نمایند.



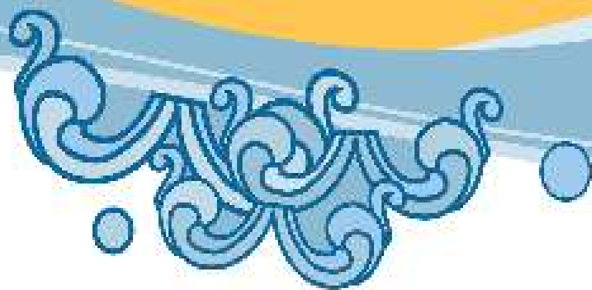
۱- حکم نماز جماعت چیست و چه کسی حق اولیت امامت را دارد؟

۲- در بارهٔ احکام اقتداء معلومات بدهید؟

۳- در چه جاهایی تکرار جماعت جایز است؟



جواب سؤال‌های فوق را در کتابچه‌های خویش بنویسید.



درس چهل و سوم

نماز جمعه

حکم نماز جمعه

نماز جمعه فرض عین است، فرضیت آن از قرآن، احادیث و اجماع ثابت است و منکرش کافر می‌شود.

شرایط وجوب نماز جمعه

۱- بر مردها فرض است نه بر زنان.

۲- مقیم بودن: بر مسافر فرض نیست.

۳- امنیت: بر کسی که امنیتش در خطر باشد، جمعه فرض نیست.

۴- بینایی: بر نابینا فرض نیست.

شرایط صحت نماز جمعه

۱- نماز جمعه در شهر ویا در جایی که امیر و قاضی داشته باشد صحیح است.

۲- امام نماز جمعه باید یا حاکم کشور باشد و یا شخصی باشد که نماینده او باشد.

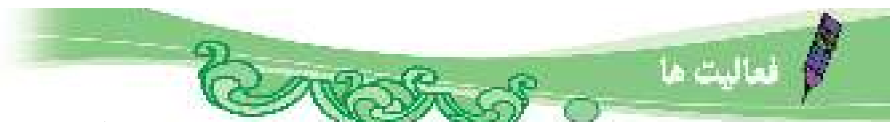
۳- در وقت ظهر باید ادا شود، لذا پیش از زوال و بعد از سپری شدن وقت نماز ظهر درست نیست.

۴- داخل شدن هر شخص به مسجد آزاد باشد و از آمدن هیچ کسی جلوگیری نگردد.

۵- با جماعت ادا شود، پس به تنهایی درست نیست، و حد اقل جماعت سه نفر می‌باشد.

۶- خُطبه: خواندن خطبه به غیر از زبان عربی نیز جایز است. به شرطی‌که حمد و ثنا داشته باشد.

۷- خطبه باید قبل از نماز جمعه باشد.



یکی از شاگردان نماز جمعه را به صورت مختصر در حضور هم صنفانش عملاً تمثیل کند.

نماز دو عید

حکم نماز دو عید

بر هر کسی که نماز جمعه فرض باشد، نماز عید هم واجب است.

شرایط وجوب نماز عید

شرایط وجوب نماز عید عیناً مثل شرایط وجوب نماز جمعه است.

شرایط صحت نماز عید

شرایط صحت نماز عید هم عیناً مثل شرایط صحت نماز جمعه است، البته با این تفاوت که خواندن خطبهٔ نماز عید، بعد از نماز، سنت است.

برای کسی که به نماز عید آماده‌گی می‌گیرد این چیزها سنت است

۱- در عید غسل کردن بر همهٔ مردم چه به نماز عید بیایند و چه نیایند، سنت است.

۲- استفاده از خوشبویی، و لباس پاکیزه پوشیدن.

۳- در وقت عید مبارکی با دیگران خود را خوشحال نشان دادن.

۴- خیرات و صدقه دادن در روز عید، و همچنان دادن صدقهٔ فطر بر کسی که واجب باشد.

۵- تغییر دادن راه هنگام رفتن به عیدگاه، یعنی رفتن از یک راه و آمدن از راه دیگر.

طریقهٔ ادای نماز عید

۱- امام و مقتدی نیت نماز عید را بکنند.

۲- امام و مقتدی ثناء (سبحانک اللهم....) به طور خفیه بخوانند.

۳- بعد از ثنا امام و مقتدی سه بار در حالی تکبیر بگویند که دست‌های‌شان را تا گوش‌ها بالا برده و بعد رها کنند و در بین هر تکبیر مقدار سه بار سبحان الله گفتن مکث نمایند.

۴- بعد از آن امام «أعوذ بالله و بسم الله» را طور خفیه می‌خواند، سپس امام سورهٔ فاتحه و چند آیت را به جهر می‌خواند.

۵- بعدا تکبیر گفته به رکوع می‌رود.

۶- بعد از قومه و جلسه تکبیر بلند شدن به رکعت دوم را بگوید.

۷- وقتی به رکعت دوم ایستاد، آهسته «بسم الله الرحمن الرحیم» بگوید.

۸- بعد از «بسم الله» فاتحه را همراه با چند آیت بخواند.

۹- بعد از آن و پیش از رکوع سه بار تکبیر بگوید و هر بار دست‌ها را تا گوش‌ها بلند کرده و رها نماید.

۱۰- با تکبیر چهارم به رکوع برود. رکوع و سجده کند.

۱۱- بعد از تشهد، درود و دعاء سلام بدهد.

۱۲- بعد از سلام امام بایستد و دو خطبه بخواند.

۱۳- بین دو خطبه کمی‌بنشیند.



یکی از شاگردان نماز عید را در برابر شاگردان دیگر تمثیل کند.

تکبیرهای تشریق

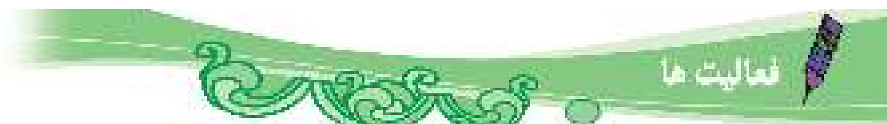
اَللهُ اَکبَر- اَللهُ اَکبَر لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ و اللهُ اَکبَرُ اَللهُ اَکبَرُ وَ لِلهِ الحَمدُ

حکم تکبیرهای تشریق

تکبیرهای تشریق بر هر مسلمان بالغ واجب است.

وقت تکبیرهای تشریق

بعد از نماز صبح روز عرفه شروع، و در نماز عصر روز چهارم (چهارم عید) به پایان می‌رسد.



یک شاگرد اداء کردن نماز عید را در صنف تمثیل نماید.

ارزیابی

أ: به سؤال‌های ذیل جواب بدهید:

۱- روزهای تشریق چند روز است؟

۲- حکم نمازهای جمعه و عید چیست؟

۳- شرایط صحت نماز جمعه را بیان کنید؟

۴- برای آماده شدن به نماز عید چه چیزهایی سنت است؟

ب: جملات صحیح را با علامت (✓) و جملات غلط را با نشانی(×) علامت گذاری کنید:

۱- تکبیرهای تشریق بر هر مسلمان بالغ و نابالغ واجب است. (   )

۲- نماز جمعه سنت است. (   )

۳- شرایط صحت نماز عید عیناً مثل شرایط صحت نماز جمعه است. (   )

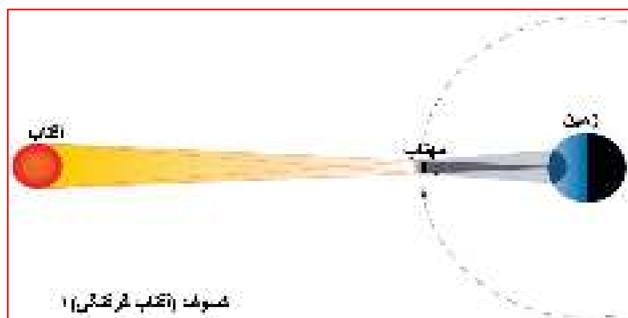
۴- تکبیرهای تشریق بعد از نماز صبح روز عرفه شروع و در یازدهم ذی الحجه به پایان می‌رسد. ( ).

کارخانه‌گی

طریقۀ اداء نماز عید را به ترتیب در کتابچۀ خود بنویسید.

درس چهل و چهارم

نماز کسوف، خسوف و استسقاء



معنای کسوف: کسوف به معنای سیاه شدن و یا کم شدن نور آفتاب است.
زمانی‌که مهتاب دربین آفتاب و زمین واقع گردد و مهتاب مانع رسیدن شعاع آفتاب به زمین شود کسوف واقع می‌گردد.

حکم نماز کسوف: نماز کسوف سنت مؤکد است.

طریقهٔ ادای نماز کسوف: نماز کسوف دو رکعت است، و مثل نمازهای دیگر ادا می‌شود، خطبه، اذان و اقامت ندارد. امام قرائت را خفیه می‌خواند و با امامت کسی ادا می‌شود که جمعه را امامت می‌کند. اگر کسی به امامت حاضر نشد، هرکس در خانهٔ خود دو و یا چهار رکعت نماز بخواند.

نماز خسوف

معنای خسوف: خسوف به معنای سیاه شدن و یا کم شدن نور مهتاب است هرگاه زمین در بین مهتاب و آفتاب قرار گیرد و سایهٔ زمین بر روی مهتاب افتیده مانع رسیدن شعاع آفتاب به مهتاب گردد، خسوف واقع می‌گردد.

طریقهٔ ادای نماز خسوف: نماز خسوف همیشه در خانه خوانده می‌شود. همچنان به خاطر زلزله، طوفان و نجات از مریضی‌های ساری نماز خوانده می‌شود.

نماز استسقاء

استسقاء خواستن باران را گویند.
در استسقاء دو رکعت نماز خوانده می‌شود و بعد از آن امام خطبه می‌گوید و دعا می‌کند.

مسایل

۱- در استسقاء لازم است خشوع و عاجزی زیاد اظهار گردد، همچنان می‌توان حیوانات را هم با خود برد.

۲- بهتر است که اطفال و ریش‌سفیدان را نیز با خود ببرند، چرا که رحمت الله جَلَّ جَلالُه بر ضعیفان بیشتر نازل می‌شود.

۳- در نماز استسقاء امام بیشتر استغفار بگوید.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.



۱- به سؤال‌های ذیل جواب بدهید:

أ- معنی خسوف و کسوف چیست؟

ب- نماز خسوف در کجا خوانده می‌شود؟

ج- معنی لغوی و اصطلاحی استسقاء چیست؟

د- حکم نماز استسقاء را بیان کنید.

۲- جملات صحیح را با علامت (✓) و جملات غلط را با نشانی (×) علامت گذاری نمایید:

أ- نماز کسوف و استسقاء سنت مؤکد است. (   )

ب- امام جمعه نماز کسوف را اداء می‌کند. (   )

۳. جاهای خالی ذیل را با کلمات مناسب پر کنید:

أ- نماز کسوف ________ رکعت است.

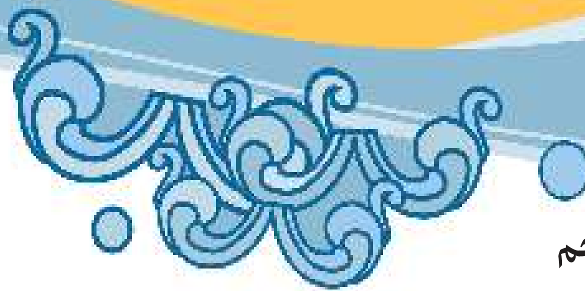
ب- سبب نماز استسقاء ________ است.

ج- برای نماز استسقاء________ روز پی در پی بر آمدن به بیابان ________ است.

د- در نماز استسقاء امام زیاد ________ بگوید.



جواب سؤال‌های فوق را در کتابچه‌های خویش بنویسید.



درس چهل و پنجم

احکام جنازه

تعریف جنازه: وقتی که متوفی برای دفن آماده گردد، و به منظور ادای نماز و تدفین مجهز گردد جنازه نامیده می‌شود.

سنت‌ها و مستحبات لحظات جان کندن و نزع روح

۱-گفتن کلمهٔ شهادت

۲-حاضر شدن چند تن از اقارب و دوستان نزدیک مریض به منظور تلقین کلمهٔ شهادت و شنیدن وصیت.

البته به مریض باید امر نشود که کلمهٔ شهادت بخوان، چون ممکن است احیاناً مریض ناآگاهانه عکس العمل منفی نشان بدهد.

۳-وقتی که روح از بدن جدا می شود در این وقت لازم است بدن متوفی طوری ترتیب و تنظیم گردد که گویا وی به بهترین هیئتش در خواب است، چشمانش بسته، زنخ اش جمع، پاها و دست هایش هموار گردد، و اگر چادری میسر گردد بالایش انداخته شود.

حقوق مرده بالای زنده ها

۱- ادای قرض‌های معلوم متوفی و یا به عهده گرفتن آن.

۲- شستن میت.

۳- ادای نماز جنازه بر آن.

۴- دفن میت

احکام شهید حقیقی

۱- با لباس هایش دفن می‌گردد وکفن جدید برایش داده نمی‌شود.

۲- هر آن چیزی که لباس و یا اشیای اضافی باشد از وی دور کرده شود مانند: ساعت، چپن، و امثال آن.

۳- به شهید حقیقی غسل داده نمی‌شود.

۴- نماز جنازه بالایش خوانده می‌شود.

حقوق طفل متوفای مسلمانان

۱- گذاشتن نام نیک بالای او

۲- غسل دادن

۳- ادای نماز جنازه بالای او

۴- دفن او در قبرستان

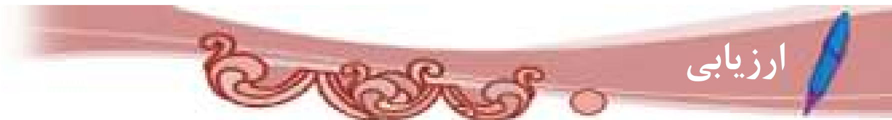
مصارف تکفین و تجهیز میت

مصارف تکفین، تجهیز و تدفین میت از اموال متوفی پرداخته می‌شود، اگر متوفی مال نداشت اقارب نزدیک و یا ورثه اش بر اساس (الاقرب فالاقرب) مصارف را می‌پردازند، و اگرکسی اقارب نداشت در آن صورت از بیت المال پرداخته می‌شود.

البته لازم است از مصارف کمرشکن و اضافی که تنها برای هم چشمی، تظاهر و رقابت با دیگران می‌شود اجتناب نمود ؛ زیرا در بسا اوقات باعث اذیت و تکلیف دو چند فامیل متوفی می‌گردد. [1]



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.



۱- جنازه را تعریف نمایید.

۲- سنت‌ها و آداب لحظات جان کندن کدام است؟

۳- حقوق مرده را به صورت مختصر بیان نمایید؟

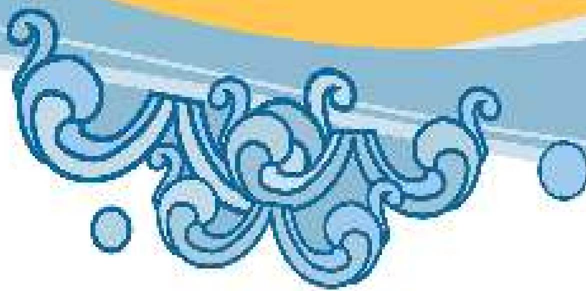
۴- احکام شهید را به طور مختصر بیان نمایید؟

۵- مصارف تجهیز و تکفین میت بالای کیست؟



جواب سؤال‌های بالا را در کتابچهٔ تان بنویسید.

۱- معلومات فوق اضافی بوده شامل امتحان نمی‌باشد



درس چهل و ششم

غسل دادن میت و ادای نماز جنازه بر آن

اول – غسل دادن میت

۱- در یک جای مناسب و پوشیده لباس هایش از او کشیده شود و عورتش پت گردد.

۲- حرمت میت حفظ گردد، عورت وی طوری شسته شود که مستقیما و بدون پرده لمس نگردد و دیده نشود.

۳- وضوء برایش داده شود، البته دهن و بینی اش شسته نمی‌شود، بلکه توسط یک تکه و دستمال تر، مسح می‌گردد.

۴- سرش شسته شود.

۵- بالای تمام بدنش آب انداخته شود و شسته شود، اگر با صابون شسته شود بهتر است.

۶- نخست طرف راست میت وبعد از آن طرف چپ وی شسته می‌شود.

چه کسی برای غسل دادن میت مناسب است؟

بهتر است میت توسط نزدیکترین اقاربش که غسل دادن را یاد دارد غسل داده شود، اگر چنین نبود توسط شخص پرهیزگاری که به غسل دادن آشنایی داشته باشد، غسل داده شود.

البته زن باید توسط زن شسته شود، ولی زن می‌تواند شوهر متوفی خود را غسل بدهد.

دوم – تکفین میت

حکم تکفین میت: تکفین میت فرض کفایی است.

کفن سه قسم است: کفن مسنونه، کفن کفایت، و کفن ضرورت.

۱-کفن مسنونه عبارت است از:

- **قمیص:** که از گردن تا پاهای میت را می‌پوشاند.
- **ازار:** که سر وتمام بدن میت را می‌پوشاند و بالای قمیص پوشانیده می‌شود.
- **لفافه:** این تکه از سر و پاهای میت درازتر بوده و از طرف سر و پاها گره زده شود.

البته در کفن زن دو تکهٔ دیگر نیز اضافه می‌گردد: خمار و خرقه.

• خمار: چادری که سر و موها را بپوشاند.

• **خرقه:** تکه یی که از سینه تا زانوها را بپوشاند.

خمار و خرقه قبل از لفافه پوشانده می‌شود.

۲-کفن کفایت: کفنی که تنها شامل ازار و لفافه باشد و قمیص در آن نباشد.

ولی برای زنان در کفن کفایت چادر نیز شامل آن می‌باشد.

۳-کفن ضرورت: تکه یی که به حد کفن کفایت نباشد و به خاطر ضرورت میت درآن تکفین گردد، کفن ضرورت گفته می‌شود.

سوم: نماز جنازه بالای میت

حکم نماز جنازه: ادای نماز جنازه مانند تجهیز و تکفین میت بالای مردم فرض کفایی می‌باشد.

ارکان نماز جنازه: نماز جنازه دو رکن دارد.

۱- چهارتکبیر

۲- ایستادن

نیت یعنی قصد و ارادهٔ ادای نماز جنازه، شرط است.

بعد از تکبیر چهارم، سلام گردانیدن به دو طرف واجب می‌باشد.

سنت‌های نماز جنازه

۱- بعد از تکبیر اول خواندن حمد و ثنا: (سُبحَانَكَ أَللّٰهُمَّ وَ بِحَمدِكَ وَ تَبَارَكَ إِسمُكَ وَ تَعَالَى جَدُّكَ وَ جَلَّ ثَنَائُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيرُكَ).

۲- بعد از تکبیر دوم خواندن درود: (أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحُمَّدٍ كَمَا صَلَّيتَ وَ سَلَّمتَ وَ بَارَكتَ وَ رَحِمتَ عَلَى اِبرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ اِبرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ)

۳- بعد از تکبیر سوم خواندن دعا و مغفرت برای میت، به هر عبارتی که باشد، ولی بهتر است به الفاظ مأثور دعا نماید مانند:

• **برای مرد وزن بالغ:** (أَللّٰهُمَّ اغفِر لِحَيِّنَا وَ مَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا وَ صَغِيرِنَا وَ كَبِيرِنَا وَ ذَكَرِنَا وَ أُنثَانَا، أَللّٰهُمَّ مَن احيَيْتَه مِنَّا فَاَحيِهِ عَلَى الاسلام و مَن تَوَفَّيتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الايمَانِ).

• **برای طفل پسر:** (أَللّٰهُمَّ اجعَلهُ لَنَا فَرَطاً وَ اجعَلهُ لَنَا أَجراً وَ ذُخراً وَ اجعَلهُ لَنَا شَافِعاً وَ مُشَفَّعاً).

• **برای طفل دختر:** (أَللّٰهُمَّ اجعَلهَا لَنَا فَرَطاً وَ اجعَلهَا لَنَا أَجراً وَ ذُخراً وَ اجعَلهَا لَنَا شَافِعَةً وَ مُشَفَّعَةً).

مستحب است اگر تعداد نمازگزاران بیشتر باشد، سه صف شوند.

کیفیت ادای نماز جنازه

- بعد از این‌که جنازه برای نماز گذاشته شد، امام در مقابل سینۀ میت استاده می‌شود و بعد از ترتیب صفوف و تعیین میت (که طفل است و یا بزرگ سال) امام تکبیر اول را می‌گوید:
- بعد از آن نماز گذاران دست‌های خود را تا گوش‌ها بالا می‌نمایند و بعد از گفتن تکبیر به زیر ناف می‌گذارند ((سبحانک اللهم....) را می‌خوانند.
- و بعد از تکبیر دوم (اللهم صل....) را می‌خوانند.
- بعد از تکبیر سوم دعای مناسب را می‌خوانند، مانند: (اللهم اغفر لحینا و میتنا...)
- بعد از تکبیر چهارم و سلام امام، سلام می‌گردانند.



یک تن از شاگردان نماز جنازه بزرگ سالان را در صنف به صورت عملی با آواز بلند تمثیل نماید.

یک شاگرد دیگر نماز جنازه طفل دختر را به صورت عملی با آواز بلند تمثیل نماید.

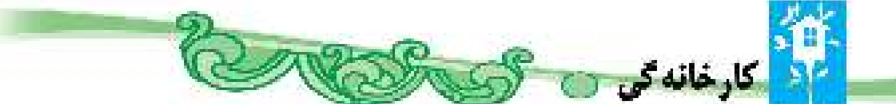
و شاگرد دیگر نماز جنازه طفل پسر را به صورت عملی با آواز بلند تمثیل نماید.



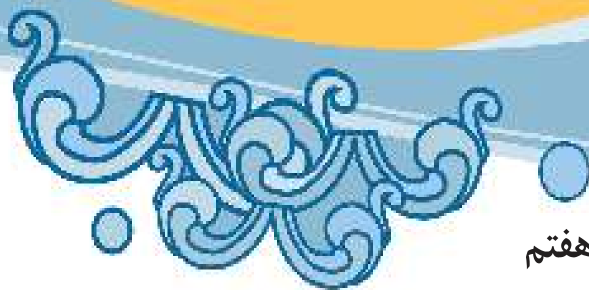
۱- دعاهای نماز جنازه را بگویید.

۲- کفن به چند قسم است ؟

۳- کفن مردان و زنان چه تفاوت دارد؟



شاگردان نماز جنازه را یاد بگیرند و کیفیت نماز جنازه را در کتابچۀ خود بنویسند.



درس چهل و هفتم

زکات

تعریف زکات

زکات در لغت: پاکی، زیادت و برکت.

و دراصطلاح عبارت است از: دادن مقدار معینی از مالی که به نصاب رسیده باشد، به مستحقین آن.

حکم زکات

زکات یکی از ارکان اسلام می‌باشد، و دادن آن بر شخصی که شرایطش را پوره کرده باشد، فرض می‌باشد.

دلایل فرضیت زکات: زکات به قرآن کریم، احادیث پیغمبر اکرمﷺ و اجماع ثابت است.

۱- قرآن کریم: (وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ) [بقره: ۴۳] ترجمه: نماز را قایم نمایید و زکات را بپردازید.

۲- حدیث: رسول اکرمﷺ می‌فرماید: اسلام پنج بنا دارد که عبارت است از: کلمهٔ شهادت ادای نماز، دادن زکات، گرفتن روزه و حج بیت الله.

۳- اجماع: علمای امت اسلامی به فرضیت زکات اتفاق دارند.

زکات در سال دوم هجری قبل از فرضیت روزه فرض گردیده است.

شرایط وجوب زکات

زکات شرایط خاصی دارد که بخشی از آن به مالک و برخی به خود مال تعلق می‌گیرد.

شرایط مکلف یا مالک

۱- اسلام　　۲- عقل　　۳- بلوغ　　۴- حُرّیت(غلام نباشد)

۵- مالک نصاب بودن، به این معنی که در شروع و ختم سال مالک نصاب باشد.

نصاب زکات در نقدین: در طلا بیست مثقال و در نقره دوصد درهم شرعی می‌باشد که با معیارهای کنونی ۸۵ گرام طلا و ۵۹۵ گرام نقره و یا معادل آن به پول مروج می‌باشد.

شرایط متعلق به مال

۱- مال باید در دست مالک باشد بنابرآن درمال گم شده زکات واجب نیست.

۲- بر آن مال چنان قرضی نباشد که همهٔ مال را در بر بگیرد و یا بعد از ادای دین مال کمتر از نصاب باقی بماند.

۳- نصاب از نیازهای اصلی و ضروری مانند: خانه، اسپ، سلاح و چیزهایی از این قبیل اضافه باشد.

۴- نصاب زکات از اموالی پوره شده باشد که شرعاً قابلیت زکات را داشته باشد.

۵- سپری شدن یک سال بالای مالی که به نصاب رسیده است، یعنی از روزی که نصاب در ملکیت مالک در آمده است، یک سال قمری گذشته باشد.

(اما در زکات محصولات زمین گذشتن یک سال شرط نیست، بلکه به محض رسیدن میوه و کشت، زکات واجب می‌شود).

شرایط صحت زکات

فقهای کرام برای صحت ادای زکات شرایط آتی را وضع کرده اند:

۱- نیت، چراکه دادن زکات عبادت است و عبادت بدون نیت صحیح نمی‌شود.

۲- اسلام

۳- زکات باید به مستحقین اصلی داده شود که تعریف شان خواهد آمد.

۴- مستحق، زکات را قبض کند.

۵- زکات از مال حلال باید باشد.

اموالی که زکات دادن از آن‌ها واجب است

۱- حیوانات

۲- اموال تجارتی

۳- میوه‌ها و محصولات زمین

۴- طلا ونقره

۵. معادن و اموال دفن شده



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال وجواب باهم تکرار نمایند.



به سؤال‌های ذیل جواب بدهید:

۱- زکات در لغت و اصطلاح چیست؟

۲- دلایل فرضیت زکات را از قرآن کریم بگویید؟

۳- شرایط صحت زکات چیست؟

۴- شرایط شخص مکلف به دادن زکات را بیان کنید؟

خالیگاه‌های ذیل را با کلمات مناسب پرکنید:

۱- اموالی که زکات در آن فرض می‌شود عبارت اند از............................

۲- شرایط مربوط به مال عبارت است از..............................

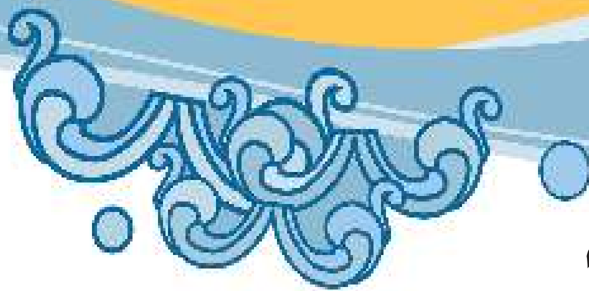
جملات صحیح را با علامت (✓) و جملات غلط را با نشانی (×) علامت گذاری کنید:

أ- شرایط وجوب زکات عبارت است از: اسلام، عقل و بلوغ. (   )

ب- در زکات محصولات زمین نیز گذشتن یک سال شرط است. (   )



شاگردان مطالب عمدهٔ درس را در کتابچهٔ خود بنویسند.



درس چهل و هشتم

زکات حیوانات

منظور از حیوانات شتر، گاو، گاومیش، گوسفند و بز است بنابرآن حیوانات وحشی زکات ندارد.

۱- زکات شتر

زکات شتر به این ترتیب است:

۱- از پنچ شتر یک گوسفند

۲- از ده شتر دو گوسفند

۳- از پانزده شتر سه گوسفند

۴- از بیست تا بیست و چهار شتر چهار گوسفند.

۵- از ۲۵ تا ۳۵ یک چوچهٔ شتر ماده یک ساله، که به سال دوم قدم مانده باشد.

۶- از ۳۶ تا ۴۵ شتر، یک چوچهٔ شتر ماده دو ساله که به سال سوم قدم مانده باشد.

۷- از ۴۶ تا ۶۰ شتر، یک (حقه) است و آن چوچهٔ شتر ماده سه ساله که به سال چهارم قدم مانده باشد.

۸- از ۶۱ تا ۷۵ شتر، یک (جذعه) است و آن چوچهٔ شتر ماده می‌باشد که به سال پنجم قدم مانده باشد.

۹- از ۷۶ تا ۹۰ شتر، دو چوچهٔ شتر یک ساله که به سال دوم قدم مانده باشد.

۱۰- از ۹۱ تا ۱۲۰ شتر، دو چوچه شتر سه ساله که به سال چهارم قدم مانده باشد.

تعداد شتران	مقدار زکات
۵	۱ گوسفند
۱۰	۲ گوسفند
۱۵	۳ گوسفند
۲۰	۴ گوسفند
۲۵	۱ چوچه شتر یک ساله (ماده)

تعداد شتران	مقدار زکات
۳۶	۱ چوچه شتر ماده دو ساله
۴۶	۱ چوچه شتر ماده سه ساله
۶۱	۱ شتر چهار ساله که به سال پنجم قدم مانده باشد
۷۶	۲ چوچه شتر ماده یک ساله
۹۱	۲ چوچه شتر ماه سه ساله

۲- زکات گاوها

نصاب گاوها ۳۰ گاو است.

۱- هرگاه تعداد گاوها به ۳۰ رسید، در آن‌ها یک گوسالهٔ یک ساله که به سال دوم قدم مانده باشد، واجب است.

۲- از ۴۰ گاو یک گوسالهٔ دو ساله که به سال سوم قدم مانده باشد.

۳- هرگاه تعداد گاوها به ۶۰ رسید، دو گوساله یک ساله که به سال دوم قدم مانده باشد، واجب است.

۴- و زمانی که تعداد شان به ۷۰رسید، از آن‌ها یک گوسالهٔ یک ساله و یک گوسالهٔ دو ساله داده می‌شود.

۵- و هرگاه تعدادشان به۸۰ رسید، دو گوسالهٔ دو ساله داده می‌شود.

زکات گاومیش هم مثل زکات گاو است.



برای توضیح مقدار زکات گاوها جدولی مانند جدول نصاب زکات شترها تهیه نمایید.

۳- زکات بز و گوسفند

نصاب بز و گوسفند۴۰ است لذا بر ۳۹ بز و یا گوسفند زکات واجب نیست.

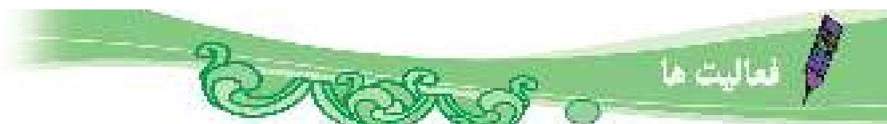
اندازه زکات بز و گوسفند:

۱- از ۴۰ تا ۱۲۰ گوسفند ویا بز، یک گوسفند.

۲- زمانی که تعدادشان به ۱۲۱رسید، دو گوسفند واجب می‌شود.

۳- هرگاه تعدادشان به ۲۰۱ برسد، سه گوسفند واجب می‌شود.
۴- و زمانی که تعدادشان به چهار صد رسید، از آن‌ها چهار گوسفند می‌دهد و هرگاه تعداد شان از چهار صد زیاد شد، از هر صد گوسفند و یا بز یک گوسفند واجب می‌شود.

مسأله: گوسفندی که زکات داده می‌شود، باید یک سال را پوره کرده به سال دوم قدم مانده باشد، یعنی دادن گوسفندی که عمرش از یک سال کمتر باشد، به عنوان زکات درست نیست.



برای توضیح مقدار زکات گوسفندان جدولی مانند جدول نصاب زکات شترها تهیه نمایید.

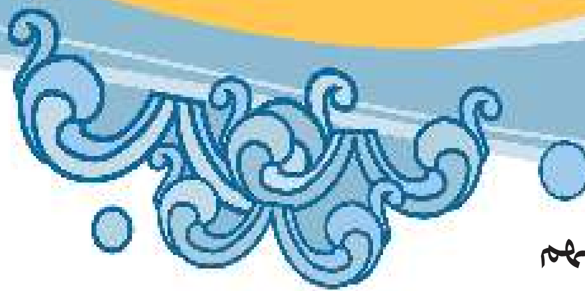


جملات صحیح را با علامت (√) و جملات غلط را با نشانی (×) علامت گذاری کنید:

۱. در هر پنج شتر یک چوچه شتر لازم است. (   )
۲. نصاب زکات گاو ۲۰ گاو است. (   )
۳. نصاب گوسفند چهل رأس است و بر کمتر از آن زکات واجب نیست. (   )



در بارۀ فواید زکات یک مطلب پنج سطری بنویسید.



درس چهل و نهم

زکات محصولات و میوه‌ها

به زکات محصولات و میوه‌ها عُشر گفته می‌شود.

دلایل وجوب زکات: زکات محصولات و میوه‌ها به قرآن کریم، حدیث و اجماع امت ثابت است.

۱- قرآن کریم: الله تعالی می‌فرماید: «وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» (الأنعام: ۱۴۱)

ترجمه: و بدهید زکات آن را در روز درویدن.

۲- حدیث: به روایت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما: رسول اکرم ﷺ به این مفهوم فرموده اند:

ترجمه: (هر آن زمینی که به آب باران و سیل آبیاری می‌شود دهم سیر «حصه» آن را به زکات بدهد و اگر به تکلیف و زحمت آبیاری می‌شود، بیستم سیر آن زکات گرفته شود).

۳- اجماع: تمام امت به این اجماع کردن اند که در حاصلات و میوه‌ها عُشر واجب می گردد.

شرایط وجوب عشر

۱- زمین خراجی نباشد تا عشر و خراج بر یک زمین واجب نشود.

۲- مقصد از گرفتن حاصلات به دست آوردن فایده باشد، بنابرآن پشتارۀ هیزم و نهال زکات ندارد.

۳- زمین از آب باران و جوی و دریا آبیاری شود، لذا از زمینی که در آبیاری آن تکلیف و مشقت باشد، عشر لازم نیست بلکه نصف عشر (از بیست سیر یک سیر) واجب می‌شود.

در زکات محصولات و میوه‌ها شرط نیست که:

۱- سال از آن بگذرد.

۲- نصاب مشخص ندارد، لذا هر اندازه محصولی که به دست آمد، یک دهم آن را بدهد.

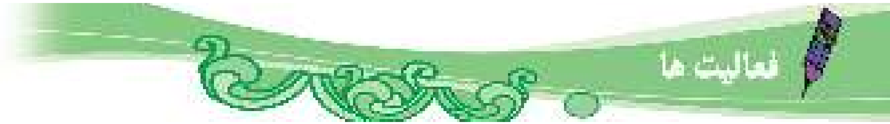
۳- عقل و بلوغ در آن شرط نیست، پس در زمین دیوانه و طفل هم عشر واجب می‌باشد.

۴- ملکیت زمین هم شرط نیست، لذا دهقان و اجاره دار هم باید عشر بدهد.

۵- دادن دین و قرض هم شرط نیست.

۶- باقی ماندن و قابلیت ذخیره شدن هم شرط نیست بلکه بر سبزیجات و میوه‌ها هم

واجب است.



۱- شاگردان از حاصلات منطقهٔ خود پنج مثال بدهند که در آن عُشر لازم باشد و دو مثال هم به چیزهایی بیاورند که نصف عشر در آن لازم می‌شود.

۲- مطالب فوق را به شکل انفرادی مطالعه کرده و در میان گروه‌ها به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.

نصاب طلا و نقره

نصاب طلا بیست مثقال است یعنی ۸۵ گرام، و نصاب نقره دو صد درهم است که با ۵۹۵ گرام برابر می‌باشد.

اندازهٔ زکات طلا و نقره

در طلا و نقره دو و نیم فیصد زمانی زکات داده می‌شود که به نصاب برسد و سال از آن بگذرد. بدین طریق هر اندازه که زیاد شود، در هر چهل روپیه آن یک روپیه زکات لازم می‌گردد.

زکات بانک نوت‌ها

در بانک نوت‌های کنونی زکات زمانی واجب می‌شود که به نصاب برسد و تعیین نصاب از روی طلا و نقره می‌شود، یعنی هرگاه بانک نوت‌ها به حدی برسد که با آن ۵۹۵ گرام نقره و یا ۸۵ گرام طلا خریداری شده بتواند، نصاب پوره می‌شود و از آن دو و نیم فیصد زکات باید بدهد و زمانی که از این مقدار زیاد شد از هر چهل روپیه یک روپیه بدهد، چرا که بانک نوت‌های کنونی جای طلا و نقره را گرفته است.

زکات به چه کسی داده می‌شود

افرادی که به آن‌ها زکات داده می‌شود، هفت گروه است و مالک می‌تواند به همهٔ آن‌ها مقداری از زکاتش را بدهد و این صلاحیت را هم دارد که همهٔ زکاتش را به یک گروه و یا یک نفر بدهد؛ آن افراد بدین قرار اند:

۱- فقیر: به کسی گفته می‌شود که مال بسیار کم دارد که نه کفایت می‌کند و نه به حد

نصاب می‌رسد.

۲- مسکین: کسی است که هیچ چیزی ندارد و یا دارایی‌اش کمتر از فقیر است.

۳- مامورینی که از طرف بیت المال برای جمع آوری زکات تعیین شده‌اند.

۴- غلام: کسی که مالک برای آزادی‌اش مالی را مشخص کرده است.

۵- فی سبیل الله: مجاهدین حقیقی که ارادهٔ جهاد در راه خدا ﷻ را دارند، اما از امکانات محروم هستند.

۶- قرضدار: قرضداری که توانایی ادای قرضش را ندارد.

۷- مسافر: کسی که از خانواده و اموالش دور است. به قدری زکات به او داده می‌شود که به خانه رسیده بتواند.

مسأله: دادن زکات برای ساختن مسجد و راه جواز ندارد.



هر شاگرد متن درس را به شکل انفرادی مطالعه کرده و بعد به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.



به سؤال‌های ذیل جواب بدهید:

۱- زکات میوه‌ها و محصولات زمین به چه نام یاد می‌شود؟

۲- نصاب طلا و نقره چیست و چه مقدار زکات داده می‌شود؟

۳- به چه کسانی زکات داده می‌شود؟ به تفصیل بیان کنید.

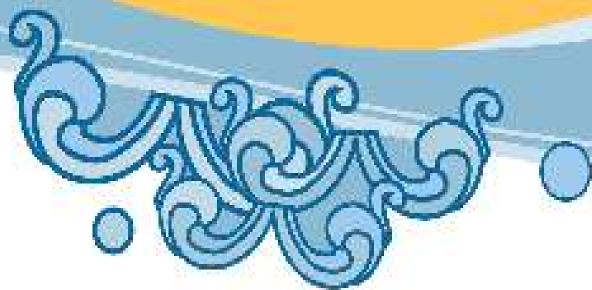
جملات صحیح را با علامت (√) و جملات غلط را با نشانی (×) علامت گذاری کنید:

۱- نصاب طلا بیست درهم است ونصاب نقره دو صد مثقال است (   ).

۲- مسکین: کسی است که هیچ چیزی ندارد و یا دارایی‌اش کمتر از فقیر باشد ( )



جواب سؤال‌های فوق را در کتابچهٔ خود بنویسید.



درس پنجاهم

حج

تعریف حج: حج در لغت قصد و اراده را می‌گویند.

و در اصطلاح عبارت است از: زیارت جاهای مخصوص در وقت خاص با اعمال خاص.

حکم حج

رکن پنجم اسلام است، کسی‌که از فرضیت آن انکار نماید از ملت اسلام خارج می‌گردد.

دلایل فرضیت حج

فرضیت حج به قرآن‌کریم، سنت، و اجماع ثابت می‌باشد.

۱- قرآن کریم: خداوند‌ﷻ می‌فرماید: (وَلِلّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً) (آل عمران/۹۷).

حج بیت الله بر آن‌هایی که توانایی دارند برای کسب رضای خداوندمتعال فرض می‌باشد.

۲- حدیث: در احادیث متعدد حج به حیث رکن پنجم اسلام آمده است.

۳- اجماع: علمای امت اسلامی به فرضیت حج اتفاق دارند.

شرایط وجوب حج

۱- اسلام

۲- عقل

۳- بلوغ

۴- قدرت و توانایی: که با اشیای ذیل تحقق می‌یابد:

الف: صحت و تندرستی، یعنی به مریضیی که مانع سفر می‌شود مبتلا نباشد.

ب: مصارف خوراک و رفت و آمد را داشته باشد.

ج: از خانه تا رسیدن به حج، راه امن باشد.

د: هرگاه زنی نیت حج را کرد، باید یکی از محارم مسلمانش همراه او باشد.

شرایط صحت حج

۱- اسلام.

۲- تمییز و عقل.

۳- احرام.

۴- انجام دادن اعمال و مناسک حج در جای و وقت مشخص آن.



شاگردان مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند



به سؤال‌های ذیل جواب بدهید:

۱- شرایط وجوب حج کدام است؟

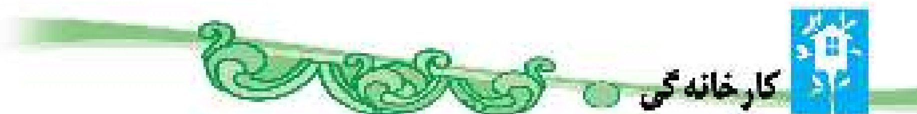
۲- استطاعت به چه چیزهایی تحقق می‌یابد؟

۳- حج چه حکم دارد با دلیل بیان نمایید.

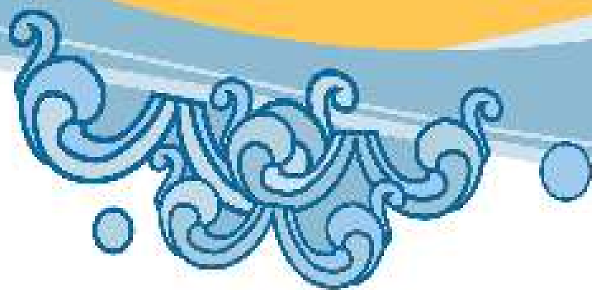
خالیگاه‌های ذیل را با کلمات مناسب و درست پُرکنید:

۱. حج در لغت__________ و در اصطلاح __________.

۲. شرایط صحت حج عبارت است از _____، _____، _____، _____.



جواب سؤال‌های فوق را در کتابچۀ خود بنویسید.



درس پنجاه و یکم

فرایض و واجبات حج



حج سه فرض دارد

۱- احرام.

۲- وقوف عرفات.

۳- طواف زیارت.

واجبات حج قرار ذیل اند:

۱- بستن احرام از میقات.

۲- وقوف در عرفات الی غروب آفتاب.

۳- وقوف در مزدلفه الی طلوع آفتاب روز عید.

۴- رمی جمرات (زدن شیطان ها).

۵- ذبح (برای حاجی قارن و متمتع).

۶- حلق و تقصیر موی سر در وقت معین آن.

۷- تقدیم رمی جمرات برحلق.

۸- عدم تاخیر طواف زیارت از ایام عید.

۹- سعی در بین صفا ومروه.

۱۰- شروع سعی از صفا.

۱۱- طواف وداع (برای حجاج خارج از مکه).

۱۲- شروع طواف از حجرالاسود.

۱۳- طواف کردن به طرف راست.

۱۴- وضو داشتن در طواف.

۱۵- ستر عورت.



۱۶-ترک امور ممنوعه در احرام مانند: پوشیدن لباس دوخته شده، پوشاندن سر برای مردان، قطع کردن ناخن ها، کم کردن و تراشیدن موی و شکارکردن.

در سعی امور ذیل مراعات گردد

۱- سعی را از صفا آغاز کند.

۲- به صفا ومروه باید بالا شود.

۳- در شروع هر سعی باید روی خود را به طرف کعبه نموده دستان خود را بلند نموده تکبیر بگوید.

۴- در وقت سعی بین صفا و مروه دعا کند و زیاد تکبیر، تسبیح و تهلیل بگوید.

۵- سعی را بعد از طواف ادا نماید.

۶- سعی کردن با وضو سنت است.

در ایستادن در مزدلفه امور ذیل را رعایت نماید

۱- گذراندن شب عید درمزدلفه سنت است.

۲- جمع کردن نمازهای شام و خفتن به یک اذان و اقامت در مزدلفه سنت است.

۳- تکبیر، تسبیح، تهلیل، استغفار، درود و دعا خواندن .

۴- جمع نمودن سنگچل های کوچک به اندازه دانه لوبیا برای رمی جمرات (زدن شیطان‌ها).

۵- با آرامش رفتن از مزدلفه به سوی منی.

زدن جمره‌ها

سه جمره وجود دارد و نام‌های شان قرار ذیل است:

- جمرۀ کبری یا جمرۀ عقبه
- جمرۀ وسطی
- جمرۀ صغری



۱- زدن جمرۀ کبری (عقبه)

این جمره از منی به طرف مکه جمره سوم است.

وقت زدن آن: وقت زدن آن از صبح روز عید قربان شروع و تا طلوع صبح صادق روز یازدهم ادامه دارد، اگر کدام حاجی بعد از این وقت جمره را زد، بر او دم لازم می‌شود.

۲- زدن هر سه جمره در روزهای ۱۱-۱۲-۱۳ ماه ذی الحجه.

وقت زدن آن‌ها در سه روز: زدن آن‌ها در روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم از زوال آفتاب تا غروب سنت است.

مسأله: بر هر حاجی لازم است که در روز اول عید جمره کبری را بزند و در دو روز دیگر عید هر سه جمره را بزند.

شرایط صحت زدن جمرات

۱- جمره باید با چیزی زده شود که از جنس زمین باشد مانند سنگ و کلوخ.

۲- هر جمره را با هفت سنگ به صورت جداگانه بزنند.

۳- در روزهای که هر سه جمره زده می شود، ترتیب رعایت گردد یعنی اول جمرۀ صغری بعداً وسطی و در اخیر جمرۀ کبری.



مطالب فوق را به شکل گروهی به روش سؤال و جواب باهم تکرار نمایند.



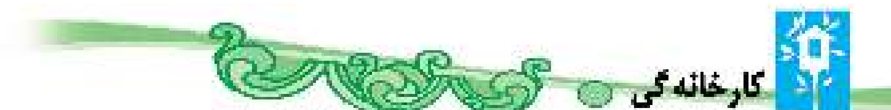
به سؤال‌های ذیل جواب دهید:

۱- واجبات حج را بیان کنید؟

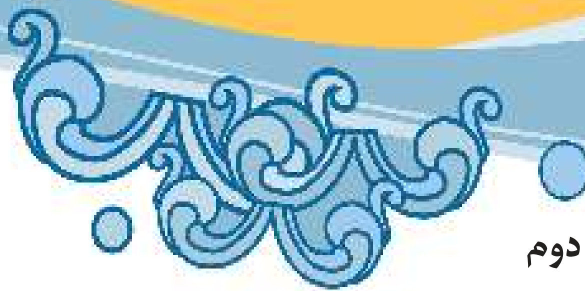
۲- در سعی کدام امور مراعات گردد؟

۳- در ایستادن در مزدلفه کدام امور مراعات گردد؟

۴- شرایط صحت زدن جمره را نام ببرید؟



جواب سؤال‌های فوق را در کتابچۀ خود بنویسید.



درس پنجاه و دوم

اقسام حج

حج سه قسم است:

۱- قِران

۲- تمتع

۳- افراد

کدام یکی با فضیلت‌تر است؟

به ترتیب اول قِران سپس تمتع و بعد از آن إفراد بهتر است.

۱- حج قِران: قران در لغت نزدیک کردن دو چیز را می‌گویند و در اصطلاح عبارت است از نیت کردن و ادا نمودن حج و عمره با هم یکجا.

طریقهٔ حج قران

وقتی که حاجی قارن به مکهٔ مکرمه داخل می‌شود ابتدا عمرهٔ خود را تمام می‌نماید، ولی خود را از احرام خارج نمی‌کند، تا این‌که مراسم حج فرضی شروع شود، وقتیکه در روز هشتم ذی‌الحجه حجاج به منی می‌روند وی نیز با آن‌ها یکجا در همین احرام سابقه‌اش به منی می‌رود.

تکلیف و مشقت حاجی قران نسبت به متمتع و منفرد بیشتر می‌باشد. چون از روز ادای عمره الی روز عید در احرام باقی می‌ماند.

بر کسی که حج قِران را انجام می‌دهد، دم شکر واجب است، یعنی به خاطر شکر خداوندﷻ یک حیوان را ذبح می‌کند.

۲- حج تمتع

تمتع در لغت فایده گرفتن را گویند.

و در اصطلاح عبارت از اداء کردن حج و عمره است با احرام‌ها و نیت‌های جداگانه.

فرق حج قران و تمتع: در حج تمتع حاجی بعد از ادای عمره احرامش را دور می‌کند و به صورت عادی وقت خود را سپری می‌کند (و این یک نوع فایده گرفتن است) تا این‌که وقت حج می‌رسد و دوباره احرام بسته و نیت حج را می‌کند.

اما در حج قران حاجی بعد از ادای عمره در احرام باقی می‌ماند (تا آن‌که از اداء حج نیز فارغ گردد، حتی اگریک ماه قبل از مراسم حج به مکه داخل شده باشد باز هم لازم است تا انجام دادن مناسک حج در احرام باقی بماند.

بر متمتع نیز دم شکر لازم می‌شود.

۳- حج مفرد

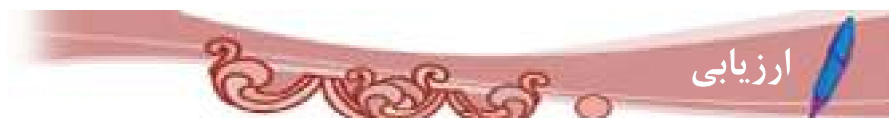
مفرد در لغت یکتا شده را گویند

و در اصطلاح عبارت از حجی است که عمره در آن انجام نشود و حاجی تنها نیت حج را کند، بنا بر این حاجی مفرد فقط یک احرام بسته می‌کند و آن هم به قصد حج.

بالای حاجی مفرد دم شکرانه حج لازم نمی‌شود.



چند شاگرد تفاوت‌های اقسام حج را در صنف تمثیل نمایند.



۱- به سؤال‌های ذیل جواب بدهید:

۱- اقسام حج را نام ببرید.

۲- حج قِران را تعریف و طریقۀ اداء آن را بیان کنید.

۳- در بارۀ حج تمتع و طریقۀ اداء آن معلومات بدهید.

۴- طریقۀ ادای حج مفرد را بیان کنید.

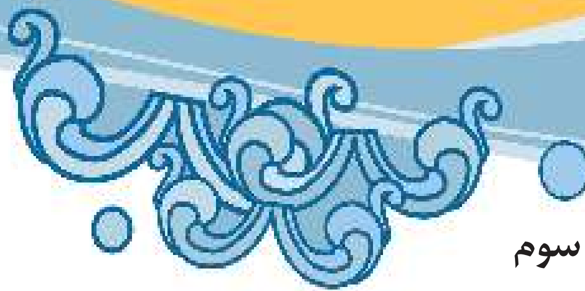
جملات صحیح را با علامت (√) و جملات غلط را با نشانی (×) علامت گذاری کنید:

۱- دم شکر تنها بر حاجی متمتع واجب است (   )

۲- در حج قران برای عمره و حج یکجا احرام بسته می‌شود.



جواب سؤال‌های فوق را در کتابچه‌های خویش بنویسید.



درس پنجاه و سوم

مسایل متفرقهٔ حج

حلق: تراشیدن موی سر را حلق گویند. (که تنها برای مردان است)

تقصیر: کم کردن موی سر را تقصیر گویند.

حلق و تقصیر به منظور خارج شدن از احرام در وقت معینهٔ آن صورت می‌گیرد.

طواف الوداع

عبارت از طوافی است که حجاج آن را در وقت خارج شدن از مکه مکرمه به نیت وداع (خدا حافظی) انجام می دهند و برای کسانی‌که از خارج میقات‌ها می‌آیند واجب است.

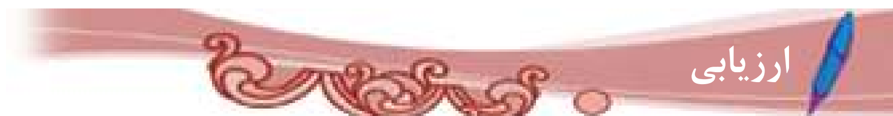
این طواف را طواف صدر نیز می‌گویند، طواف وداع بالای اشخاصی که از خارج مکه به حج آمده اند لازم می‌باشد.

ساقط شدن طواف وداع

طواف وداع از زن‌های معذور ساقط می‌شود.



شاگردان مطلب درس را به صورت گروهی باهم تکرار نمایند.



به سؤال‌های ذیل جواب بدهید:

۱- معنای حلق و تقصیر چیست؟ تعریف کنید.

۲- نام دیگر طواف الوداع چیست و بر چه کسی واجب است و کی ساقط می‌شود؟




این درس را در کتابچه خود بنویسید.